

نشانی برای دریافت و انتشار

ایمیل های شما

Info.sabz1388@googlemail.de

تیراژ این شماره: ۴۲۵۰۰۰

۵۲  
۲۵ آبان ۱۳۸۸

اولین روزنامه ایمنی  
**سبز**  
GREEN NEWS PAPER

چرا پزشک بازداشتگاه کهریزک

خودکشی کرد؟

صفحه: ۱۶



## گفت و گوی روزنامه سبز با عطا هودشتیان:

# جنبش سبز برگشت ناپذیر است

دفتر تحکیم:

امروز همه برای آزادی بیان

به پا خاسته اند

لوموند:

حمایت ایران از شورشیان یمن

نیویورک تایمز:

رژیم ایران و بازی های خشن

و بی فایده



تقدیر رهبری از عملکرد بسیج و سپاه در کودتای انتخاباتی

رئیس پلیس تصاویر ۱۳ آبان را تکذیب کرد!

قرارداد ترکمانچای با ترکیه

۱۸,۵ میلیارد دلار چه شد؟

بزرگترین بانک کشور در بحران

احمدی نژاد و فیروز آبادی تسلیم غرب

۲۱	گلایه های بشار اسد در پاریس رضا تقی زاده
۲۱	سیاست اقتدارگرایان در برابر جنبش سبز مرتضی کاظمیان
۲۲	هشدار! بوی روزهای سخت می آید علی کلانی

### کاظم علمداری:

مبارزه بدون خشونت؛ رمز پیروزی جنبش سبز

کروبی و میرحسین موسوی:

در زمان پهلوی هم با مردم و زنان چنین رفتاری نمی کرد

کردها زیر چوبه دار

**سبز**

فراخوان خانواده های قربانیان سیاسی و جمعی از فعالین حقوق بشر در کردستان  
ارکستر سمفونیک دوسلدف سبز شد

حمله شدید اردشیر لاریجانی به موسوی، کروبی و خاتمی..

برای مقابله با خطر ایران بزرگترین معامله اسلحه به ارزش چهل میلیارد دلار

ناشر

موسسین:

خانه فیلم مخملباف / نوشابه امیری  
هوشنگ اسدی / فریبرز بقانی  
محسن سازگارا / علیرضا نوری زاده  
فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی:  
شهبلا بهار دوست

اولین پیش شماره هفتم تیر ماه هزار و سیصد و هشتاد و هشت

**جنبش سبز**

**۱۶ آذر**

با اتحاد مردم و دانشجویان در مقابل دانشگاهها تجمع خواهیم کرد  
در سراسر ایران

**۱۶ آذر نزدیک است**

**هنر سبز**

ناصر اطمینان، معروف آقایی، شیرکو بیکنس، کژال احمد، مجید نفیسی، لطیف هلمت

صفحات: ۲۳-۲۴

جلوگیری از کنسرت موسیقی آذربایجانی

صفحه: ۱۴

**راههای سبز**

علی لاریجانی: اوپاما همان بوش است

ناخرسندی اوپاما و مدودف از عدم پاسخ ایران به پیشنهاد اتمی کوشنر: پاسخ ایران به پیشنهاد وین منفی است

محمد خاتمی: جامعه را نمی توان پادگانی اداره کرد

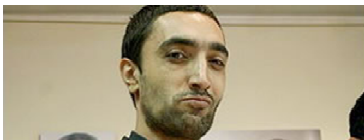
شرایط اقامه نماز رفسنجانی

صفحات: ۲۰-۲۱



گرچه مورد حمله قرار می‌گیرند، می‌دانند که قدرت عقل و مسالمت، بر قدرت سلاح‌های گوناگون غلبه خواهد کرد.» مهندس موسوی اضافه کرد: «علی‌رغم این صف‌آرایی نظامی-امنیتی غیرعادی، وسعت حضور مردم و پراکندگی آن در بیشتر نقاط تهران و بعضی از شهرهای کشور، نشان می‌دهد که حضور مردم جنبه احساساتی ندارد، بلکه ناشی از دلسوزی و عقلانیت برای آینده کشور است.»

### مزدک هم بازداشت شد



مزدک علی نظری، روزنامه‌نگار و سردبیر سایت «خبرنگاران صلح» از چند روز پیش بازداشت شده است. علی نظری در تماس کوتاهی با خانواده اش، بازداشت خود را تأیید اما از مکان نگهداری خود اظهار بی‌اطلاعی کرد. هنوز از علت بازداشت و اتهام او اطلاعی در دست نیست. این روزنامه‌نگار تنها زندگی می‌کرد به همین دلیل خبر یازداشت او دیرتر از حد معمول منتشر شده است. علی نظری در سال ۸۶ یکی از برندگان جایزه شادروان «مهران قاسمی» بود که از سوی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران برای یادبود این روزنامه‌نگار فقید برگزار شد.

### ارکستر سمفونیک دوسلدرف سبز شد

روز یکشنبه ۸ نوامبر ۲۰۰۹ ارکستر سمفونیک دوسلدورف و یک گروه کر ایرانی و آلمانی با اجرای برنامه بی‌نظیری با سرودهای فارسی در سالن اصلی این شهر در حضور ۱۸۰۰ نفر برنامه خود را به اجرا درآوردند.

این برنامه هنری با حضور سبزه‌ها شور خاصی پیدا کرد و نقطه عطف آن آویختن شال سبز بر گردن رهبر ارکستر بود که با استقبال تمامی شرکت‌کنندگان در این کنسرت همراه بود. آنان با کف زدن دقایقی بسیاری از رهبر ارکستر برای حمایت از جنبش سبز در ایران سپاسگذاری نمودند.



زنجیره‌ای علیه ایشان و آقای موسوی پرداخت و گفت: «من ۵۰ سال است که در جریان این انقلاب هستم. روزی که حضرت امام فوت کردند، هتا حکم از ایشان داشتیم. شما هم که نخست‌وزیر امام بودید. این روزنامه‌های زنجیره‌ای تهمت و انگ می‌زنند که من و شما از اسلام و انقلاب خارج شده‌ایم. اما با نوشته‌های آن‌ها که ما از اسلام و انقلاب خارج نمی‌شویم. منتها من نمی‌دانم این چه برخوردی است که آن‌ها خودشان را میزان‌الاعمال و امیرالمومنین می‌دانند؟ اگر زمانی که ما روزنامه‌داشتیم، می‌نوشتیم که مثلاً آقای عسگر اولادی یا مرتضی نبوی ضدانقلاب هستند، حالا این آقایان ضد انقلاب می‌شوند؟» آقای کروبی درباره برخورد‌های خشن با زنان هم افزود: «یادم می‌آید در زمان پهلوی وقتی می‌رفتیم یک اداره‌ای یا جایی در صف بودیم، وقتی خانمی وارد می‌شد، متصدی آن‌جا می‌گفت اجازه بدهید اول کار خانم را رامی‌بازارم. با تو ای اتوبوس‌ها که مختلط بود، مردها بلند می‌شدند که خانم‌ها بنشینند. اما حالا در جمهوری اسلامی با زنان به قدری با خشونت رفتار می‌شود که اخبار متواتری از زدن بانوان با باتوم به اطلاع می‌رسد. من واقعا نمی‌فهمم که دستور چنین رفتارهایی علیه مردم، از کجا صادر می‌شود.»

مهندس موسوی نیز در این دیدار، در توصیف حضور مردم در روز ۱۳ آبان گفت: «وقتی صبح آن روز از خانه به سمت فرهنگستان هنر می‌آمدم، دیدم که جلوی دانشگاه تهران، آن‌قدر نیرو چیده‌اند که انگار لشکرکشی شده‌است. باخودم گفتم اگر امروز حتی بکنفر هم بیرون نیاید، باز هم این نشان‌دهنده قدرت جریان سبز است.»

مهندس موسوی درباره برخورد لباس‌شخصی‌ها با وی گفت: «حدود ساعت ۹ صبح، تعدادی جلوی فرهنگستان جمع شدند و شروع کردند به شعار دادن. سپس تعداد زیادی موتورسوار لباس شخصی، جلوی هر دو درب فرهنگستان در خیابان ولی‌عصر و خیابان صبا را سد کردند که مانع خروج من شوند و با بستن درب پارکینگ، کاری کردند که من سعادت نداشته‌باشم که به جمع مردم بپیوندم و در این اجر معنوی شریک بشوم.»

مهندس موسوی در ادامه افزود: «این افراد می‌خواستند با ممانعت از حضور من در میان مردم، قدرت‌نمایی بکنند، ولی در نهایت این مردم بودند که قدرت‌شان را نشان دادند. این‌ها باید حق مردم را بشناسند. شرکت در این تظاهرات چه ایرادی داشت؟ مردم می‌آمدند و آرام شعارهایشان را هم می‌دادند. پخش قیلم‌های این رفتارهای خشونت‌آمیز و حمله به مردم و باتوم‌زدن به سرویای خانم‌ها عاقبت خوشی نخواهد داشت.»

مهندس موسوی اضافه کرد: «این جنبش عظیم از ارزش‌های بنیادی دفاع می‌کند. می‌گوید دروغ نگویند و می‌گوید دروغ محکوم است، تقلب محکوم است. کسانی که مردم را می‌زنند، فکر نکنند می‌توانند با ترساندن، مردم را خائمشین کنند. اسلام به مردم یاد داده‌است که در راحق از چیزی نترسند. تصور این‌که سرکوب حلال مشکل است، اشتباه است. سرکوب، شورش را از بین می‌برد ولی آن‌چه ما در کشور شاهد آن هستیم، شورش نیست. بلکه درخواست حقوق قانونی است.»

آقای موسوی افزود: «شعارهای ساختار شکنانه، اغلب متأثر از خشونت نیروهای امنیتی است که با ناجوانمردی به پیر و جوان و زن و مرد، حمله می‌کنند. مخصوصاً حمله به زنان، اوج شکستن سنت‌های مرسوم جامعه ماست.»

موسوی گفت: «راسبیز، سرکوب را محکوم می‌کند و خود هم گرفتار خشونت نخواهد شد. همه مردم متوجه هستند که سلاح ما، شعارهای مسالمت‌آمیز و عقلانی ماست. اگرچه در این راه دچار خسارت هم بشویم. ما اجرای بدون تنازل قانون اساسی را می‌خواهیم. ما آزادی زندانیان سیاسی را می‌خواهیم. ما تضمین انتخابات‌های سالم را می‌خواهیم. ما تضمین آزادی‌های مطبوعات و رسانه‌ها و آزادی عقیده و بیان را می‌خواهیم. اسلام دین منطق است. دین شکستن قلم‌ها و بستن فله‌ای روزنامه‌ها نیست. مردم ما تجربه تاریخی نصب گل به سر تفنگ‌ها را دارند. امروز هم

### دیدار مهدی کروبی و میرحسین موسوی:



### در زمان پهلوی هم با مردم و زنان چنین رفتاری نمی‌کردند

عصر روز گذشته، مهندس میرحسین موسوی به منزل آقای کروبی رفت تا ضمن احوال‌پرسی و دلجویی از ایشان بابت حوادث رخ داده در روز ۱۳ آبان، درباره رفتارهای انجام شده با مردم و به‌خصوص زنان در این روز نیز با هم گفتگویی داشته باشند.

در ابتدای این دیدار آقای موسوی، ضمن ابراز انزجار از رفتارهای انجام شده توسط نیروهای لباس شخصی، در روز ۱۳ آبان، با آقای کروبی، گفت: «من از این حمله‌ای که به شما شد بسیار متأثر شدم. اما رفتار شما، نشان‌دهنده اوج روحیه شجاعت و ایستادگی شما و مردم است.» آقای کروبی هم در پاسخ ضمن تشکر از این ابراز همدردی، رفتار مردم را بسیار محبت‌آمیز توصیف کرد.

آقای کروبی در ادامه گفت: «من هم اگر خود را جای حکومت بگذارم، اصلاً توجه نمی‌شوم که چرا باید چنین رفتاری با مردم صورت بگیرد. عمری از من گذشته، حداقل ۱۵ سال با رژیم پهلوی رسماً مبارزه کردم. البته من در این راه، سرباز کوچکی بودم. اما تظاهرات دیدم، راهپیمایی دیدم، زندان و فرار کشیدم. یادم می‌آید حدود سال ۴۱ بود که نهضت آزادی اوج گرفت. آن‌زمان هم چنین تظاهراتی در تهران و جلوی دانشگاه انجام می‌شد.

دانشجویان شعار می‌دادند، پلیس هم می‌آمد و متفرق می‌کرد. چنین برخوردهایی نبود. من اعلام کردم که روز ۱۳ آبان می‌آیم. ولی هر جا هم مصاحبه کردم، گفتم که مواظب باشید که طوری رفتار کنید که به کل نظام برنخورد و از روز قبل هم پیغام‌هایی آمد که در مراسم شرکت نکنید. بنا است با شما برخورد شود و صبح روز حرکت هم نامه‌ای ارسال شد از یک سازمان امنیتی، مبنی بر این‌که گروه تروریستی ریگی قصد انجام عملیات انتحاری را دارند بدین جهت به محافظین گفتم هر کس مایل نیست و احساس خطر می‌کند، مرا همراهی نکند. ولی من به‌خاطر عهدی که با مردم مبنی بر شرکت در مراسم کرده‌ام، باید حضور پیدا کنم.»

آقای کروبی سپس درباره ماجرای حمله به وی و محافظش گفت: «وقتی دیگر رفتن با ما مابین امکان‌پذیر نبود، پیاده شدیم و در کنار مردم قرار گرفتیم. در همان‌جا شروع کردند به زدن مردم. به‌سمت میدان ۷ تیر در حرکت بودیم که ناگهان من دیدم که سر محافظم شکاف برداشته و از آن خون جاری شده‌است. اول فکر کردم که با باتوم به سرش کوبیده‌اند. اما بعد فهمیدم که در اثر شلیک مستقیم گاز اشک‌آور به سمت ما و برخورد آن به‌سمر محافظم، این وضعیت پیش آمده‌است. در همین حین دیدم چیز عجیبی در جلوی پام است. دیدم دارم خفه می‌شوم. انگار تمام صورت، ریش و ابروهایم گر گرفته است. من در جریان انقلاب حداقل ۲۰ بار گاز اشک‌آور خورده‌ام. اما این، گاز اشک‌آور نبود.»

آقای کروبی ضمن غیرمتعارف بودن تعدادی از شعارهایی که مردم می‌دادند، گفت: «یکی از استادان روز بعد این‌جا آمد و گفت از شعارهایی که مردم می‌دادند من بی‌اختیار اشکم درآمد. ببینید این کسانی که مردم را کتک می‌زنند، کار را به کجا رسانده‌اند که مردم را تحریک به شعارهای افراطی می‌کنند. من هم واقعا نمی‌دانم که این چه خدمتی است که این‌ها دارند به رهبری می‌کنند. خوب اگر این تظاهرات مسالمت‌آمیز برگزار می‌شد، عده‌ای می‌آمدند و می‌گفتند مرگ بر آمریکا، عده دیگری هم بودند که فریاد الله اکبر می‌دادند و همه‌چیز هم تمام می‌شد.»

وی در ادامه افزود: «من گاهی شک می‌کنم که این‌ها خودشان افرادی را بین جمعیت می‌فرستند تا از این احساس هیجان سو استفاده کنند و مردم را تحریک به رفتارهای خشونت‌آمیز بکنند تا بهانه‌ای برای حمله به مردم پیدا کنند. مردم باید از رفتارهای خشونت‌آمیز پرهیزند.» آقای کروبی سپس به حملات کیهان و سایر روزنامه‌های



## راههای سبز

محکم تر مانده است بلکه به دیگر کشورها نیز منتقل شده است.

لاریجانی افزود: غرب، آمریکا و صهیونیسم با تمام امکاناتشان از جمله زور، اقتصاد و سیاست تلاش کردند انقلاب اسلامی را منکوب کنند.

### غرب و دشمنان نظام با تمام امکانات به نافرمانی موسوی کمک کردند

دبیر کمیسیون حقوق بشر قوه قضاییه در ادامه با بیان اینکه موسوی می توانست با اقدامات خود احساسات پاک مردم را در جهت تعمیق نظام هدایت کند گفت: مردمی که به موسوی رای دادند، مردمی پاک بودند، اما وی از این احساسات پاک سوءاستفاده کرد و رفتار وی به لحاظ شرعی و قانونی جرم و تخلف بزرگی بود.

وی افزود: پدیده جالبی که در انتخابات اخیر رخ داد این بود که دول غربی و کشورهای اروپایی و همه کسانی که با این نظام دشمنی داشتند با تمام امکانات به این نافرمانی کمک کردند. البته خداوند متعال لطف بزرگی نصیب انقلاب کرد و نشان داد که کشورمان قدرتمند تر از این حرفها است.

### اظهارات غربیها درباره ایران قبل از انتخابات را آژیر خطر می دانستم

لاریجانی در ادامه در پاسخ به این سؤال که گویا بخشی از ورود شما به عرصه انتخابات به سفرتان به فرانسه و مواضعی که غرب در مقابل ایران می گرفت بر می گردد، گفت: به لحاظ زمانی خبر درست است. اما باید بگویم که سه ماه قبل از انتخابات وقتی دیدم غربیها شعار هر کسی غیر از احمدی نژاد را می دهند و این شعار در داخل نیز رویت می شود این برای من یک آژیر خطر بود. چون شعار هر کسی غیر از احمدی نژاد نمی تواند شعار مکتبی و یا حتی ایرانی باشد. به غرب چه ربطی داشت که شعار هر کسی غیر از احمدی نژاد را سر دهد.

وی افزود: به همین خاطر ۳ ماه قبل از انتخابات طی مصاحبه ای اعلام کردم که برای ما مهم است که اصولگرایان با تمامی اختلافاتی که دارند با معرفی کردن احمدی نژاد به عنوان کاندیدای واحد به پیروزی برسند. چون من احساس می کردم بحث امنیت ملی مطرح است به همین دلیل در آستانه انتخابات نیز طی مصاحبه ای این مسئله را رسماً اعلام کردم و بعد از انتخابات نیز کاملاً معلوم بود که دشمن همه گسترده ای را علیه انقلاب اسلامی به راه انداخته است.

### تا زمانی که ما تجربه اسلامی داریم با آمریکا مشکل خواهیم داشت

لاریجانی در ادامه این مصاحبه با بیان اینکه گروه های سیاسی نباید فکر کنند که تا بد ماندگار خواهند ماند گفت: من منتظر گروه های جدید متدین و خط امامی از دل اصولگرایان و اصلاح طلبان معتقد هستم.

وی افزود: شما می دانید که کشور امروز درگیر یک مناقشه هسته ای از قدیم بوده است. کسانی که میهن پرست هستند باید در این مسئله پشت نظام بایستند. البته خوشبختانه باید گفت که ایران در این مناقشات وضعیت خوبی دارد.

کارشناس مسایل سیاسی با موفق خواندن مذاکرات ژنو ادامه داد: در مذاکرات ژنو برای اولین بار

قانون اساسی تاکید کرده و اظهار داشت: «مبنای حرکت قانون اساسی است؛ ما ایران سر بلند را می خواهیم، ما می خواهیم مردم حکومت را از خود بدانند و حکومت مردم را از خود بدانند و همچنین انتقاد از خود را نعمت بدانند.»

رئیس جمهور پیشین ایران با تاکید بر به سر آمدن دوره حکومت های استبدادی اظهار داشت: «زمانه ما زمانی است که در آن دیگر هیچ انسانی در وجدان خودش هیچ نوع حکومت استبدادی و دیکتاتوری را بر نمی تابد و رد می کند. از جمله دلایل آن هم همین است که امروز دیکتاتورهای زمان نیز ادعای مردمی بودن می کنند؛ این ها مساله زمان ماست و متعلق به شرق و غرب نیست و انتقاد و بیان آزاد عقاید و اندیشه ها امروز دیگر به عنوان یک حق شناخته شده است.»

## حمله شدید اردشیر لاریجانی به موسوی، کروی و خاتمی..

### سایز موسوی و کروی کوچک تر از آن است که جلوی حرکت نظام بایستند موسوی در حکم محارب است

محمد جواد لاریجانی گفت: من سایز موسوی و کروی را خیلی کوچکتر از آن می بینم که بخواهند جلوی این حرکت بزرگ نظام را بگیرند و این آقایان در مقابل این نظام سازمان دهی شده بسیار کوچکند. محمد جواد لاریجانی کارشناس مسایل سیاسی در گفتگوی تصویری با خبرنگار حوزه احزاب خبرگزاری فارس در تشریح حوادث پس از انتخابات گفت: بنظر من ما باید قبل از هر چیز یک تصویر واقع بینانه از جمهوری اسلامی و وضعیت امروز داشته باشیم و این حوادث اخیر را با توجه به این رویکرد بررسی کنیم چرا که شرط اول عقل گرایی این است که انسان آنچه را که وجود دارد نه کمتر و نه بیشتر به خوبی بشناسد.

### تمام تلاش غرب منکوب کردن انقلاب اسلامی ایران است

وی افزود: انقلابی که در سه دهه پیش اتفاق افتاد تنها برای این نبود که حاکمان گذشته بروند و کسانی دیگر بیایند. این انقلاب یک تجربه کاملاً منحصر به فردی را در کشور ما رقم زد و آن ایجاد یک نظام تمام عیار مدنی بر اساس فکر اسلام است. حضرت امام (ره) بعنوان طراح این طرح ۱۰ سال از عمر مبارک خود را برای پیروزی انقلاب صرف کرد که هم ساختار و جوهره حکومت بر اساس فکر اسلامی باشد و هم رابطه مشروعیت و قدرت بر اساس ولایت فقیه صورت گیرد.

لاریجانی با بیان اینکه تجربه اصیل انقلاب اسلامی در کنار اسلام القاعده و دیکتاتوری هایی نظیر مصر برای جهان اسلام قابل قیاس نیست گفت: تجربه ما یک نظام مدنی بر اساس فکر اسلامی در دنیای امروز بود که اکنون ۳۰ سال ادامه پیدا کرده است. این تجربه هم برای ملت ما و جهان اسلام و هم برای دنیا مهم بوده است.

این کارشناس مسایل سیاسی با بی نظیر خواندن توجه جهانی به مبنای جمهوری اسلامی گفت: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، غرب این تجربه را خطرناک می دیدید. منتها اکنون سه دهه از انقلاب گذشته است و آنها دیدند که نه تنها انقلاب در ایران

## محمد خاتمی: جامعه را نمی توان پادگانی اداره کرد

رئیس جمهور پیشین ایران در سخنانی با انتقاد از حاکم بودن شرایط امنیتی در ایران به رغم گذشت بیش از پنج ماه از انتخابات ریاست جمهوری تاکید کرد که «اداره جامعه به صورت پادگانی» امکان پذیر نیست.

به گزارش خبرگزاری کار ایران، ایلنا، محمد خاتمی روز جمعه در دیدار با جمعی از اعضای هیات علمی دانشگاه علم و صنعت ایران با اشاره به رویدادهای پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران و ادامه شرایط امنیتی در جامعه اظهار داشت: «انتظار این بود که کم کم فضا غیر امنیتی شود، نه این که انتقاد و نقد کردن این همه هزینه برای جامعه داشته باشد، باید به خاطر داشت کسی که نقد می کند بر انداز نیست، بلکه دلسوز انقلاب و جامعه است.»

محمد خاتمی که بسیاری از چهره های سیاسی هوادار وی پس از انتخابات به زندان های انفرادی افتاده و در دادگاه «کوتادی مخملی» به محاکمه کشیده شده اند افزود: «باید پذیرفت که نمی توان به صورت پادگانی جامعه و دانشگاه را اداره کرد و این نحوه مدیریت به زیان مادی و معنوی و حیثیتی جمهوری اسلامی است.»

رئیس دولت اصلاحات در اوج اعتراض های مردمی به نتایج انتخابات ۲۲ خرداد پیشنهاد داده بود برای برون رفت جمهوری اسلامی از «بحران به وجود آمده» همپرسی انجام شود. شخصیت ها و رسانه های هوادار دولت و رهبر جمهوری اسلامی در پنج ماه گذشته حملات شدیدی را علیه محمد خاتمی انجام داده اند.

به دنبال اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری، نامزدهای اصلاح طلب با بیان این که در این انتخابات «تقلب سازمان یافته» صورت گرفته است از پذیرش نتایج آن خودداری کرده و موج گسترده ای از اعتراض ها در بسیاری از شهرهای ایران آغاز شد که از سوی نیروهای امنیتی و شبه نظامی به شدت سرکوب شد.

همچنین شمار زیادی از فعالان سیاسی و رسانه ای اصلاح طلب در جریان این رویدادها بازداشت شده اند و به گفته معترضان دست کم هفتاد نفر نیز در جریان سرکوب تظاهرات آرام مردمی جان خود را از دست داده اند.

محمد خاتمی در سخنان خود با اشاره به سرکوب خشونت آمیز اعتراض های مردمی اظهار داشت: «بزرگترین عامل تضعیف نظام کاهش رضایت مردم و اعمال خشونت به هر شکلی است. خشونت از هر سو به خصوص از ناحیه حکومت مضر به حال جامعه، دین و نظام است.»

وی همچنین افزود: «این جامعه متعلق به ماست. اما چرا این قدر فضا تنگ شده است؟ چرا این قدر نیروهای ارزنده ای که انتقاد یا حرف دارند، نه تنها حذف می شوند، بلکه مورد هرگونه اهانت و فشاری قرار می گیرند؟»

آقای خاتمی در بخش دیگری از سخنان خود در جمع استادان دانشگاه علم و صنعت «هزینه دار بودن انتقاد در جامعه» را نشانه «انحراف در جمهوری اسلامی» دانست و خواستار اصلاح آن شد. وی یک بار دیگر بر تداوم اصلاحات در چارچوب





## راههای سبز

**موسوی از پیچیدگی لازم برای این تجربه سیاسی برخوردار نبود**  
کارشناس مسایل سیاسی در ادامه افزود: درباره رفتار موسوی پس از انتخابات خوشبینانه ترین تحلیل این است که آقای موسوی از پیچیدگی لازم برای این تجربه سیاسی برخوردار نبود و برخی از گروه‌های سیاسی توانستند به ذهن وی این گونه القاء کنند که موسوی پیروز انتخابات است و بعد از انتخابات نیز گفتند که با اشاره موسوی کار نظام تمام است. وی افزود: حدس دیگر این بود که آقای موسوی از ابتدا آن توجه لازم را به نظام نداشت.

**اصلاح طلبان می‌خواستند با این انتخابات کار نظام را یکسره کنند**  
کارشناس مسایل سیاسی با بیان اینکه جریان اصلاح طلبی در ایران بر اساس یک انحراف ایجاد شد گفت: همانگونه که بچه‌های مسلمان ما قبل از انقلاب مدهوش مارکسیسم شدند و تلاش کردند که مارکسیسم را با اسلام مخلوط کنند عین همین مساله هم بعد از انقلاب اسلامی رخ داد و فرزندان انقلاب مدهوش پیشرفت‌های غرب شدند. آنها فکر کردند که نظام سکولار غربی می‌تواند در انقلاب اسلامی موثر باشد.

وی افزود: مرحوم بازرگان قبل از انقلاب معتقد بود که حکومتی مثل سوسیالیسم که اگر شرب و خمر و زنا را امثال آنها ممنوع باشد یک حکومت اسلامی است یا در دوران آقای خاتمی تلاش شد که نظام به یک نظام سکولار با نمای اسلامی تبدیل شود. اما دیدید که این تفکر بعد از ۸ سال شکست خورد.  
لاریجانی با بیان اینکه جریان اصلاح طلب به این نتیجه رسید که در چارچوب قانون نمی‌تواند کار خود را پیش ببرد گفت: بر همین اساس اصلاح طلبان برنامه ریزی کردند که در صورت پیروزی و شکست کار نظام را یکسره کنند.  
وی با بیان اینکه حمایت یک دست غربی‌ها از اصلاح طلبان نشان از درستی این تحلیل داشت افزود: به نظر من کاری که آقای موسوی انجام داد اگر چه با شکست روبه رو شد اما این مساله از مسئولیت وی نخواهد کاست.

**رفتار معقول موسوی برای آینده جناح اصلاح طلب نیز مفید بود**  
کارشناس مسایل سیاسی در ادامه با بیان اینکه ای کاش موسوی به نظام و قانون پایبند می‌ماند و نتیجه انتخابات را می‌پذیرفت گفت: اگر موسوی قانون شکنی نمی‌کرد به عنوان یک سیاستمدار باقی می‌ماند و بالاخره در کشور انتخابات متعددی از جمله شوراهای و مجلس شورای اسلامی برگزار می‌شود. این برای آینده این جناح نیز مفید بود ولی با این کار که بعد از انتخابات انجام شد اصلاح طلبی در ایران از بین رفته است.

وی افزود: این هم برکتی برای نظام است چون اصلاح طلبی منحرف شد؛ اصلاح طلبانی که به امام و نظام اعتقاد ندارند و به یک نظام سکولار که فقط از امام به عکس ایشان و از اسلام فقط رنگ سبز را می‌شناسد. البته اصلاح طلبان معتقد به نظام باید یک حرکت اصیل اصلاح طلبی را سامان دهند.  
لاریجانی ادامه داد: من می‌خواهم بگویم کشور ما نسبت به گذشته به لحاظ تجربه مدنی یک قدم جلو رفت و در مقابل یک نافرمانی قوی، مقتدرانه عمل کرده است و این یک تجربه است. حوادث بعد از

که از او حمایت کنیم.  
وی افزود: ایشان رئیس جمهور این کشور بودند و باید طبق منطق اهل بیت سخن بگویند. می‌خواهم بگویم این سخنان نشانگر شوکی است که بعد از انتخابات به جناح اصلاح طلبان وارد شده است.

**با اخبار منتشره در برخی سایت‌ها باید هر هفته منتظر سقوط نظام باشیم**  
لاریجانی در ادامه گفت: اینکه غرب و یا رئیس جمهور کشوری مثل آمریکا از این جریان فتنه اعلام حمایت کند نکته عجیبی نیست اما آن چیزی که مهم است و ما باید به آن توجه کنیم تحرک، پیشرفت و قدرت نظام برای ادامه حوادث اخیر است.  
وی افزود: البته این حوادث ذهن برخی‌ها را خراب کرده که برای اصلاح آن نیاز به زمان است. برای من تعجب آور نیست که این تحرک ادامه پیدا کند. کارشناس مسایل سیاسی ادامه داد: اینها با تمامی روزنامه‌ها و سایت‌های که دارند خیلی زمان است که فعالیت می‌کنند اما ما بروز اینچنینی آنها را امروز دیده ایم و اینها نگران کننده نیست. چون حقایق اجتماعی با یک کلید روشن و خاموش نمی‌شود. ما اگر بخواهیم جریان این سایت‌ها و رسانه‌ها را دنبال و آن را باور کنیم باید هر پنجشنبه منتظر سقوط نظام باشیم در حالی که این اخبار غیر واقعی است.  
**مسئولین نباید گرفتار اطلاع نماها شوند**

لاریجانی درباره سانسور و کانالیزه کردن اخبار توسط رسانه‌های غربی و برخی رسانه‌های داخلی و جلوه دادن فضا به نفع خود گفت: در زمانی که جنگ اول آمریکا در عراق اتفاق افتاد سانسور خبری عظیمی صورت گرفت. در آن موقع یک فیلسوف فرانسوی که اکنون فوت کرده با نوشتن یک مقاله سه شماره‌ای به این نتیجه رسید که هرگز برای یک غربی امکان ندارد از لایحه بزرگ "اطلاع نماها" که توسط رسانه‌ها تولید می‌شود و در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد عبور کند.

وی افزود: پس ما نباید گرفتار "اطلاع نما" شویم و همچنین نباید مسئولین ما با خواندن برخی از روزنامه‌ها گرفتار این گونه "اطلاع نما" شوند. آنها باید کار خودشان را بدون توجه به جنجال‌های رسانه‌ها ادامه دهند. آنها باید مسلح به بصیرت شوند. محمد جواد لاریجانی در ادامه گفتگوی خود با خبرنگار حوزه احزاب فارس با بیان اینکه موسوی پیچیدگی لازم را برای ورود به چنین صحنه سیاسی نداشت گفت: گروه‌های اصلاح طلب با استفاده از سادگی موسوی به خوبی توانستند میدان را به دست بگیرند و گذشته از تخلف شرعی و قانونی، مرتکب تخلف اخلاقی شدند.

لاریجانی ادامه داد: تقریباً همه جناح اصلاح طلب از جمله مشارکت، مجمع روحانیون مبارزه، کارگزاران، با همه امکانات در حوادث اخیر وارد شده بودند. البته آنها فکر نمی‌کردند که با چنین شکستی روبه رو شوند.  
وی درباره آینده جناح اصلاح طلب افزود: اینکه از این به بعد هم آنها همان تاثیر گذشته را خواهد داشت یا نه حداقل انتظار این است که این جناح حساب خود را با دشمنان و بیگانگان جدا کند. شاید این مساله به آنها کمک کند که در آینده بتوانند کاری صورت دهند اما در شرایط فعلی آنها بی‌آبرو هستند چون شعارهایی که سر داده می‌شود همان شعارهایی است که در بیرون از مرزها پخت و پز می‌شود.

دستور جلسه را ما صادر کردیم. ما در مناقشات به غرب بی‌اعتمادیم چون آنها به ما دروغ می‌گویند و آنها نیز به ما بی‌اعتمادند و می‌گویند که ما در حال ساختن بمب اتم هستیم. راه حل این مناقشه این است که یک قدم ما و یک قدم آنها به سمت اعتماد سازی گام برداریم.

لاریجانی افزود: ما نباید به غرب در خصوص ارائه اورانیوم اعتماد کنیم و باید به وسیله همان هواپیمایی که اورانیوم ۲۰ درصد را به ایران می‌آورد اورانیوم ۴ درصد را به غرب بفرستیم. البته این مساله در مورد آمریکا نیز همین گونه است.

وی ادامه داد: اینکه ما فکر کنیم که رابطه آمریکا با ما خوب شده است غلط است چراکه تا زمانی که ما تجربه اسلامی داریم این اتفاق غیر ممکن است منتهی ما باید با دشمن استراتژی تعامل داشته باشیم.  
**بعد از چالش‌های انتخابات موقعیت ایران در عرصه بین‌المللی قوی تر شده است**

لاریجانی در ادامه درباره موقعیت ایران در عرصه بین‌المللی پس از انتخابات گفت: دشمن در حوادث اخیر قصد داشت تا آبروی ما را ببرد ولی این کار مثل این است که یک ظرف رنگ را به کوه بپاشیم و بگویم که ما کوه را رنگ کردیم!

وی افزود: امروز بعد از این چالش‌ها به نظر من ما در موقعیت قوی تری قرار گرفتیم. غرب می‌داند که دیگر با یک کشور قدرتمند طرف است و می‌داند که ایران توان عبور از چالش را دارد. برداشت من این است که ما به لحاظ موقعیت در عرصه بین‌المللی هیچگونه نزولی نداشتیم و باید با تمام توان از این ظرفیت استفاده کنیم.

لاریجانی ادامه داد: امروز در افغانستان و عراق دول غربی گرفتار شده‌اند. اما ما کار خودمان را می‌کنیم و نباید اجازه بدهیم سخنانی که مطرح می‌شود مانع از ادامه کارمان شود. این خیلی مهم است که خودمان واقع بین باشیم.

**عدم دسترسی موسوی به رسانه کذب محض است**  
لاریجانی در ادامه با اشاره به اینکه برخی از عدم دسترسی موسوی به رسانه سخن می‌گویند گفت: گاهی آقایان مدعی می‌شوند که به رسانه دسترسی ندارند در حالی که نوع دسترسی اینها به رسانه‌های غربی بی‌نظیر است و اساساً این رسانه‌ها با آن گستردگی جهانی بعنوان بلندگوهای اینها عمل می‌کردند.

وی با بیان اینکه بعد از انتخابات در عرصه جهانی متوجه شدند که نظام اسلامی مستحکم تر از آن چیزی که آنها فکر می‌کنند گفت: من دیدم که آقای موسوی در بیانیهای ضمن اینکه ادعای گذشته خود را مطرح کردند به نحوی به سقوط نظام نیز اشاره کردند. این نشانه استیصال است چون زمانی که بنی صدر از کشور فرار کرد سقوط نظام را وعده می‌داد. این رفتار برای یک سیاستمدار با تجربه نیست. این نظام با همه محاسباتی که دشمن می‌کند ساقط شدنی نیست و به لطف الهی هرگز هم نخواهد شد.

کارشناس مسایل سیاسی گفت: مثلاً آقای خاتمی گفته است که می‌خواهد به عنوان منتقد قدرت باقی بماند. حالا اگر این حرف را یک نویسنده سکولار می‌زد مهم نبود، اما از کسی مثل آقای خاتمی که خودش روحانی است انتظار ادبیات ولایی داریم. در ادبیات شیعه ما منتقد به ذات نداریم. اگر در مکتب شیعه یک نظامی بر اساس رابطه ولایت فقیه بود همه موظفیم



## راههای سبز

شبیخون‌ها محکم باشیم و شبکه‌های مختلف تبلیغاتی و حتی گروه‌هایی که وارد فعالیت‌های سیاسی می‌شوند باید منضبط و در چارچوب قانون اساسی کار کنند.

وی با بیان اینکه مراجع تقلید و فقهای ما باید این مباحث را بعنوان لوازم حکومت بیشتر زنده کنند افزود: فرض را بر این می‌گیریم که خدایی ناکرده این نافرمانی به سرانجامی می‌رسد و آقای موسوی بعد از انتخابات رئیس‌جمهور می‌شد و حتی مجلس و رهبری منحل می‌گردید (چون اینها دنبال نظام جدید بودند)، باید به این آقایان گفت که فکر می‌کنید اگر شما این کار را می‌کردید چه چیزی از دموکراسی و تمامیت ارضی کشور باقی می‌ماند؟

محمد جواد لاریجانی در ادامه گفتگوی خود با خبرنگار حوزه احزاب فارس گفت: ما نباید این حادثه را آنچنان بزرگ ببینیم که بزرگی تجربه دموکراسی ایران را تحت الشعاع قرار دهد و از طرفی نباید آن را به دعوای بین آقایان موسوی و احمدی نژاد تنزل دهیم.

وی با انتقاد از بدفهمی حوادث اخیر توسط برخی از سیاسیون گفت: فکر می‌کنم جایی که برخی از دوستان ما نتوانستند خوب بفهمند اینجا بود که احساس می‌کردند حوادث بعد از انتخابات دعوای بین این دو نفر است. اگر این گونه بود می‌شد کار را با یک ضیافت شام تمام کرد ولی اساساً بحث بر سر اینها نیست. بنظر من حتماً این حوادث ریشه دار است.

### سکوت خواص در حوادث اخیر کوتاهی در برابر نظام بود

لاریجانی در ادامه درباره گرایش برخی اصولگرایان به موسوی و غافلگیری آنها از رفتار وی پس از انتخابات گفت: آن چه که در این خصوص مهم است این است که برخی دوستان اصولگرا با جناب آقای احمدی نژاد عدم تقاضا و یا موافقت در امور داشتند و این نیز از پرده بیرون و پنهان نیست و معتقدند بودند که آقای موسوی در چارچوب نظام کار خواهد کرد و به این شکل به آقای موسوی توجه داشتند اما آنها غافلگیر شدند چون هیچ کس انتظار نداشت که آقای موسوی بعد از انتخابات، تمام شوقی را که ایجاد شده بود را به سمت سینه نظام برگرداند.

وی افزود: اما به اعتقاد من بعد از روشن شدن ماجرا حق این بود که این دسته از خواص برای اصلاح رفتار خود وارد عرصه شوند چراکه کاملاً روشن بود که دعوا بر سر آقای احمدی نژاد و موسوی نبود بلکه یک حرکتی علیه نظام صورت گرفته بود که سکوت خواص در این باره کوتاهی بود.

لاریجانی تأکید کرد: به نظر من این وظیفه شرعی همه بود تا از نظامی که در راس آن ولی فقیه قرار دارد دفاع کنند و البته این در کارنامه همه ما ثبت خواهد شد.

### با کنار رفتن پرده‌ها علما بیشتر وارد عرصه می‌شوند

لاریجانی درباره نحوه ورود حوزه های علمیه در حوادث اخیر و دفاع از نظام گفت: علمای حوزه اصولاً در مناقشات سیاسی وارد نمی‌شوند. اما زمانی که خود اسلام مورد حمله قرار بگیرد محکم وارد عرصه می‌شوند. البته در اینجا یک شبهه وجود دارد اینکه آیا حوادث بعد از انتخابات یک مناقشه بین دو جناح سیاسی بود یا همه غرب به اصل نظام؟ وی افزود: طبیعی است زمانی که همه غرب به

طوسی گفت: اول اینکه کسانی که به این نافرمانی دست می‌زنند و از فرمان ولی فقیه سر باز می‌زنند در عین حال به عنوان شبکه مخفی می‌شوند و شبکه خود را پنهانی تشکیل می‌دهند.

لاریجانی ادامه داد: نکته دومی که مرحوم طوسی در این نافرمانی مطرح کرده است نافرمانی مبتنی بر ایده است. به تعبیر ایشان کسانی که نافرمانی می‌کنند ایدئولوژی دارند و بر اساس ایده خود علیه حاکمیت وارد شده و نافرمانی می‌کنند بر همین اساس باید بگوییم نافرمانی اخیر هر دو این ویژگی‌ها را داشت. وی افزود: شیخ طوسی در همین کتاب می‌نویسد که حضرت امیر هر زمان که برای سخنرانی اقدام می‌کرد یک فرد از بین خوارج بلند شده و می‌گفت که حکم فقط از سوی خداست. حضرت علی (ع) فرمود او لا کلمه حق یراد بها الباطل، ثابثاً ما با شما بر سه اساس برخورد نمی‌کنیم اساس اول اینکه اگر شما به مسجد بیایید و فقط به خاطر ذکر خدا مشغول باشید نه غیر از آن که به عنوان مثال در نماز جمعه دیدیم که چه مسائلی پیش آمد. دوم اگر چه دل شما با ما نیست اگر دستتان با ما باشد ما با شما کاری نخواهیم داشت و از بیت المال نیز به شما حقوق خواهیم داد و سوم اینکه قبل از اتمام حجت شما را سرکوب نمی‌کنیم. لاریجانی گفت: ما در حوادث بعد از انتخابات تجربه‌ای را گذرانیدیم و نظام و مقام معظم رهبری به خوبی تشخیص دادند که نافرمانی اخیر از انواع کدام نافرمانی‌ها است.

وی افزود: به نظر من مقام معظم رهبری حقیقتاً با رفتار شجاعانه خود هم نظام اسلامی را حفظ کرده و حتی بهترین خدمت را به دموکراسی کردند که باید هر میهن پرستی از این واقعیت خوشحال می‌شد.

### ولایت فقیه به عنوان لنگری برای حفظ کشور است

لاریجانی در ادامه درباره تجربه سه دهه گذشته انقلاب اسلامی گفت: در کشور ما در زمان مشروطه تخرکی برای ایجاد یک نظام مشروع مبتنی بر آرای مردم صورت گرفت ولی ناکام ماند چون مبانی مدنی آن خیلی روشن نبود و از لحاظ عملی طرح خیلی درستی را نداشت. چون این تحرک به لحاظ نظری تکلیفش مشخص نبود جایگاه ولی فقیه در آن روشن نشده بود.

وی افزود: این در واقع ابتکار عظیم حضرت امام (ره) بود که ولایت فقیه را به عنوان لنگری برای حفظ دین مردم معین کردند. نه اسلام خانه نشین بلکه اسلامی که روابط مدنی را در نظر گرفته است. به نظر من شکرانه این نعمت این است که ما مبحث ولایت را هر چه بیشتر بشکافیم، بشناسیم و وظایفمان را در این چارچوب بهتر انجام دهیم. دنیا و جهان اسلام به این مسئله توجه دارد.

### عمل موسوی پس از انتخابات مصداق محاربه است

دبیر کمیسیون حقوق بشر قوه قضاییه در ادامه گفت: به نظر من حکم این نافرمانی محاربه است و ولی وظیفه دارد آنها را محاکمه و منکوب کند. برخی‌ها فکر می‌کنند که محاربه تنها بین دو کشور انجام می‌شود اما نافرمانی انواع مختلفی دارد که ممکن است این نافرمانی به محاربه نیز تعریف شود. وی افزود: بر همین اساس مقام معظم رهبری همانند حضرت علی (ع) در سخنانی اتمام حجت کردند و فرمودند که این تجربه برای قدرت نظام خوب است. اتفاقاً بعد از جنگ با خوارج حضرت علی (ع) فرمودند این جنگ برکتی برای جهان اسلام است. در این نافرمانی نیز ما فهمیدیم که چگونه باید در مقابل

انتخابات علی رغام جار و جنجال‌ها، گروه‌های سیاسی را هوشیار کرده است و یکی از هوشیاری آنها این بوده که باید انتخابات را جدی بگیریم. نه تنها اصلاح طلبان بلکه حتی اصولگرایان نیز به این نتیجه رسیدند.

محمد جواد لاریجانی در ادامه گفتگوی تفصیلی خود با خبرنگار حوزه احزاب فارس در رابطه با مطرح شدن طرح‌هایی مانند طرح وحدت ملی گفت: اگر فرض را بر این بگیریم که این طرح از روی دلسوزی است و اینکه عقلای قوم جمع شدند امر پسندیده‌ای است اما بنظر من اول کار آنها باید وضعیت را خوب و واقع بینانه تشخیص بدهند. وی افزود: اینکه حضرات احساس بحران می‌کنند و گمان کنند که مملکت منتظر این است که برخی از افراد راضی شوند یا نه، به نظر من این خلاف واقعیت است چون کشور در حال پیشروی است و همه چیز همانند سابق در حال اجرا است.

کارشناس مسایل سیاسی ادامه داد: بنابراین اگر طرحی فرض بر این دارد که ما در بحران قرار داریم و کشور معطل چند نفر است این خلاف عقل است.

وی افزود: البته اگر جناحی به نام اصلاح طلب که در حال نابودی است کمک بخواهد مانعی ندارد اما نباید آنها را طلبکاران نظام بدانیم ضمن اینکه اگر آنها به درون نظام برنگردند نظام معطل آنها نخواهد بود؛ نظام در حال پیشرفت و کار خودش را می‌کند.

### عملکرد موسوی پس از انتخابات مصداق کامل عمل کودتایی است

لاریجانی در ادامه با بررسی وضعیت کاندیداها در انتخابات اخیر گفت: از مقایسه‌هایی که بین کاندیداها بود و وقت فراوانی که داشتند (علیرغم مشکلاتی که مقام معظم رهبری هم فرمود)، مباحثاتی که بین جوانان پیش آمده بود نتایج انتخابات کاملاً مشخص بود و خدا را شکر منتقدین حتی یک اشکال هم نتوانستند به روند انتخابات بگیرند.

وی افزود: همان سیستمی که آقای هاشمی رفسنجانی و خاتمی را رئیس‌جمهور کرده بود اجرا شد و آقای احمدی نژاد سرکار آمد. به لطف الهی دولت تشکیل شد و دولت و نظام در حال فعالیت هستند و یک قدم نیز به جلو رفته است. ما باید این را مبنا قرار دهیم. کارشناس مسایل سیاسی ادامه داد: یکی از حوادثی که در انتخابات بوجود آمد این بود که آقای میر حسین موسوی بعنوان یکی از کاندیداها که جناح اصلاح طلب از وی حمایت می‌کرد به طور ناگهانی خود را پیروز اعلام کرد و نتیجه غیر از این را خلاف دانست و با این کار از مردم خواست نافرمانی کرده و به خیابان‌ها بریزند.

لاریجانی گفت: این مصداق کامل یک عمل کودتایی است؛ البته بنده نمی‌دانم که وی دانسته یا نادانسته این کار را کرده است اما به هر حال این مساله از مسئولیت وی در قبال رفتار خود نمی‌کاهد.

### رهبری شرایط را به درستی تشخیص دادند

دبیر کمیسیون حقوق بشر قوه قضاییه در ادامه درباره بحث نافرمانی گفت: مشروح‌ترین بحث را درباره نافرمانی را مرحوم شیخ طوسی در کتاب خود آورده آورده است و ایشان بدترین نافرمانی را خروج علیه امام مشروع دانسته است که این جرم بسیار سنگینی است. وی درباره ویژگی‌های نافرمانی از بیان مرحوم



## راههای سبز

ایران و خوداظهاری خود بانکها تدوین شده است، تسهیلات پرداختی بانک ملی در پایان سال 84 نزدیک به 160 هزار میلیارد ریال بوده که با صدرصد رشد به 320 هزار میلیارد ریال رسیده است. مطالبات معوق و سررسید گذشته بانک ملی تا پایان سال 87 نزدیک به 25 هزار و 837 میلیارد ریال است اما این شاخص در سال 84 حدود شش هزار و 402 میلیارد ریال بوده است. مقایسه دو رقم یاد شده نشان دهنده رشد 303 درصدی مطالبات معوق بانک ملی در طول عمر دولت نهم است. این میزان رشد در حالی شکل گرفته که تسهیلات پرداختی این بانک در طول این مدت حدود صدرصد رشد کرده است. این امر نشان دهنده 200 درصد رشد بیشتر مطالبات نسبت به تسهیلات پرداختی است. در حال حاضر بانک ملی از نظر مطالبات معوق و سررسید گذشته رتبه چهارم را در میان سایر بانکها داراست.

### مقام نخست در بدهی به بانک مرکزی

بدهی بانک ملی به بانک مرکزی در ابتدای سال آغاز به کار دولت نهم حدود 29 هزار و 996 میلیارد ریال بود اما در پایان سال 87 به 89 هزار و 240 میلیارد ریال رسید که نشانگر رشد 197 درصدی بدهی این بانک به بانک مرکزی است. بررسی این شاخص در سایر بانکها بیانگر این نکته است که بانک ملی مقام اول را در این شاخص داراست و دیگر بانکها در فاصله بسیار زیادی از این بانک قرار دارند. صاحب نظران بانکی قسمت اعظم بدهی بانکها به بانک مرکزی را مربوط به اضافه برداشت از خزانه بانک مرکزی می دانند که در پی اعمال فشار بیرونی بر بانکها برای تامین منابع مورد نیاز دولت افزایش چشمگیری یافته است. پس طبیعی است که اگر بزرگترین بانک دولتی که بیش از همه بانکها تحت فشار دولت بوده بیشترین بدهی به بانک مرکزی را به خود اختصاص دهد.

### کاهش سه سپرده بانک ملی

سپرده های بانک ملی نیز اگر چه در سال 87 نسبت به سال 84 رشد داشته اند اما از پنج سپرده قابل جذب در شعب بانکی، سه مورد آن نسبت به سال 86 دچار کاهش شده اند. سپرده های دیداری بیشترین کاهش را دربر داشته است. این نوع سپرده در سال 86 حدود 148 هزار میلیارد ریال بوده که در سال 87 به 127 هزار میلیارد ریال رسیده؛ بدین معنی که سپرده های دیداری در دو سال مورد بررسی 14 درصد کاهش داشته است. سایر سپرده ها عنوان دیگری است که بانک ملی در قالب آن اقدام به جذب سپرده می کرد. سپرده های این گروه در سال 86 حدود 27 هزار و 497 میلیارد ریال بوده که در سال 87 به 24 هزار و 863 میلیارد ریال رسیده است. یعنی حدود 10 درصد کاهش نشان می دهد.

سپرده های پس انداز و مشابه نیز شاهد کاهش ناچیزی بوده است. سپرده اخیر در سال 86 نزدیک به 25 هزار و 547 میلیارد ریال ثبت شده که در سال 87 به 24 هزار و 988 میلیارد ریال رسیده است. میزان سپرده گذاری انجام شده در این بخش در مدت زمان یاد شده حدود دو درصد کاهش نشان می دهد. کل سپرده های بانک ملی در پایان سال 87 در مقایسه با سال 88 فقط سه درصد رشد کرد در حالی که پیش از این رشد سپرده های هر سال بیش از 20 درصد

روشنی برای زندگی خود ندارد برای اینکه ازدواج کند باید مدت ها صبر کند.

وی افزود: ما به این مساله کمتر توجه کردیم و عمدتاً عشقی مملکت را اداره کرده ایم البته نمی خواهم دست آوردها را کم بگیرم چون پیشرفت های ما چشم گیر است، اما گاهی اوقات موفق هستیم ولی کارآمدیمان در این موفقیت ها پایین است.

کارشناس مسایل سیاسی درباره معضل دیگر گریبانگیر نظام گفت: باید توجه کنیم که تفکر سکولاریسم نمایی فریبنده دارد و در حوادث اخیر هم تهاجم سکولار موجب شد تا در کشور ما فردی نصر من الله و فتح قریب بگوید ضمن اینکه بی حجاب نیز باشد. این کاملاً نشان می دهد که قضایای کشور به وسیله تفکر سکولار چگونه به هم ریخته است و امروز این وظیفه علما است که با تشریح مسائل دینی از تفکرات سکولاریستی پرده بردارند.

### شرایط اقامه نماز رفسنجانی

خبرگزاری «ریا نوستی» گزارش داد: در پی افزایش مباحث پیرامون حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران، تعدادی از نمایندگان سابق مجلس با حضور در دفتر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس مجلس خبرگان رهبری خواستار اجرای پیشنهادهای وی در نماز جمعه تیرماه شده اند.

به گزارش «فراندیوز» به نقل از روزنامه «تهران امروز» امام جمعه موقت تهران در آخرین نماز جمعه پیشنهاد کرد زندانیان سیاسی آزاد شوند، از آسیب دیدگان وقایع اخیر دلجویی شود، از مراجع و علمایی که از وقایع پس از انتخابات دلگیر شده اند دلجویی شود و صدا و سیما امکان طرح نظرات گوناگون را فراهم کند.

حاضران در این جلسه موضع هاشمی رفسنجانی را شرط حضور وی در نماز جمعه تهران تلقی کرده اند. هاشمی رفسنجانی چهار ماه است که در نماز جمعه تهران را امامت نکرده است

### برخورد دستوری با شبکه بانکی سرانجام

### دامن بزرگترین بانک کشور، بانک ملی را گرفت و آن را با بحران مواجه کرد!

برخورد دستوری با شبکه بانکی سرانجام دامن بزرگترین بانک کشور را گرفت و آن را با بحران مواجه کرد. در حال حاضر بحران بانک ملی تنها ارمان دولت نهم برای نظام بانکی نیست و دیگر بانکها نیز در وضعیت بحرانی به سر می برند اما بانک ملی نسبت به دیگر بانکها در شرایط نامطلوبتری قرار دارد.

به گزارش «تهران امروز»، بسیاری از شاخص های این بانک نسبت به سال 84 منفی شده اند و این حکایت از وخیم شدن اوضاع این بانک دارد. کارشناسان دلیل منفی شدن بسیاری از شاخص ها را به نگاه فلکوار دولت به بانکها نسبت می دهند. در این میان تحریم بانک ملی تنها در کاهش یکی از شاخص ها نقش داشت.

### رشد 303 درصدی مطالبات

بر اساس گزارش عملکرد نظام بانکی کشور در سال 1387 که توسط موسسه عالی آموزش بانکداری

اصل نظام روشن می شود علمای ما از هیچ چیزی هراس نداشته و وارد عرصه می شود.

لاریجانی گفت: بر همین اساس ورود علما به حوادث بعد از انتخابات بر گرفته از این منطق است که به نظر من تا حدودی درست است و به مرور زمان و با کنار رفتن پرده ها طبیعی است که علما بیشتر وارد عرصه شوند.

### موسوی و کروبی کوچکتر از آن هستند که جلوی حرکت نظام بایستند

لاریجانی در ادامه درباره تحركات اخیر اصلاح طلبان گفت: به نظر من اصلاح طلبان تمام سعی خود را می کنند که آثار وجود خود را در جامعه محسوس کنند اما ملت ما حتماً جریانی را که حرفی برای گفتن ندارد و هموا با کسانی که به هیچ عنوان به منافع کشور اهمیت نمی دهند نمی پسندند. حالا این افراد هر کسی که می خواهد باشد.

وی افزود: من سائز موسوی و کروبی را خیلی کوچکتر از آن می بینم که بخواهند جلوی این حرکت بزرگ نظام را بگیرند. نظر من این نیست که باید مسئولین امنیتی از تحركات این افراد غافل باشند بلکه منظورم این است که نظام اسلامی با ریشه خود و همچنین با ولایت فقیه محکم است و این آقایان در مقابل این نظام سازمان دهی شده بسیار کوچکند. لاریجانی در ادامه درباره محاکمه سران فتنه نیز گفت: درباره اینکه با این افراد چگونه برخورد شود نظر کلی نظام مهم است ولی آن نکته ای که در خصوص اتمام حجت با نافرمانان فتنه خیلی مهم است. چون اتمام حجت موجب می شود که مردم به عنوان مخاطب تمامی جریانها در این خصوص بیشتر مطلع شوند.

وی افزود: باید مردم متوجه شوند که چه ظلمی در حق آنها روا شده است و البته این مساله "زمان بر" است. البته باید جرم این افراد پیگیری شود و تردیدی در این خصوص وجود ندارد منتهی باید توجه داشت که نوع این جرم که یک نافرمانی بود با جرم های دیگر فرق می کند.

### ویژگی این انتخابات صراحت رای دو طرف بود

لاریجانی در ادامه درباره ویژگی انتخابات اخیر ریاست جمهوری گفت: این انتخابات یک ویژگی داشت و آن هم صراحت رای دو طرف بود. کسانی که با آقای موسوی رای دادند افراد بی دین نبودند بلکه بخش خوبی از نیروهای متدین بودند که سر خورده شده و منتقد دولت بودند و بر همین اساس تصمیم گرفتند به آقای موسوی رای بدهند. وی افزود: البته بخش دیگری نیز بودند که فکر می کردند آقای موسوی بهتر می تواند کار کند. من فکر می کنم کسانی که با آقای موسوی رای دادند غالباً از متدینین بودند.

کارشناس مسایل سیاسی در ادامه افزود: منتهی اینکه چه عواملی موجب نارضایتی شده بود جای بررسی بیشتری دارد. ضمن اینکه بنظرم اینکه می گفتند کسانی که به موسوی رای داده اند عموماً تحصیل کرده بوده اند و کسانی که آقای احمدی نژاد رای دادند تحصیل کرده نبودند، برداشت درستی نبوده است.

**باید به چالش کارآمدی توجه ویژه داشته باشیم**  
لاریجانی در پایان درباره چالشهایی که نظام با آن دست به گریبان است نیز گفت: ما در امر کارآمدی نظام چالش های جدی داریم و این را دست کم گرفتیم. مثلاً شما می بینید که یک جوان تحصیل کرده که آینده





## راههای سبز

یکی جنبش مشروطه است که ماحصل آن را گفته اند و خوانده ایم، و من به دفعات در نوشته هایم به آن اشاره کرده ام. یکی جنبش ملی شدن نفت است که مشخصات و خصوصیات خودش را دارد که باز با جنبش سبز متفاوت است و یکی هم جنبشی است که به انقلاب اسلامی 1357 می رسد که در واقع آن هم به لحاظ دیگری با جنبش حاضر متفاوت است. جنبش سبز ماحصل این سه دوره تاریخی گذشته را در بر دارد. بعلاوه اینکه خود نیز خصوصیات ویژه و متعددی دارد که آنها را به طریق زیرین بر می شمارم:

یکی از خصوصیات جنبش سبز اینست که مقوله ای را وارد فرهنگ سیاسی ایران کرده است، که از دیدگاه اینجانب، در هیچ کجای سه دوره گذشته وجود نداشته است. من یک شعار اساسی جنبش سبز را باز می کنم و این ادعا را از این طریق اثبات می نمایم. شعار اصلی آغازگر جنبش سبز (نه شعار امروزش) این بود: "رای من کجاست؟"

حال بیابیم، از نقطه نظر جامعه شناسی و فلسفه، در مکانیزم تحلیل این شعار، رابطه این سه کلمه را از هم جدا می کنیم: رای، من و پرسش از کجا بودنش. در این سه قطعه بهم پیوسته، یا این شعار سه لغتی، مرکز توجه "من" است. چون رای باز می گردد به من، و کجا بودنش ارتباط دارد به این که من در این میان کجا هستم؟

"من" چیست؟ من به "فرد" باز میگردد. به ادعای بنده این کلمه با مفهوم در طول صد سال گذشته و در این سه دوره تاریخی که جلوتر از آن نام بردیم، به هیچ وجه و در هیچ کجا و در هیچ گفتاری، نه گفته شده و نه به آن اهمیت داده شده است. و ارزش و بار آن، در هیچ سطحی از ادبیات سیاسی ایران بازگویی نشده. حال ببینیم که "من" چیست و اهمیت آن کدام است؟ اصولاً من ارتباط دارد با فردیت. و پایگاه اصلی، پی ریزی اولیه جامعه مدنی همانا فردیت است. در اینجاست که در واقع ما برای نخستین بار صحبت از شکل گیری جوانه های جامعه مدرن، شهری و مدنی میکنیم. صحبت از جامعه مدنی در نگاه نخست، نه مستقیماً با تشکلهای فعال اجتماعی ارتباط دارد و نه به تنهایی مسئله گروهها اعتراضی ست. بر عکس تصور برخی، جامعه مدنی مستقیماً با مسئله قانونگذاری نیز ارتباط ندارد. جامعه مدنی حتی مستقیماً با مسئله آزادی ملی، یا جنبش رهایی بخش نیز ارتباط ندارد، بلکه همه این وجوه را در بر می گیرد، لیکن به آنها خلاصه نمیشود. مایه و پایه اولیه جامعه مدنی فردیت است و این مقوله نخست و پیش از هر چیز دیگری با مسئله مدنیت، یعنی شهری شدن ما رابطه دارد. اما مسئله اصلی فردیت چیست؟

مسئله اصلی فردیت با مقوله آزادی مرتبط است. در اینجا مقصود آزادی فرد است. و اما مسئله آزادی فرد باز با مقوله دیگری بنام آزادی اندیشه ارتباط دارد. به آن معنا که فرد آزاد لزوماً دارای اندیشه آزاد است. پس بطور گوسفندوار انتخاب نمیکند. و اگر در یک انتخاب رای میدهد، و سپس در میابد که به رای او خیانت شده، پس به خیابان می آید و اعتراض میکند. نه آزادی، و نه اندیشه آزاد به خودی خود معنا نمیابند، اگر آدمی در دفاع از آنها، در دفاع از حقوق از کف گریخته اش اعتراض نکند. پس باز هم فراتر میروم و میگویم: همه چیز در این عمل "اعتراض" نهفته است. در ایران، از نظر من این واقعیت در غالب شعار "رای من کجاست" در جنبش سبز خرداد 1388 مشهود شده است. پس روشن باشد: این من،

بانک سعودی بوده اما از سال 85 به بعد سیر نزولی آغاز شد. در سال 84 سود خالص بانک حدود یک هزار میلیارد ریال بود که با کمی کاهش به 835 میلیارد ریال رسید. در سال بعد این رقم تقریباً به نصف رسید و معادل 452 میلیارد ریال برآورد شد. در سال 87 رقمی که به عنوان سود خالص بانک ملی پس از کسر مالیات عنوان شده 375 میلیارد ریال بود. بررسی روند نزولی سوددهی این بانک در سالهای 84 تا 87 نسبت به سال ماقبل نشان میدهد این شاخص به ترتیب با 18، 46 و 17 درصد کاهش همراه بوده است. مجموع عملکرد دولت نهم منجر به کاهش 63 درصد سود ناخالص بانک ملی ایران شد. نسبت سود به دارایی بانک ملی نیز که در سال 84 حدود 30 درصد بود با پیمودن روند نزولی در سال 87 به هفت درصد کاهش یافت. آنچه که از عملکرد بانک ملی از لابه لای آمار ارائه شده توسط خود بانک ملی استخراج و عنوان شد گویای وضعیت قرمز این بانک است که از روز آغاز به کار آن حدود 81 سال میگذرد. اگر چه وضعیت برخی شاخصهای عنوان شده درخصوص بانک ملی با دیگر بانکها مشترک است اما مشاهده یکباره شاخصهای منفی در هیچ یک از 10 بانک دیگر دولتی و هشت بانک و موسسه مالی و اعتباری خصوصی امکانپذیر نیست و همین امر وضعیت این بانک را بحرانی کرده است. هر چند بانکهای دولتی در ایران هیچگاه به ورشکستگی نمی رسند مگر به مرز آن.

### دو گفت و گو در پاره جنبش مدنی

#### گفت و گوی روزنامه سبز با عطا هودشتیان:

#### جنبش سبز برگشت ناپذیر است

پایه جامعه مدنی فردیت است  
شهرلا بهار دوست

عطا هودشتیان، دکترای علوم سیاسی و فارغ التحصیل در رشته فلسفه از دانشگاه سوربون - پاریس و مدیر مدرسه عالی مدیریت مونترال در کانادا می باشد. او به پرسش های روزنامه سبز پاسخ داده است.



#### از نظر شما دینامیسم جنبش سبز کدام است؟

جنبش سبز جنبشی نیست که فی البداهه و بدون مقدمه چینی ایجاد شده باشد. بدلیل اینکه این جنبش ماحصل سی سال بذرافشانی فرهنگیت، بنابراین این پایه و مایه ای برخوردار است که امکان برگشت پذیری آن گرفته شده است. جنبش سبز در موقعیت تاریخی برگشت ناپذیری قرار گرفته. به این لحاظ می شود گفت که در واقع این جنبش سر آمد جنبشهای دیگر است که ما در سه دوره تاریخی در طول 100-150 سال اخیر داشته ایم.

بود. برای نمونه کل سپردهها در سال 84 تا 86 نسبت به سال پیش از خود به ترتیب حدود 21، 26 و 25 درصد رشد کرده یعنی حدود 22 درصد رشد سپردهها در سال 87 افت داشته است.

#### کاهش 20 درصدی رشد داراییها

داراییهای بانک ملی نیز اگر چه افزایش یافته اما رشد این شاخص در سال 87 نسبت به سالهای دیگر با کاهش همراه بوده است. کل داراییهای بانک ملی در سال 87 حدود 538 هزار و 515 میلیارد ریال است اما این رقم در سال 86 نزدیک به 510 هزار و 666 میلیارد ریال ذکر شده که نشانگر تنها پنج درصد رشد است در حالی که رشد این شاخص در سالهای 84 تا 86 نسبت به سال ماقبل خود به ترتیب حدود 15، 22 و 25 درصد رشد داشته است. به عبارت دیگر رشد داراییهای بانک ملی در سال 87 نسبت به سال قبل از آن حدود 20 درصد کاهش یافته است.

#### سرنوشت تسهیلات چون سایر شاخصها

تسهیلات اعطایی بانک ملی نیز به سرنوشت داراییها دچار شده بهطوری که رشد این شاخص با کاهش مواجه شده است. بانک ملی تا پایان سال 87 حدود 319 هزار و 977 میلیارد ریال تسهیلات پرداخت کرد که در مقایسه با رقم 292 هزار و 319 میلیارد ریالی سال 86 حدود 9 درصد رشد کرده است. روند تسهیلات دهی بانک ملی در سالهای قبل نشان میدهد که رشد این شاخص بیشتر بوده است. در سالهای 84 تا 86 میزان تسهیلات اعطایی نسبت به سال ماقبل خود به ترتیب 26، 27 و 44 درصد رشد داشته است. رشد به دست آمده برای سال 87 در مقایسه با سال 86 حدود 35 درصد کم شده است.

#### کاهش 58 میلیارد دلاری فعالیت های ارزی

فعالیت های ارزی و بین المللی بانک ملی دیگر شاخص مورد بررسی است که به نحو چشمگیری کم شده است. در سال 86 فعالیت های ارزی و بین المللی بانک ملی 91 میلیارد و 924 میلیون دلار بوده که در سال 87 با کاهش 58 میلیارد دلاری به 33 میلیارد و 749 میلیون دلار رسید. بانک ملی به عنوان بزرگترین بانک ایران در سال 86 بیشترین فعالیت های ارزی شبکه بانکی را انجام داده است اما با اعمال تحریم علیه این بانک در آبان ماه 1386 فعالیت های ارزی بانک ملی به یکباره با افت شدید مواجه شده و 63 درصد کاهش یافت. از مجموع پنج سرفصل که بانکها در آن به فعالیت بین المللی می پردازند بیشترین کاهش در حوالجات ارزی و معاملات ارزی این بانک رخ داده است. در سال 87 نسبت به سال قبل حوالجات ارزی 87 درصد و معاملات ارزی 55 درصد کاهش یافت. در همین مدت اعتبارات اسنادی نیز 47 درصد و ضمانتنامه های ارزی حدود هفت درصد کم شدند. تنها بخشی که در حجم بسیار ناچیز رشد کرد، خرید و فروش ارز است. این شاخص در سال 87 نسبت به سال 86 نزدیک به 10 درصد رشد کرد.

#### کاهش 63 درصدی سود در دولت نهم

مجموع آنچه که درخصوص شاخصهای متعدد ذکر شد منجر به کاهش سود خالص بانک ملی پس از کسر مالیات شد. تا سال 84 روند سوددهی عملیات



## راههای سبز

سومین کمبود چنانکه گفتیم، آنکه این جنبش یک ایدئولوژی واحد و یگانه ندارد. و این هم امر مثبتی است. کمبودی است که ما از آن سود می‌بریم. زیرا در اینجا یک ایدئولوژی واحد حاکم نیست. گویا مردم ما از جریانهای ایدئولوژیک که خودشان را بعنوان تنها راهبر فکری بر ما تحمیل می‌کردند خسته شده‌اند. و چهارمین کمبود عدم برنامه سیاسی و یا سیاست معین و از قبل تعیین شده است. که این به نظر من در جریان کار خود را نشان می‌دهد و این کمبود است که باید مورد بحث ما قرار بگیرد. که این جنبش سبز چه می‌خواهد؟ آیا در پی سرنگونی نظام حاکم است؟ آیا رفم می‌خواهد؟ آیا به رفتن احمدی نژاد قانع می‌شود؟ یا مایل است از آن فراتر رود؟ آیا میخواهد از قانون اساسی امروز فراتر می‌رود یا نمی‌رود؟ این موضوع یک بحث پیگیر است که اتفاقا در چار چوب کنگره جمهوریخواهان همین مباحثات مورد بحث قرار گرفته و ادامه دارد

### در صحبت هایتان به کمبود رهبری اشاره کردید ، نقش رهبری را در جنبش چگونه می‌بینید؟

همانطور که اشاره کردم و در سخنرانی دیروزم نیز مستتر بود، فکر می‌کنم بواسطه سی سال بذرافشانی فرهنگی، جنبش سبز و زنان و مردان و جوانان سلحشوری که در خیابانها قد برافراشته‌اند به این درک فرهنگی رسیده‌اند که ما دیگر یک رهبر یگانه، تغییرناپذیر و مطلق گرا نمی‌خواهیم و طرفدار نوعی رهبری هستیم که جایگزین پذیر، تغییر پذیر، انتخابی باشد. فکر می‌کنم که این مکانیسم رهبری در آگاهی جمعی و فردی ما کم دارد جا می‌افتد که ما دیگر از نوع رهبری آیتالله خمینی که ایدئولوژی و نظامبندی فکری خودش را و مذهبش را به سراسر جنبش و به سراسر جامعه تحمیل میکرد نمی‌خواهیم. امروز به این درک رسیده‌ایم که این رهبری را نمی‌خواهیم. این بزرگترین دستاورد این مرحله از تاریخ ماست. پس این نخستین نکته است. اما تناقضی که در این استدلال موجود است آنجا است که به هر حال یک جنبش سراسری هر چند پلورالیستی هم که باشد، باز به یک رهبری، یک رهبری پیگیر و قاطع نیازمند است.

از سوی دیگر تناقضی در مکانیسم رهبری وجود دارد که از آن این قرار است: در تاریخ چند صدساله اخیر، دو مقوله و دو رفتار پهلو به پهلو سراسر تاریخ اجتماعی مان را طی کرده است: یکی رهبر پرستی مداوم و ناخودآگاه ماست. گویا این رفتار روانی جایی شفا بخش روح ما بوده است، یعنی ما را از مسئولیت فردیمان خلعت میکند. چرا؟ زیرا در این کاروند روانی، رهبر پاسخ همه پرسشها را می‌دهد، و جایی برای خلق شدن "فرد" و فردیت مستقل و خلاقیت او باقی نمیگذارد. این رهبر پرستی ما را به یک رخوت روحی و روانی میکشاند، و فضا را برای بازآفرینی یک حالت دینی و حتی توتالیتر در رابطه فرد و رهبر مهیا میکند.

رفتار دیگر رهبر کشی ماست که پهلو به پهلو و گام به گام با مقوله رهبر پرستی در جامعه گام نهادن است. رهبر کشی را در دوره مصدق دیدیم. من در سخنرانی دیروزم گفتیم ما مصدق را کشتیم.

قدرت سیاسی را گرفتند، ولی از ابتدا به گونه یک سازمان هماهنگ و یگانه و استوار و قدرتمند وجود داشتند. جنبش سبز در ایران از این سازماندهی قدرتمند و یگانه بر خوردار نیست.

دوم اینکه این جنبش سبز در واقع یک رهبری پر قدرت و یگانه و یکتاگرا هم ندارد که سمبل نیازها و سمبل خواهشهای مردم باشد، بلکه رهبریش چندگانه و چند صدایی است و حتی یکی از رهبرانش به وضوح می‌گویند از من کیش شخصیت نسازید (اشاره به سخنان آقای موسوی).

سومین کمبود این جنبش این است که دارای یک ایدئولوژی هماهنگ کننده و یکسویه نیز نمی‌باشد. یک ایدئولوژی یکتا همچون ایدئولوژی اسلامی یا کمونیستی یا این یا آن ایدئولوژی که همه را در یک مسیر یکتاگرا هدایت کند. جنبش سبز این را هم ندارد.

چهارمین کمبود این جنبش این است که، دارای یک برنامه سیاسی واحد و معین نیست؛ برنامه‌ای که خطوط نظام بندی جنبش را از ابتدا و خطوط شکل گیری آینده آنرا را برای همگان بطور دقیق تنظیم کند و بگوید که این جنبش چه می‌خواهد و به کجا می‌رود. برعکس: این جنبش مجموعه‌ای است از گفتارهای متناقض که هر کسی به سهم خودش، هر رهبر و رهبرچه‌ای بنا به درک خودش، عنوان کرده و در سطح جنبش پراکنده نموده است. و بالاخره ما نمی‌دانیم که برنامه سیاسی و واحد این جنبش چیست؟

این چهار کمبود در جنبش سبز وجود دارد. اما گفتیم که جنبه‌هایی از این کمبودها نشان از یک تناقض خوشایندی هم هست. چرا؟ زیرا چه بسا این امر نیکویی است که ما از یک سازمان تمامگرای قدرتمندی که بخواهد خودش را بر سراسر جنبش حاکم کند برخوردار نیستیم. در جنبش سبز به جای اینکه یک حزب سراسری تمامگرا داشته باشیم، سازمانهای متعدد و پراکنده به شکل شبکه‌های سازمانده مردمی وجود دارند. چندگانگی در بطن این جنبش مستتر است. پس اولین کمبود، کمبود خوش آیندی است.

دومین کمبود نبود رهبری مستحکم و یگانه است، به آن معنا که ما در این جنبش یک رهبری یگانه و تمامگرا نداریم. برعکس، این رهبری از ابتدا خودش چند صدایی و چند گانه و چند رنگیست. و این اتفاقا خصوصیت مثبتی است که جنبش از آن رهبری که بخواهد خودش را بر دیگران تحمیل کند و کیش شخصیت خود را پرورش دهد بی بهره است. رهبری یگانه نداریم و این امر مثبتی است، چرا که امکان پلورالیسم سیاسی و چندگانگی اندیشه را به ما می‌دهد. (حداقل این امید ماست. دوستدارم خوش بین باشم. میدانیم که تنها بر خورداری از چندگانگی اندیشه و دمکراتیسم آنهم در مرحله قبل از پیروزی کافی نیست. بلکه باید بتوان آنرا بعدا نیز حفظ کرد. و این چالش بزرگ ماست)

از آنرو اهمیت دارد که منیت آن یک "منیت اعتراض" است. چرا که "فرد" در نفی شرایط شکل میگیرد، نه در قبول گوسفند وار ایده‌ها. فردیت آنجاست که آدمی خود را از دیگران تمیز دهد.

شعار "رای من کجاست" برای نخستین بار در تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران، فردیت را همچون یک کنش بنیادین به میان میکشد. این فردیت در چارچوبی جامعه مدنی می‌خواهد خودش را عرضه کند. این دینانیسم بنیانگذار یک نوع تلنگر سیاسی، یک تلنگر تاریخی ممتاز و یکتا است. و این دینانیسم به نظر من برگشت ناپذیر است. هگل می‌گوید "برده‌ای که یکبار کلام آزادی را شنید و از آن آگاهی یافت، این دیگر از جان و فکر او بیرون نمی‌رود". در اینجا آزادی دیگر تنها یک کلام یا حتی یک فکر نیست، یک آگاهی است.

ما هم در خرداد 1388 یکبار گفته‌ایم "من". یعنی یکبار برای نخستین بار رجوع کرده‌ایم به فردیت. برای نخستین بار از آن نام آوردیم و آنرا در متن شورانگیز شعارمان گماردیم. این آگاهی دیگر از ما بیرون نمی‌رود. نه آنکه کار تمام شده. بلکه این تازه آغاز کار است. از حالا به بعد جلوه‌های گوناگون این فردیت تازه جوانه زده را در جامعه مان خواهیم دید. **مدنیت اعتراض** گونه‌ای بیان را خواهد یافت که ما را از سه دوره تاریخی گذشته (که پیش از این یاد شد) بگونه‌ای رادیکال جدا میکند. این دینانیسم واقعی جنبش سبز است. به نظر من شعار "رای من کجاست" یک دگرگونی در حوزه آگاهی است، که ما را از سیاست زدگی همیشگی و تاریخی مان منفصل کرد. طرح این شعار به معنای اینچنین توده‌ای و همه جاگیر، نمودی از یک "برش تاریخی" ماندگار با گذشته صدساله مان است.

اشتباه نشود، آن جامعه مدنی که ما قبل از این، یعنی در طول دهسال پیش یا پانزده سال گذشته از آن صحبت می‌کردیم جامعه مدنی سیاسی بوده است. تفکر در ایران سیاست زده بوده است. حال آنکه جامعه مدنی که اکنون در ایران در حال شکل گیری است، جامعه مدنی واقعی است، زیرا با مسئله فردیت و آزادی فرد ارتباط دارد. البته این جامعه مدنی خصوصیات دیگری هم دارد، ولی فکر می‌کنم بیان همین نمونه برای این مصاحبه کوتاه کفایت.

### کمبودها و نقاط قدرت این جنبش از نگاه شما چیست؟

این جنبش بگونه تناقض آوری کمبودهای بسیار دارد. دلایل متناقض بودن آنرا خواهم گفت. این جنبش کمبودهایی دارد که چه بسا وجود برخی از آنها دست به اتفاق به نفع این جنبش هم باشد. چهار کمبود اساسی را برمی‌شمارم:

نخست آنکه این جنبش یک سازمان هماهنگ کننده استوار و مستحکم و یگانه ندارد. یک حزب سراسری که ما در چین دیدیم که سازماندهی انقلاب را به عهده داشت. یک حزب سراسری که ما در روسیه دیدیم همچون حزب بلشویک، که البته در آغاز در اقلیت بود و سپس به اکثریت بدل گردید. یک سازمان یا جریان سیاسی سازمان یافته که ما در کوبا مشاهده کردیم. در انقلابات مذکور این سازمانها آمده‌اند و بتدریج .





## راههای سبز

با نگاهی سرد به جنبش نظر می اندازد. زیرا دانسته است که خوب دیدن با فاصله دیدن است!

### نقش نیروها و سازمانهای اپوزیسیون در خارج از کشور را چگونه می بینید؟

همانطور که می دانید من شخصا یک ناظر و یک تحلیلگر هستم و در محافل متفاوت اپوزیسیون هم شرکت می کنم بدون هیچگونه وابستگی به آنها و تلاش می کنم تا تحلیل هایم مثبت باشند و کمکی باشد برای راهبری جنبش.

کنگره امسال جمهوریخواهان بسیار سودمند بود. مطالبی در قطعنامه ها و گفتارها آمده بود که گویا این جریان یک نقش بسیار اساسی در جنبش سبز دارد و یا نقشی بسیار مهم در بسیج ملی دارد. من تلاشم دوستانه ام بر این بود که در حدود سهم خود بگویم که باید از این ادعاها اندکی بکاهیم (که البته این چند نکته توجه داشته باشیم که :

جریانهای خارج از کشور (و اصولا همه ما) غالبا متشکل از روشنفکران و نیز تکنوکراتهای روشن اندیش و یا افرادی نزدیک به آنها هستند. پس ما متعلق به آن بخشی هستیم که مایلیم آنها را سرکردگان یا نخبگان طبقه متوسط شهری جامعه ایران بنامیم.

ما هر که باشیم، هیچگونه نقش واقعی و تعیین کننده ای در حرکت روزمره و در سازمندی جنبش سبز نداریم. اندک کسانی از ما شاید نقشی از دور داشته باشند. این جنبش خودانگیخته و درونیست.

شعارهایش نیز بطور خود انگیخته و از مکانیسم تاریخی و نیازهای فرهنگی خود جامعه منشا گرفته است. ما در خارج از کشور آن شعارها را نساخته ایم که بعدا بطور مونتاز به داخل منتقل کنیم. این جنبش به ما توجه چندانی ندارد. خود شعارهایش را ساخت و هدایت کننده اش هم خودش بوده است، و اتفاقا رهبران را هم خود از درون ایجاد کرد. ما در عمل بدنبال جنبش هستیم نه جنبش بدنبال ما.

بنابراین من نقش نیروها، سازمانهای خارج کشور را این می دانم که هوشمندانه، و بخصوص منصفانه و با سخاوتمندی و بدون ادعا، حمایت کننده جنبش سبز و جنبش اعتراضی مردم در ایران باشند.

بالبینحال این نکته را باز در اینجا تکرار کنم: ما بدلیل نگرش هوشمندانه مان، از حاشیه به مرکز دیدنمان، باید دیدگاهمان گشاده رویانه و نگاهمان نقادانه باشد. یعنی نباید از دریچه دیگری به دامن پوپولیسم و پراگماتیسم دنباله روانه آلوده بشویم و فقط بگوییم که ما داریم پشتیبانی می کنیم. درست است که ما پشتیبانان این جنبش مردم هستیم، لیکن این مردم نیز از طریق تکنولوژی ارتباط رسانی مثل وبلاگها و سایتها و غیره، به ما نگاه می کند و توجه به گفتارهای ما دارد. پس حالا نقش دیگر ما، بعلاوه پشتیبانی، چیست؟ وظیفه دیگر ما، بهمراه پشتیبانی، آنچنانکه پیش از این آمد، بر پایی یک جنبش نقادی ست. این وظیفه ماست که زوایای جنبش را بررسی کنیم، کمبودهایش را بر شماریم و آنها را تحلیل کنیم، و بگوییم که کجا راست و کجا چپ می رود. اینگونه می توانیم در واقع اثر گذاری کنیم. ما باید از طریق نقد مثبت خود اثر گذاری کنیم و آگاهی بیا فرینیم. بنابراین روشنفکران نباید ناظران کور و دنباله رو جنبش باشند. اگر چه وظیفه ما پشتیبانی

روشنفکر در طول سی سال گذشته با فعالیتش اثر بخشی خود را داشته است. یادمان نرود که جنبش سبز محصول این بذرافشانی فرهنگی سی ساله است و از آن ناشی می شود. این بذرافشانی کجا دیده شده است؟ در همین روزنامه ها. فراموششان نکنیم: جامعه، توس، شرق، اعتماد و بسیاری دیگر. در همین مجلات بزرگ و سلحشور که در ایران مقاومت می کردند و کار فرهنگی را ادامه می دادند و برخی هنوز هم میدهند: آدینه، کیان، کلک، ایران فردا، نگاه نو، گفتگو و بالاخره شهروند امروز؟ مقالات آنها را که کسی مینوشت؟ همین روشنفکران. شاید امروز یادمان رفته که این روشنفکران اثرات خود را گذاشته اند، اگر چه در صدر جنبش سیاسی قرار ندارند.

ولی اساسا نقش یک روشنفکر آن است که در راس جنبش سیاسی نباشد. روشنفکر نظاره گر جنبش است، رهبر آن نیست. در حاشیه جنبش است، ولی همواره نگاه به مرکز دارد. مثل یک شاعر! شاعر هم در حاشیه حادثه است و از حاشیه به درون نگاه می نگرند. اما نظرش و گفتارش طوری است که اثرگذاریش گاه چه بسا از آن که در میانه تلاش می کند بیشتر است.

بنابراین روشنفکر مسئولیت تاریخی بسیار دارد. ما می بایست در چارچوبه جنبش سبز یک جنبش انتقادی ایجاد کنیم. برخی از این سخن که ماه پیش در مصاحبه ای در نیویورک با "راديو زمانه" عنوان کرده بودم اندکی حیرت زده شدند و تصور کردند که گویا منظور ایجاد وسیله ای برای "تخریب" رهبری است. در حالی که درست برعکس. روشنفکر در جنبش انتقادی وظیفه اش این است که مردمان را به اتکا به تربیت فکری و نظریه انتقادی از روشهای دنباله روانه و کور کورانه (همچنانکه این روشها غالبا در فرهنگ ما دست بالا را داشته اند) جدا بکند و با روشهای فکری تحلیلی و انتقادی سازنده (و نه تخریبی) آشنا نماید. این نخستین تمرین دموکراسی است. در اینجا، نظریه انتقادی از افکار کانت تاثیر میگیرد و مبنای اولیه اش همانا "تجزیه و تحلیل" است.

نقد باید مثبت و سازنده باشد و نه ذهنی گرا و منفی. توجه ما نسبت به جنبش انتقادی این نیست که بیابیم واقعیتهای جامعه فعلی جنبش سبز را رد بکنیم. نقش ما بخصوص در خارج از کشور این نیست که ادعای رهبری داشته باشیم و خط بدهیم بلکه، ما تحلیلگریم. ما ناظران آگاه جنبش از حاشیه به مرکز هستیم. روشنفکر از طریق جنبش انتقادی سازنده و مفید می خواهد بر این جنبش موجود و بنا سازی جامعه مدنی موثر باشد. اگر این جنبش سبز منتقدین هوشمند نداشته باشد، به حال خود رها خواهد شود و دیگر هیچکس قادر نخواهد بود آن را تصحیح کند که آقا تو به چپ، یا آقا تو به راست می روی. جامعه مدنی هم اساسا همین را معنا دارد، زیرا جامعه محیط گوناگونی نظرات، جدل و باربری اندیشه است.

بنابراین ما از بیرون نگاه می کنیم. و آن نگاهی هوشمندانه است، آن نگاهی عمیق است که نگاهی با فاصله باشد. به نظر من جایگاه روشنفکر آن است که در شور و شوق و احساسات جامعه نقش نداشته باشد. این نگاه سرد که نه از قلب که از سر منشا میگیرد، برای تداوم جنبش و حفظ سلامت فکری آن امری لازم و ضروریست، زیرا در این روند روشنفکر آلوده شور و شوق و احساساتی که جنبش در حرکت روزمره اش ایجاد می کند نمیگردد. بلکه با صبر و

بدلیل اینکه ما قدردانی از رهبران نکریم. اگر ایندولوژی و یا ارزشهای رهبر با ما یگانه نباشد وی را بسرعت ترد میکنیم و دیگر به رشادتهای آن بهایی نمی دهیم، زیرا شاید وی درست آنطور که ما میخواهیم سخن نمیگوید. مثل امروز که برخی از یاران و هموطنان عزیز ما می گویند کروی می آید. نمی گویند که این آقای کروی در مقابل نظام با رشادت تمام ایستاده است، و هر چه باشد او دارد کاری می کند، که حداقل تا آنجا که میتوان دید، کسی تا کنون شهامت انجامش را نداشته. حال میخواهم خطر کنم و ادعا کنم که، کروی و موسوی آن جایگاه رهبری را دارند که مصدق داشت. به دو دلیل:

یک کروی از خود نظام آمده است و مصدق هم از خود نظام آمده بود. کروی و یا موسوی نمی گویند مرگ بر نظام! آیا مصدق می گفت مرگ بر سلطنت شاهنشاهی؟ آیا مصدق خودش نمی گفت شاه بماند، سلطنت بکند اما حکومت نکند؟ متاسفانه هنوز درک برخی از ما از مقوله رهبری اینست که رهبری یا باید بطور مطلق یا بیای ما بیاید و سیاست ما را دنبال کند، و یا اگر چنین نکند، ما وی را ترد می کنیم! نه اینطور نیست. مکانیسم جنبش طور دیگریست. باید منصفانه دید که چه کسی امروز در مقابل دیکتاتوری حاکم و جباریت دولت احمدی نژاد ایستاده است، حتی اگر وی در چارچوبه ایندولوژی و ارزشی ما در همه ابعاد گام بر ندارد، باید از وی قدر دانی کرد. مقصود اصلی من از اینهمه تاکید آن است که به دامن رهبر کشی کشیده نشویم.

اگر اجازه بدهید یک پرانتز کوتاه اینجا باز کنم: باوجود آنهمه شباهت، ولی یک تفاوت مهم میان روش مصدق و کروی و یا موسوی موجود است. مصدق بیشتر به روشهای سیاسی و دیپلماتیک متکی میشد، حال آنکه کروی و یا موسوی از فردای خرداد 1388 و از ابتدای ورود شان به صحنه مبارزه، به توده های مردم متکی شدند.

### نقش روشنفکران و وظایف آنها را چگونه می بینید؟

پاسخ به این پرسش دو جنبه دارد: نخست آنکه ماهیت کار روشنفکر دنباله روی نیست. اگر کسی بگوید که شما نسبت به رهبری جنبش چه فکر می کنید، من می گویم، جنبش مردمی البته نیاز به رهبری دارد، لیکن روشنفکر رهبرگرا یا رهبر پرست نیست، روشنفکر بدنبال رهبری نیست، زیرا وی نخست یک تحلیلگر است، خود متعلق به جنبش فکری انتقادی است. از نظر جایگاه و حرکت فرهنگی، روشنفکر نقاد افکار و گفتار هاست، و از اینرو تاثیر گذار است. پس اگر پرسش اینست که آیا روشنفکر باید بدنبال رهبران ره نوردد، باید گفت این با ماهیت کار روشنفکری تضاد بنیادین دارد. روشنفکر سخنان و افکار رهبران را زیر زره بین تحلیل و نقد میگذارد. اما چه نقدی؟ این جنبه دوم موضوع است: ما دو نوع نقد داریم: یکی سازنده و دیگری تخریب کننده. در واقع روشنفکر متعلق به جامعه مدنی است و جامعه مدنی هاله ای است بین مردم و دولت و نهادهایش. روشنفکر از طریق کار تحلیلی و نقادیش هم برمکانیسم و کارکردهای دولت تاثیر می گذارد هم بر روی مردم و جنبش آنها

### موسوی خوزستانی :

پرسش دیگر، مسئله تغییر احتمالی شرایط مبارزه است. تغییر بی حد دولت وقوع این احتمال، که به عنوان یک دغدغه و نگرانی در بین گروهی از احتمالی شرایط مبارزه است.

**کاظم علمداری:** شیوه های قهرآمیز مبارزه مستلزم حضور فعال ابزارها و لوازم خاص این نوع مبارزه است. از جمله: سازمانهای زیرزمینی جنگاور و متخاصم، تصمیم قاطع به تخریب خشونت بار پایه های نظم موجود، باور عمیق به آرمانهای کلان مقیاس (ایمان به تحقق آرمانشهرهای خیالی)، و پذیرش آینده ای بهشت گونه که از پس پیروزی انقلاب حاصل می شود. شما می بینید که در حال حاضر هیچ یک از این مولفه ها در جنبش مردم و در ذهنیت و شیوه های مبارزاتی ایرانیان وجود ندارد یا اگر هم به طور پراکنده و بالقوه وجود داشته باشد اساساً قابلیت تأثیرگذاری و جهت دهی به جنبش را ندارد. به همین دلایل به نظر من دوران مبارزه خشونت آمیز و انقلابات سرخ در ایران سپری شده است. حالا اگر بخواهم تیتروار این مولفه ها را توضیح بدهم باید بگویم که مبارزه قهرآمیز و خشونت بار در کل به پنج عامل ذهنی و عینی جامعه، یعنی: پذیرا بودن این شیوه از مبارزه، رهبری متمرکز و هماهنگ با این روش، سازماندهی متناسب همراه با استراتژی و تاکتیک های نظامی مناسب، تعادل قدرت دو طرف، و امکانات لجستیکی ضروری، بستگی دارد. بنابراین، کار برد خشونت وابسته به اراده افراد و حتما رهبری نیست. اگر شرایط اش فراهم باشد رهبری آن هم موجود می آید. اما در شرایط کنونی اگر این اتفاق رخ دهد مسوول مستقیم آن، دولت است که ممکن است با دست خود، جامعه را به میدان جنگ داخلی و خون ریزی بدل کند. شک نباید کرد اگر جنگ داخلی رخ دهد پای نیرو های خارجی هم به ایران باز خواهد شد. نکته دیگر در تحلیل شرایط کنونی جامعه این هست که روش پرهیز از خشونت به عنوان «استراتژی» جنبش کنونی مطرح می گردد، نه یک «تاکتیک». این استراتژی بر اصولی استوار است. جنبش های خشونت پرهیز اهدافی دارند که

باید بطور مستمر در پی آنها باشند. در حالی که کاربرد خشونت علیه خشونت گران حکومتی، هر چند می تواند بر زخم ها و صدمات برخی از مردم آسیب دیده، مرحم بگذارد، ولی هیچ تضمینی وجود ندارد که مردم را به اهداف انسانی شان نزدیک سازد. جنبش سبز می تواند در تاکتیک هایی که بکار می گیرد بسیار انعطاف داشته باشد. ولی نسبت به استراتژی باید تا رسیدن به اهداف خود، از جمله محور ریشه ای و همه جانبه ی خشونت و ستمگری، ثابت قدم بماند. در همراهی با این استراتژی است که می توان و باید همه ابزارها، اندوخته ها و سرمایه های اجتماعی و فرهنگی را علیه سرکوب و خشونت گری بسیج کرد.

می دانیم که «استراتژی» بر اساس مطالعه و ارزیابی از شرایط مشخص تاریخی، تعیین می گردد. شیوه مبارزه بی خشونت در کشور ما بر اساس ارزیابی از ذهنیت و عینیت کنونی جامعه ایران و جهان بوجود آمده است. باید قبول کنیم که ذهنیت جامعه، پذیرای کاربرد خشونت نیست. به دو دلیل عینی: نخست روش خشونت بار، پر مخاطره است

کافی است تجارب سال های اول پس از انقلاب را مرور کنید. بنابراین، اصل بر مشروعیت داشتن و مشروعیت نداشتن حکومت است. وقتی مشروعیت حکومتی از دست رفت، نه تنها فشار انباشت شده از بیرون، رژیم را به چالش می کشد، بلکه تزلزل از درون نیز مانند خوره، اراده حکومت گران را خواهد خورد. با خشونت و سرکوب بیشتر نمی توان مشروعیت به دست آورد. بلکه برعکس، باز هم بیشتر مشروعیت از بین می رود.

اما در باره پرسش شما. در درجه نخست باید گفت که این بن بست ربط چندانی به جامعه مدنی ندارد بلکه به نیروی مقابل آن، یعنی به دولت مربوط می شود زیرا حاکمیت با رفتار غیر دمکراتیک خود، این بن بست را بوجود آورده است. اگر حاکمیت تن به اصلاحات ندهد و خواست های مشروع و قانونی مردم را با خشونت بیشتر پاسخ دهد، به طور طبیعی کسانی که شیوه «مقابل به مثل» را تجویز می کنند برای روش کارشان مشروعیت توجیهی پیدا می کنند. اما شیوه مقابل به مثل، یک واکنش است. در حالی که اتخاذ شیوه مبارزه علیه استبداد دولتی، باید کنشی باشد. یعنی جنبش باید خود، ابتکار عمل را به دست گیرد و راه و روش مؤثر و ممکن مبارزه را، صرف نظر از اینکه حاکمیت چه می کند، تعیین نماید. دوم، مبارزه خشونت بار، در گام نخست، محتاج یک پیش زمینه ی اعتقادی در افکار عمومی است: اعتقاد به خشونت به عنوان تنها ابزار تحول باید ابتدا به یک باور عمومی تبدیل شده باشد. این فاکتور در ایران امروز، به دلایل بیشماری، غایب است. از سوی دیگر، مبارزه قهرآمیز غالباً یک مبارزه حرفه ای و شبه نظامی است و افراد معمولی نمی توانند در آن شرکت کنند، زیرا نیاز به آموزش های نظامی دارند. در حالی که مبارزه غیر خشونت بار محدودیتی بوجود نمی آورد و همگان فارغ از تفاوت های سنی و جنسیتی و تدارکاتی و آموزشی، می توانند در آن شرکت کنند و تأثیرگذار باشند. وجه امتیاز جنبش های اجتماعی در وسعت آنهاست، وگرنه به سادگی سرکوب می شوند.

البته می توان پیش بینی کرد که بکارگیری روش های خشونت بار پراکنده در برابر خشونت های دولتی بطور موازی در کنار روش های آرام شکل بگیرد و کارش هم نمی توان کرد و گروه هایی از مردم - بویژه جوانان - را هم بسیج خواهد کرد. از قضا دولت حاکم از واکنش خشونت آمیز استقبال خواهد کرد زیرا آن گاه می تواند توجیه گر سرکوب دولتی باشد. کما اینکه وقتی خشونت در کار نباشد، عوامل دولتی را مأمور ایجاد آن می کنند تا هم شرکت کنندگان در تظاهرات آرام را به آن سو بکشانند و هم توجیه سرکوب بیشتر بدست آورند و هم کسانی را که دستگیر می کنند با اتهام های سنگین تری روبرو سازند. این در حالی است که وقایع چندماه گذشته (حتا تظاهرات هفته های اخیر مثل روز قدس و 13 آبان) آشکارا ثابت کرد که مردم اساساً گرایشی به کاربرد خشونت ندارند. بنابراین اگر منظور شما از بن بست، این «دوگانگی» است باید گفت این بن بست هنوز در مرحله جنینی قرار دارد و مانعی بر سر راه مبارزه مسالمت آمیز مردم ایجاد نکرده است. که اگر ایجاد کرده بود ما با حضور گسترده و میلیونی مردم در روزها و مناسبت های همچون روز قدس و 13 آبان، روبرو نبودیم.

است، اما ما ناظران حساس و چشم گشوده هستیم و چنانکه آمد، ما باید با ذهن سرد و صبور و قلب گرم و اندیشه تحلیل گرانه، پشتیبان این جنبش باشیم.

**این مصاحبه در روزهای برگزاری کنگره سه روزه جمهوری خواهان ملی ایران در ماه اکتبر 2009 در آلمان انجام شد.**

### گفتگوی جواد موسوی خوزستانی با کاظم علمداری

#### مبارزه بدون خشونت؛ رمز پیروزی

#### جنبش سبز

کاظم علمداری در شهر دماوند متولد شد و در رشته روانشناسی مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه تهران دریافت کرد. سپس برای ادامه تحصیل به ایالات متحده آمریکا عزیمت کرد و از دانشگاه ایلینوی در رشته جامعه شناسی، دکترا گرفت. تاکنون به قلم ایشان چندین کتاب منتشر شده است که نام آشناترین آن ها «چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت» هم اکنون شانزدهمین نوبت چاپ خود را طی کرده و روی پیشخوان کتابفروشی هاست. از دکتر کاظم علمداری بیش از ده ها مقاله پژوهشی و تحلیلی به انگلیسی و فارسی تاکنون منتشر شده است.

**جواد موسوی خوزستانی:** آقای دکتر علمداری، پرسش ها در ارتباط با وقایع اخیر و حضور «جنبش سبز» در ایران، فراوانند ولی شاید بخش اعظم سؤال ها و ابهام ها به خشونت های اعمال شده در جریان حوادث پس از انتخابات، مربوط باشد. خشونت هایی که آنقدر بی مهار و غافلگیر کننده بوده که هنوز پس از گذشت بیش از چهارماه، فعالان جامعه مدنی و بسیاری از اندیشمندان ایرانی جهت یافتن پاسخی قانع کننده در مورد حضور مخرب این پدیده شوم و مشخص کردن ریشه های آن، به تکاپو هستند. این کوشش دسته جمعی و مسئولانه که در واقع برای کنترل و منزوی ساختن رفتارهای خشونت آمیز صورت می گیرد ابعادی ایجابی دارد و سعی می شود که تکیه گاههایی برای پیشبرد صلح آمیز مبارزه جهت استقرار عدالت و دموکراسی در جامعه کشف و در یک پروسه ای بتواند در روابط سیاسی ما، مستقر شود. زیرا به نظر می رسد که در غیر این صورت، جامعه مدنی ایران با بن بست ناخواسته روبرو شود و نتواند در عمل، دستاوردی داشته باشد. و بسا که چنین بن بست، مجوز اخلاقی و مشروعیت سیاسی برای اعمال خشونت متقابل را بسترسازی کند. نظر شما چیست؟ پیش از ورود به بحث،

#### کاظم علمداری: پیش از ورود به بحث می

خواهم یک اصل مهم را در سراسر این مصاحبه در نظر داشته باشید:

حکومتی که مشروعیت اش را از دست بدهد بر اثر مقاومت مردم، اندک اندک راه زوال را طی خواهد کرد، اما حکومتی که مشروعیت داشته باشد جنبش مردم چه با روش خشونت بار و چه غیر خشونت بار قادر نخواهد بود خواست های خود را به دست آورد.

## راههای سبز



شک نیست که انسان بطور طبیعی در برابر تهاجم، زورگویی و خشونت (و در شرایطی که جان انسان در خطر باشد) دست به دفاع و حتا مقابله می زند. در جوامع

دمکراتیک این مقابله، مقابله ای قانونمند است. در حالی که در ایران دستگاه حقوقی کاملا سیاسی است و مقابله با آن، خود به خود سیاسی می شود.

مسأله دیگر، حضور یک آئینتاریخ است. در شرایطی که جنبش دوره جنبینی خود را می گذراند و در نبود یک بدیل و جایگزین مورد توافق اکثریت مردم، فروپاشی یک حکومت، حتا اگر ممکن باشد به صلاح جنبش و بالمآل به سود جامعه نیست. زیرا

جنبش در آغاز راه و در دوره نطفه ای، قادر نخواهد بود مانع هرج و مرج ناشی از فرو پاشی حکومت باشد. در فضای هرج و مرج و بلیشو، پس از مدتی مردم به شدت احساس ناامنی خواهند کرد، در چنین وضعیت پر آشوبی، واضح است که نیروهای

سرکوبگر و خشونت پیشه، و مستبدان حرفه ای، به بهانه برقراری نظم و امنیت، بار دیگر زمام امور را به دست می گیرند. و این چرخه معیوب همچنان تکرار خواهد شد. نکته دیگر اینکه وضعیت ایران

کنونی را نباید با کشورهایی که مورد تجاوز نیروهای خارجی قرار گرفتند یکسان دانست. همواره عرق و علاقه ملی برای مقابله با بیگانگان باعث رشد و انسجام جنبش ملی می شود، ولی جنبش

دمکراسی خواهی این توانایی و پتانسیل نهفته را دارد که در مقطعی، حتا اتحاد ملی را بشکند و جامعه را در برابر هم قرار دهد.

**موسوی خوزستانی** به لحاظ تاریخی چطور؟ آیا نمونه هایی در تاریخ معاصر کشورمان در تایید روش های بی خشونت وجود دارد که توانسته باشد موفقیتی برای مردم کسب کند؟

**کاظم علمداری**؛ شاید «جنبش تنباکو» در ایران را بتوان اولین و مهم ترین تجربه مبارزه خشونت پر هیز و شکل مشخصی از نافرمانی مدنی نامید. همچنین سنت بست نشینی چه در اماکن مذهبی و چه در پست خانه ها را می توان به عنوان پشتوانه عملی جنبش های اعتراضی خشونت گریز دانست. ولی این

اسلوب های مدنی به دلایل زیادی، به استراتژی یک جنبش همه گیر و سرنوشت ساز، ارتقاء پیدا نکرد. در سطح جهانی هم تجارب مبارزات ضد برده داری

زنان در آمریکا در قرن 19، مبارزات ضد استعاری در مصر و در هند و مبارزه برای حقوق مدنی در آمریکا پس از

جنگ جهانی دوم، نمونه هایی از مبارزه بی خشونت است. اما جنبش غیر خشونت بار برای کسب

دمکراسی و حقوق شهروندی، در مجموع یک پدیده نسبتا جدید است و با تجارب انقلاب های کلاسیک قرن نوزدهمی نمی توان درستی و نادرستی آن را توضیح داد.

**موسوی خوزستانی**؛ در مورد شیوه های مبارزه ی بی خشونت به لحاظ مفاهیم نظری و پژوهش های

تئوریک، چه کارهایی صورت گرفته؟ آیا اصلا در این باره تحقیق و پژوهش جدی انجام شده است؟

**کاظم علمداری**؛ بوقتی از جنبش خشونت گریز حرف می زنیم معمولا به یاد مبارزات مهاتما گاندی،

مارتین لوتر کینگ، و نلسون ماندلا می افتیم. ولی این افراد خود متأثر از الگوهای نظری کلاسیکی چون "پرسی شلی"، شاعر انگلیسی در اوایل قرن

19 میلادی، "هانری دیوید ترو" با کتاب نا فرمانی مدنی اش در سال 1848 که بطور مشخص دلایل او

لازم است. اما اگر اعتقاد بر مشروع بودن حکومت در میان نیرو های نظامی باقی نماند قدرت حکومتی مانند برف آب می شود.

اگر اعتقاد به مشروعیت دولت باقی مانده باشد، کاربرد خشونت از سوی جنبش سبز نه فقط بی اثر است بلکه با سرکوب خشن تری از سوی حاکمیت

روبرو می شود. در حالی که اگر اعتقاد به مشروعیت دولت از بین برود نیروهای نظامی نیز

جبهه دولتی را ترک کرده و به مردم ملحق می شوند یا در مواردی با مردم همراهی می کنند. استراتژی جنبش عدم خشونت باید بر این اصل و قاعده استوار

باشد. بنابراین اگر امروز از طرف جنبش سبز خشونت اعمال شود به سادگی از درون شکسته می شود. بی توجهی به خصلت و ترکیب جنبش سبز و

تجویز راه و روش خشونت در برابر خشونت دولت، در عمل علیه خود جنبش و به سود دولت خشونت

طلب، تمام می شود. جنبش سبز می تواند با شکیبایی لازم، و روش های مشروع و قانونی که علیه خشونت و اعدام و سرکوبگری بکار می گیرد

مشروعیت دولت را بیشتر زیر پرشش ببرد و در آن شکاف ایجاد کند، نه برعکس.

**موسوی خوزستانی**؛ آقای علمداری حالا اگر موافق باشید بازگردیم به وجه اخلاقی و مشروع بودن «خشونت در برابر خشونت» که بخش دوم پرشش

پیشین بود. **کاظم علمداری**؛ به موضوع اخلاق اشاره کردید که به نظرم موضوع بسیار بفرنجی است. ببینید، اخلاقی بودن و نبودن کاربرد خشونت در برابر خشونت

دولتی را قانون تعیین می کند. به طور مثال در ایران حمل سلاح غیر قانونی است، ولی اعتراض با روش

تظاهرات خیابانی و رقابت های سیاسی، قانونی است. دولت که مسئول حفظ قانون است با ممانعت از

تظاهرات آرام مردم، خود قانون شکنی می کند. در کشوری مانند آمریکا نه تنها حمل و نگهداری اسلحه

قانونی است، بلکه حتا مردم حق دارند در برابر دولتی که قانون را زیر پا بگذارد مسلحانه قیام کنند.

بنابراین در محدوده بحث کنونی ما، اخلاق در پرتو قانون تعیین می شود. اما اگر قانون غیر عادلانه

باشد، «نافرمانی مدنی» شیوه مقابله با آن است. از طرفی، اخلاق یعنی رعایت حقوق دیگران. برای

رعایت حقوق دیگران هیچ ضرورتی ندارد که خشونت اعمال گردد. حال اگر دیگران حقوق تو را

رعایت نکردند چه باید کرد؟ اخلاق به شما حکم می کند که پی گیر احقاق حقوق خود باشید و در مواجهه

با خشونت و سرکوب و زورگویی، مقاومت کنید. ولی اینکه شما در برابر خشونت، دست به تلافی و «مقابله به مثل» بزنید، با اخلاق سازگاری ندارد.

البته مسوولیت اخلاقی دولت در برابر شهروندان صدها برابر بیشتر است. اگر دولت اخلاق را زیر پا

بگذارد و قانون شکن باشد آن را بدل به معیاری می کند که دیگران هم دنبال کنند. متأسفانه این امر نامیمونی است که ما در ایران با آن مواجه هستیم. ولی فراموش نکنید که در کشور ما ایران، ماجرا

بیش از آنکه اخلاقی باشد، سیاسی است. شیوه تعیین و اصلاح رفتار و روش های حکومت استبدادی را نمی توان صرفا با اخلاق و نصیحت و آموزش

مکارم اخلاقی کنترل کرد. جنبش عدم خشونت را باید به صورت یک استراتژی نگاه کرد تا راه و روش اخلاقی، مشکل برخی از روشنفکران خشونت پر هیز

و نقد آنها به خشونت های پس از انتخابات، شاید همین اخلاقی دیدن این پدیده ی سازمان یافته است.

و همانطور که قبلا هم گفتیم گروه های محدودی در آن شرکت می کنند. به ویژه آنکه نیروهای سرکوبگر دولتی از شقاوت بار ترین شیوه های سرکوب علیه

فعالان جنبش سبز استفاده می کنند. در حالی که جنبش به شرکت وسیع و حضور اکثریتی مردم نیاز

دارد. دوم، این که تجربه نشان داده که نتایج روش های خشونت آمیز، واقعا غیر قابل پیش بینی و کنترل

است. در حالی که جنبش کنونی می خواهد بر آنچه بدست می آید کنترل داشته باشد. جنبش سبز نمی

خواهد یک گروه برود و گروه دیگری به قدرت برسد. می خواهد به دمکراسی و جامعه مدنی و

آزادی برسد. تجارب گذشته چه در ایران و چه در جهان نشان داده است که از دل خشونت و تقابل و

قهر، این نتایج دمکراتیک حاصل نمی شود. افزون بر این، کاربرد خشونت دولتی بیش از پیش، از

مشروعیت حاکمیت می کاهد. زیرا گروه های بیشتری معترض عمل ضد انسانی آن می شوند. ما

نمونه هایی از این دست را در چند ماه گذشته دیده ایم. سرکوبگران بیش از گذشته، مشروعیت خود را

از دست داده اند. شکاف درون حاکمان عمیق تر شده است. برخی از روحانیون دولتی کنار کشیده اند و

برخی علنی به سرکوب ها اعتراض کرده اند. این واقعیت ها درس بزرگی برای هر دو طرف است. دلیل اصلی آن هم، از یک سو کاربرد خشونت بی

رحمانه از طرف نیرو های نظامی، و از سوی دیگر، پرهیز مردم از «مقابله به مثل» است. در

حالی که بسیار آسان بود که در مواردی، مردم عناصر سرکوب را به شدت تنبیه کنند.

**موسوی خوزستانی**؛ ولی جناب علمداری آیا خود شما می توانید تضمین بدهید که نتایج روش های بی

خشونت، قابل پیش بینی است؟ من بحث مسؤلانه جنابعالی را درک می کنم و کاملا می پذیرم وقتی می

فرمایید که «نتایج روش های خشونت آمیز، غیر قابل پیش بینی و کنترل است» اما روی دوم سکه را نمی

فهمم چرا که ما در ایران وقتی هم که به مسالمت آمیزترین شکل ممکن، به خیابان می رویم و پیگیر

سرنوشت رای مان می شویم به خشن ترین شکل ممکن، سرکوب می شویم. پس شاید بشود نتیجه

گرفت که بکارگیری روش های مسالمت آمیز هم، لزوما نتایج قابل پیش بینی به بار نمی آورد. یعنی

انگار مسالمت آمیز بودن یک جنبش مردمی - مثل جنبش سبز - کمک زیادی به پیشبرد مطالبات نمی

کند بلکه گویا نوع برخوردی که حکومت ها در مواجهه با جنبش های مردمی به کار می گیرند نقش

تعیین کننده را ایفا می کند. **کاظم علمداری**؛ یک نکته را همواره باید به خاطر داشته باشید و آن این که روش حکومت های مستبد

در مواجهه با جنبش آزادی خواهی مردم، غالبا سرکوب و خشونت و زندانی کردن، و افزایش اعدام شهروندان است. سرکوب جنبش های دمکراسی خواهی توسط دولت

های مستبد که پدیده جدیدی نیست اما این جامعه است که می تواند با خردمندی، مقاومت مدنی و

دوراندیشی، دولت را از این توان بیاندازد تا قادر نباشد از ابزار سرکوب و خشونت مانند نیرو های

نظامی استفاده کند. ولی این زمانی رخ می دهد که نیروهای نظامی هم به غیر مشروع بودن دولت پی

ببرند. اصولا سه منشا قدرت اقتصادی، سیاسی/ نظامی، و اعتقادی برای مشروعیت و بقای حکومت





## راههای سبز

دوم هم استعمار انگلیس از نفس افتاده بود و در نتیجه دولت غیر استعماری آمریکا از راه رسید که سیاست بریتانیا را نفی می کرد. در چنان شرایطی مبارزه خشونت بار حتماً اگر می توانست به ثمر برسد،

ضروری نبود. چرا که تمام وضعیت عینی و ذهنی علیه مشروعیت حضور انگلستان در هند بود. این بدان معنا نیست که در هند از روش های خشونت بار استفاده نشد. یا بخواهیم شرایط امروز ایران را با هند آن زمان مقایسه کنیم. بلکه بدان معنا است که

استراتژی حاکم، بر غیر خشونت بار بودن جنبش ضد استعماری هند بنیاد نهاده شده بود و این اسلوبی به غایت مسئولانه و پاسخگو بود (پاسخ به نیاز زمان)؛ چنانچه در جنبش های مدنی و دمکراسی خواهی دهه 90 میلادی در کشورهای سوسیالیستی سابق هم همین گونه بود. چرا که مجموعه شرایط جهانی و داخلی، اساساً ضرورتی برای ادامه حیات جنبش خشونت بار و انقلابی باقی نگذاشته بود. اتفاقاً مانند دو نمونه بالا، حکومت های اقماری شوروی مشروعیت خود را از دست داده بودند به طوری که بخش هایی از نیروی های نظامی هم به صفوف جنبش پیوستند.

ماجرای سقوط نیکلای چایسکو در رومانی را بیاد بیاورید که چگونه در مینگی که برای سخنرانی رئیس جمهور ترتیب داده بودند با شورش ناگهانی مردم از جمله سربازان و افسران حاضر روبرو شد و در فاصله زمانی کوتاه، شعار های «زنده باد چایسکو» در مینگی، ناگهان تبدیل به شعار های «مرگ بر چایسکو» شد و او هاج و واج، میکرفون را رها کرد و گریخت. کمی بعد در حالی که در درون یک تانک در حال فرار بود دستگیر شد، و دو روز بعد دادگاهی، او و همسرش را محاکمه و بلا فاصله آنها را اعدام کردند. با سقوط پی در پی دولت های اروپای شرقی برای چایسکو مشروعیت باقی نمانده بود. اگر چه او خود را تافته جدا بافته از دیگر حکومت های اقماری شوروی سابق می دانست، ولی به مانند سایر کشورهای اروپای شرقی مشروعیت نداشت.

آنچه می خواهیم به عنوان نتیجه گیری بگویم این است که تا زمانی که حکومت ها مشروعیت دارند روش های خشونت بار می تواند بر علیه جنبش عمل کند.

برای مثال، در آغاز حکومت جمهوری اسلامی جنبش کردستان با این پدیده روبرو بود و به رغم آنکه این جنبش، اکثریت بسیار بزرگی از مردم کردستان را با خود داشت، ولی چون کردستان بخش جدا ناشدنی از ایران شناخته می شد در برابر همه ایرانیان قرار می گرفت و نتوانست در برابر خشونت های بی رحمانه حکومتی که از مشروعیت بزرگی نیز برخوردار بود، مقاومت کند.

امروز مشروعیت دولت از میان رفته است. اکثریت مردم خواهان تغییرند. بمقابله با خواست قانونی و مشروع مردم، مشروعیت رژیم را باز هم بیشتر می شکنند و اندک اندک در میان صفوف نیروهای نظامی تردید و دو دلی بوجود می آورد و اکثر آنها سر انجام جانب جنبش مردم را خواهند گرفت. این امر زمان بر است، و نیاز به آموزش همگانی، مقاومت و ادامه همبستگی مردم دارد. کاربرد روش خشونت بار می تواند به همبستگی مردم لطمه بزند و آنها را هم که به جد خواهان تغییر هستند را خانه نشین کند تا تفنگ بدست ها برای او آزادی بیاورند. تفنگ بدست ها هم اگر بتوانند بدون مشارکت مردم حکومت را سرنگون کنند دلیلی ندارد که قدرت آینده را با مردم سهیم .

اتوماتیک، خشونت و سرکوب را باز آفرینی و توجیه می کند. در پی همین استدلال، عنوان می کنند که ایران را با جنبش ضد استعماری هند و نقش «مهاتما گاندی» و یا «مارتین لوتر کینگ» در ایالات متحد (که دولتی با ساختاری دمکراتیک داشت و دستگاه رهبری آمریکا اصلاحات را می پذیرفت) نمی توان یکسان شمرد. نظر شما چیست؟

**کاظم علمداری:** به باور من هم نمی توان یکسان شمرد. ببینید آقای خوزستانی، جنبش ضد استعماری هند یک جنبش ملی و برای بیرون راندن بیگانگان بود. روحیه و ذهنیت مردم در اینگونه مبارزات بسیار متفاوت است. استعمار انگلیس هم در پس از جنگ جهانی دوم قوت و قدرت خود را از دست داده بود و توان باقی ماندن در هند را نداشت. همه این فاکتور ها به سود جنبش گاندی عمل می کرد. اما جنبش سبز ایرانیان، برای آزادی و دمکراسی است. وجه ملی آن ضعیف است. درست است که ساختار حقوقی و سیاسی نظام، خشونت گر است ولی اگر در رأس همین ساختار اشخاصی مانند آیت اله منتظری و یا سید محمد خاتمی قرار داشتند طبعاً وضعیت ایران با شرایط فعلی، متفاوت بود.

اما اجازه بدهید در باره این دو نمونه (جنبش ضد استعماری هند و جنبش حقوق مدنی در آمریکا) به طور مشخص و مجزا توضیح بدهم. در هر دو مورد اصل مشروعیت داشتن مطالبات جنبش، و مشروعیت نداشتن حکومت یا رفتار و سیاست حکومتی، بسیار تعیین کننده است. در مورد جنبش مدنی در آمریکا این درست است که دولت و بخش بزرگی از جامعه سفید پوست خواست برابری شهروندی سیاه پوستان را قبول داشتند و از آنها حمایت می کردند. ولی اگر مارتین لوتر کینگ به جای روش پرهیز از خشونت، مثلاً مقابله ی مسلحانه بکار می برد قطعاً شکست می خورد. زیرا در آن صورت خواسته ی برحق برابری شهروندی، مشروعیت اش را از دست می داد، و در پی آن، حمایت گسترده ی مردم را هم از دست می دادند و تعداد کمتری از سیاهان در آن جنبش شرکت می کردند، زیرا هزینه آن بسیار بالا می رفت. چه بسا بخشی از سیاه پوستان علیه آن بلند می شدند و زبان به انتقاد می گشودند. در این صورت دولت وقت آمریکا، یعنی لیندون جانسون هم راهی جز سرکوب جنبشی که خشونت را دامن می زد، نداشت. زیرا ممکن بود که بکارگیری خشونت علیه خشونت دولتی، به یک جنگ داخلی و نژادی بدل شود، نه جنگ میان سیاهان حق طلب و دولت بلکه جنگ میان سیاه پوستان و سفید پوستان.

جای دوری نرویم. در همان زمان جنبش های خشونت طلب سیاه پوستان به رهبری «ملکم اکس» و جنبش چپ و رادیکال «ببر های سیاه» نیز وجود داشت. هر دو آنها از بین رفتند و راه تغییر را جنبش مارتین لوتر کینگ به ثمر رساند و خواست های برابری حقوق شهروندی را به دست آورد. حضور تاریخی باراک اوباما در کاخ سفید و به عنوان پرزیدنت ایالات متحد آمریکا نتیجه جنبش لوتر کینگ است، نه ملکم اکس و یا «ببر های سیاه». اگر چه وجود تشکل های رادیکال ببر های سیاه و ملکم اکس به عنوان اهرم فشار در تن دادن حاکمیت به خواست های جنبش خشونت پرهیز مارتین لوتر کینگ، بی اثر نبود.

در مورد هند هم باید شرایط آن زمان جهان، استعمار انگلیس، و همینطور ذهنیت مردم هند را در نظر گرفت. استعمار مشروعیت نداشت. با جنگ جهانی

برای نپرداختن مالیات به دولت در اعتراض به برده داری و جنگ آمریکا و مکزیک بود، همینطور برخی از آثار «لنو تولستوی» نویسنده معروف روسی بویزه در کتاب «ملکوت خداوند در وجود توست» در سال 1894، و نظایر این منابع، الگوهای نظری برای گاندی بودند. مارتین لوتر کینگ همین نظریه را در شرایط مشخص مبارزات مدنی آمریکا بکار بست.

«جین شارب» هم که این روزها از او به عنوان نظریه پرداز «انقلاب های مخملی» نام برده می شود، با نگارش چند جلد کتاب و معرفی 198 نوع تاکتیک غیر خشونت بار، سعی دارد شیوه های بی خشونت مقابله با حکومت های دیکتاتوری را به همگان آموزش دهد. شارب نشان می دهد که برای مقابله با دیکتاتوری نیازی به انقلاب و خشونت نیست، بلکه می توان با مقابله و نا فرمائی مدنی، دیکتاتوری را کنار زد. «استوتون لیند» در کتاب راه غیر خشونت بار در آمریکا: یک تاریخ مستند، «ولفورد سبیلی» با کتاب جنگ ساکت: نوشته هایی در باره تئوری و عمل مقاومت غیر خشونت بار، و البته جنبش های وسیع زنان برای مقابله با برده داری، آزادی مذهب، اتحادیه های کارگری، دفاع از صلح و حقوق زنان در غرب را باید نام برد. گذشته از این تجارب نظری و عملی، از نظر تاریخی، جهان وارد دوره جدیدی شده است که باید روی این نکته بیشتر تکیه کرد. عصر تغییر قهرآمیز جامعه و انقلاب های سرخ به پایان رسیده است.

انقلاب اسلامی یکی از آخرین نمونه های این انقلابات، یعنی از نوع انقلابات قرن نوزدهمی بود. البته این نکته را باید مد نظر داشت که انقلاب خود پدیده مدرن است. شما اگر تمام تاریخ ایران قبل از مشروطه را مرور کنید چیزی به عنوان انقلاب نمی یابید. به همین دلیل انقلاب مشروطه نقطه عطفی در تاریخ ایران است که هم به حکومت قبیله ای پایان داد و هم دست به دست شدن قدرت میان قبایل را. الگوی انقلاب مشروطه نیز غربی است. ولی این الگو با انقلاب 1357 پایان یافت. نتایج هر دو انقلاب پیش روی ماست. برای هر دو انقلاب هزینه های گزافی پرداخت شد. اگر اولی را اجتناب ناپذیر قلمداد کنیم، با توجه به آنچه در طی سی سال گذشته در ایران رخ داده است، بسیاری امروز معتقدند که انقلاب 57 اجتناب پذیر و حتماً غیر ضروری بود.

بنابراین، ما دو تجربه مهم را پیش رو داریم. یکی تجربه سی ساله انقلاب خودمان و دیگری تجارب انقلاب های سرخ در جوامع دیگر. مجموعه ی این تجارب، در کنار ورود جهان به عرصه ای نوین (جهانی شدن)، و رشد و آگاهی مردم نسبت به حقوق خود و نقش دولت و جامعه مدنی، همه اینها مکانیسم تغییر اجتماعی را از انقلاب به اصلاحات، گذر داده است. بسیار ساده اندیشانه است که کسی همه این عوامل را نادیده بگیرد و تصور کند که مردم ایران تحت تأثیر کشور های غربی، با شیوه آمرانه حکومت جمهوری اسلامی مخالفت می کنند. مختصر اینکه مردم نسبت به حقوق خود و شیوه کسب غیر خشونت بار آن، آگاهی یافته اند و زیر بار زور نمی روند. پذیرفتن زور به همان اندازه زور گفتن، زشت و نکوهیده است.

**موسوی خوزستانی:** برخی استدلال می کنند که جمهوری اسلامی از ساختار سلسله مراتبی (هرمی) و رهبری متمرکز برخوردار است که به طور



## راههای سبز

### قدرانی از اساتید و هنرمندان سبز

دفتر تحکیم وحدت دانشجویی در ادامه این بیانیه قدرانی از کنشگران حوزه های مختلف را با تقدیر از چند تن از اساتید برجسته دانشگاه های تهران که هم اکنون به خاطر دفاع از حق انتخاب آزاد و اعتراض به کودتای 22 خرداد در اسارت بسر می برند آغاز کرده و نوشته است: بر خود لازم می دانیم از تلاش ها و زحمات ده ها نفر از اساتید محترمی که به واسطه تلاش های آزادی خواهانه خود پس از انتخابات بازداشت شدند تشکر کنیم. در این میان از دکتر محسن میردامادی، عبدالله رمضان زاده و داوود سلیمانی، اساتید محترم دانشگاه تهران، که همچنان در زندان به سر می برند یاد می کنیم. دفتر تحکیم در بخش نویسندگان و هنرمندان، ضمن تقدیر از کلیه نویسندگان و هنرمندانی که "در راه آزادی بیان و بسط فر هنگ و هنر منتقدانه تلاش می نمایند" از محمد رضاشحریان، فاطمه معتمد آریا و جعفر پناهی سپاسگزاری کرده است.

### اهالی مطبوعات و فعالین حقوق بشر

دفتر تحکیم وحدت در بخش دیگری از بیانیه خود از زحمات روزنامه نگاران و بلاگرهای حامی جنبش سبز و همچنین فعالان و نهادهای حقوق بشری، به ویژه چهره هایی که طی ماه های اخیر بازداشت شده و در اسارت بسر می برند، قدرانی به عمل آورده و نوشته است: در بخش فعالین عرصه اطلاع رسانی ضمن تشکر از کلیه روزنامه نگاران و وبلاگ نویسانی که برای بسط آزادی بیان و دفاع از حقوق شهروندی تلاش می نمایند و با یادی از ده ها نشریه، هفته نامه و ماهنامه که به دلیل فعالیت های آذیخواهانه شان توقیف شده اند وظیفه خود می دانیم یادی کنیم از بیش از 100 روزنامه نگاری که در ماه های اخیر دستگیر شده اند و تعداد زیادی از آن ها از جمله دکتر احمد زیدآبادی، بهمن احمدی امویی، سعید لیلاز همچنان پس از چندین ماه در زندان به سر می برند.

### تقدیر از دانشجویان و فعالان سیاسی و مدنی

بزرگ ترین تشکل دانشجویی کشور اما در بخش دیگری از این بیانیه، ضمن تشکر و تقدیر از هزاران دانشجوی فعال در حوزه های مدنی، صنفی و سیاسی، و همچنین چهره های برجسته احزاب و گروه های سیاسی، از شمار کثیری از فعالان دانشجویی و سیاسی که در راه آزادی بیان و به جرم ابراز عقیده متحمل زندان شده و یا هم اکنون در زندان اوین در جمع اسرای جنبش سبز هستند، یاد کرده و آورده است: وظیفه خود می دانیم یادی نمایم از تلاش های هزاران دانشجو که در دانشگاه های مختلف کشور به جرم ابراز عقیده و دفاع از آزادی های آکادمیک، دموکراسی و حقوق بشر با بازداشت و انواع محرومیت های تحصیلی و رفاهی رو به رو شده اند و همچنین یادی نمایم از دانشجویان در بند مجید دری، ضیاء نبوی، پیمان عارف و .... همچنین بر خود واجب می دانیم یاد شهدای دانشجو که در حوادث پس از انتخابات در کنار دیگر هموطنانمان آذیخواه مان مظلومانه به تیر کین بدخواهان گرفتار آمده اند گرامی بداریم. در میان فعالین سیاسی و مدنی ضمن تقدیر از کلیه کسانی که در سال های اخیر با

این پدیده مدرن می تواند در حفاظت از حقوق شهروندان در مقابل تعدی و زورگویی های دولت، تاثیرگذار باشد؟  
**کاظم علمداری**: شما به درستی به نقش جامعه مدنی و اهمیت آن، اشاره می کنید. ببینید، جامعه مدنی یعنی قانون مداری، یعنی برابری حقوق شهروندی، یعنی آزادی رسانه ای، یعنی آزادی اجتماعات، یعنی امکان تشکل های صنفی و سیاسی، یعنی آزادی انتخاب شیوه زندگی. جامعه مدنی ضامن حفظ دموکراسی و مساوات مدنی است. مثلا اگر انتخابات آزاد برگزار شود ولی جامعه مدنی وجود نداشته باشد به سادگی، قدرت دولتی انتخابات آزاد را به انتخابات غیر آزاد و مهندسی شده بدل می کند. امری که ما پس از 2 خرداد 76 نیز تجربه کردیم. اصلاح طلبان در فضای آزاد انتخابات به قدرت رسیدند و چون به اهمیت شکل گیری جامعه مدنی و حضور دائمی مردم در نهاد های مدنی و صنفی پی نبرده بودند، به سادگی از پست های وزارتی و وکالتی بیرون رانده شدند و حتی برخی از آنها سر از زندان در آوردند. این تجربه ی تلخ می تواند بار دیگر هم تکرار شود

### بیانیه دفتر تحکیم به مناسبت ۱۸ آبان

### امروز همه برای آزادی بیان به پا خاسته اند

دفتر تحکیم وحدت به مناسبت 18 آبان، روز "آزادی بیان" با انتشار بیانیه ای ضمن اشاره به وضعیت بحرانی کشور در پی حوادث بعد از کودتای 22 خرداد، از گروه ها، اشخاص و کنشگران فعال در حوزه های مختلف که در نهادینه کردن آزادی بیان نقشی تاثیرگذار داشته اند قدرانی کرد.

### دفتر تحکیم در این بیانیه از نقش و موضعگیری آیات عظام منتظری، صناعی و بیات و همچنین موسوی و کروبی، قدرانی کرده است.

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشگاه های کشور بیانیه خود را چنین آغاز کرده است: امسال 18 آبان، که مصادف با صدور حکم ننگین اعدام برای دکتر هشتم آقاجری است و نام روز آزادی بیان بر آن نهاده شده است، در حالی فرا می رسد که دیگر صحبت از اعدام یک فرد و اعتراض به آن نیست بلکه این بار ملتی در اعتراض به فجایعی که در چند ماه گذشته روی داده است به اعتراض برخاسته اند و با تمام کشتارها، تهدیدها و در بند کشیدن ها هنوز از پای ننشسته اند. امسال در حالی که روز آزادی بیان می رسمیم که دیگر تقدیر از یک نفر یا یک گروه و جمعیت به واسطه تلاش در راه آزادی بیان منعکس کننده تمام واقعیت نیست. به راستی در حالی که حداقل چهار هزار نفر به خاطر اعتراض به نتایج انتخابات به زندان می افتند چه کسی می تواند سمبل تلاش در راه آزادی باشد؟ با این وجود به رسم سال گذشته و پس از بررسی های فراوان و واکاوی حوادث يك سال گذشته دفتر تحکیم وحدت اعلام می دارد که نظر به حوادث و وقایع یک سال گذشته به خصوص حوادث پس از انتخابات و تلاش های فراگیر گروه های مختلف در راه نهادینه سازی آزادی بیان به رسم احترام به تلاش های مردان و زنان این مرز و بوم به یادی از کنشگران و تلاشگران راه آزادی در بخش های مختلف اکتفا می نمایم.

باشوند. در حالی که روش خشونت بار می تواند هزینه بزرگی را بر مردم تحمیل کند. مسأله دیگر که به نظر م فهم و پذیرش آن، اثرگذار و مثبت است این که بدانیم مشکل جامعه ایران را نمی توان فقط از زاویه فرهنگی و اخلاقی بررسی کرد بلکه می توان از زاویه قدرت و ابزار مهار قدرت نیز ارزیابی کرد. این دو عامل (قدرت، و ابزار کنترل آن) مرتبط به هم اند. اگر دموکراسی باشد قدرت، مطلق نمی شود. در ایران دموکراسی نبوده و نیست. پس قدرت دولتی، مطلق شده است. قدرت مطلق فساد تولید می کند و در نتیجه، مردم معترض او می شوند. قدرت مطلق برای کنترل مردم معترض به جای رفع فساد، خشونت بکار می برد. این سیکل باطلی است که متأسفانه جامعه ما گرفتار آن مانده است.

اما نکته ظریفی در واکاوی خشونت و عوامل پایداری آن وجود دارد که معمولا در فرآیند نقد خشونت، از سوی روشنفکران نادیده گرفته می شود و آن این است که خشونت فرد علیه فرد، با خشونت سازمان یافته دولتی، متفاوت است. هر چند وجه مشترک آنها «چالش قدرت» است. می دانیم که هر نوع قدرت استبدادی، چه فردی و چه جمعی، تحمل چالش را ندارد. اما وقتی این ماجرا به یک پدیده اجتماعی و سیاسی و سازمان یافته مانند «خشونت دولتی» بدل می شود واکنش طبیعی، خواه ناخواه به واکنش اجتماعی بدل می شود. اما واکنش اجتماعی یا جمعی در مقابل زورگویی قدرت استبدادی باید با عقلانیت فرهنگی و بکارگیری تجارب تاریخی همراه شود. از سوی دیگر، اعمال خشونت سیاسی از سوی دولت های استبدادی نه تنها برای حفظ قدرت، بلکه برای منافع اقتصادی نیز هست. این منافع جمعی و گروهی و گاهی طبقاتی است. بنابراین خشونت گران نیز جمعی و سازمان یافته و متحد عمل می کنند. اعمال خشونت نه توسط خود عوامل سرکوب (خودجوش)، بلکه با دستور و امریه، و توسط اجیر شدگان حرفه ای و آموزش دیده برای اعمال خشونت بر مردم، به اجرا در می آید. و معمولا هم زیر پوشش قانون و با پشتوانه نهاد قدرت) مانند پلیس و یا افراد تحریک شده، متعصب و گاهی اجبر شده اعمال می شود. در اینجا است که پیچیدگی مسأله و ابعاد چند لایه آن روشن تر می شود.

همانطور که قبلا هم گفتیم کسی خشونت را اجرا می کند که برای این کار آموزش دیده است و دستمزد دریافت می کند و به احتمال زیاد ذهنیت او را نیز آماده کرده اند. مثلا به او گفته می شود که بروید با مزدوران خارجی که می خواهند مملکت شما را بفرشند مقابله کنید. خوب، می بینید که مسأله بسیار پیچیده می شود و از معادله تک مجهولی خارج می گردد. یعنی شما با یک قضیه چند وجهی و بسیار پیچیده روبرو هستید. این ذهنیت را با اسلحه و خشونت نمی توان تغییر

داد. کما اینکه حاکمیت هم قادر نخواهد بود که با سرکوب مردم برای خودش مشروعیت کسب کند. در این صورت جنبش هم باید سازمان یافته، همراه با آموزش دو جانبه، یعنی حتی آموزش مجریان سرکوب (همراه با آموزش خود) و بکار گیری شیوه های متناسب و خردمندانه گام بردارد.  
**موسوی خوزستانی**: آقای علمداری، به عنوان آخرین پرسش، می خواهم از نقش «جامعه مدنی» در جوامع امروز از شما بپرسم و این که تا چه اندازه



سخنرانی ها، مقالات و اعلام مواضع خود حامی آزادی بیان بوده اند وظیفه خود می دانیم یادی نماییم از اعضای نهضت آزادی، سازمان مجاهدین انقلاب، کارگزاران سازندگی، مجمع روحانیون مبارز و ... به ویژه بیش از 30 عضو جبهه مشارکت و 5 عضو سازمان دانش آموختگان ایران [ادوار دفتر تحکیم وحدت] که تعدادی از آن ها، از جمله آقایان احمد زیدآبادی، محسن صفایی فراهانی، مصطفی تاج زاده، عبدالله مومنی و ... مدتهاست در زندان به سر می برند.

در میان فعالین جنبش های مدنی وظیفه خود می دانیم یادی نماییم از فعالیت های خیل کثیری از فعالین جنبش زنان، معلمان (آقای جعفر ابراهیمی)، کارگران و اقوام (آقای سعید متین پور) که در طول یک سال اخیر بسیاری از آن ها به زندان افتادند و همچنان از تلاش های خود فرو گذار نکرده اند.

### تقدیر ویژه

دفتر تحکیم دانشجویی کشور در پایان این بیانیه با اشاره به مواضع و دیدگاه های شجاعانه آیات عظام منتظری، صانعی و بیات و تحسین تلاش های موسوی و کربوبی در استیفای حقوق ملت، از هزاران زن و مرد و فعالان بی نام نشانی تقدیر کرده است که "طی ماه های اخیر علیه حاکمیت کودتایی به اعتراض" برخاسته اند: در نهایت با عنایت به مواضع روشنگرانه و شجاعانه آیات عظام منتظری، صانعی و بیات و همچنین آقای مهدی کربوبی و مهندس میرحسین موسوی که در حوادث پس از انتخابات به حق سکوت نمودند و همه سختی ها را به جان خریدند بایستی تقدیر و تشکر ویژه ای از هزاران زن و مرد این مرز و بوم که در اعتراض به فجایی که در چند ما گذشته روی داده است به اعتراض برخاسته اند و با وجود تمامی تهدیدها، بازداشت ها و داغ و درفش ها هنوز از پای ننشسته اند، بنماییم. انسان های بی نام و نشانی که اگر دستگیر، محاکمه و شهید شوند کمتر نامی از آن ها به گوش می رسد و آن هنگام که به زندان می افتند خانوادهایشان نگران و بی سر پناه و بدون حامی می مانند. اما با این وجود دلیرانه بارها به میدان آمده اند و در راه بسط آزادی بیان کوشیده اند.

از دیگر فعالینی که مورد تقدیر دفتر تحکیم قرار گرفته اند می توان به نویسندگانی چون عماد باقی، و وکلایی چون محمد مصطفایی، محمد علی دادخواه و ... اشاره کرد.

### جلوگیری از کنسرت موسیقی آذربایجانی

ممانعت از برگزاری کنسرت موسیقی آذربایجانی و اعتراضات دانشجویی در دانشکده شهید مهاجر اصفهان مسئولین دانشکده شهید مهاجر اصفهان مانع از برگزاری کنسرت موسیقی آذربایجانی دانشجویان دانشگاه های اصفهان در این دانشگاه شدند.

مسئولین دانشکده شهید مهاجر اصفهان مانع از برگزاری کنسرت موسیقی آذربایجانی دانشجویان دانشگاه های اصفهان در این دانشگاه شدند.

به گزارش هرانا به نقل از ساوالان سسی، مسئولین دانشگاه مهاجر اصفهان در جریان مراسم "معرفی فولکلور و موسیقی آذربایجان" در روز سه شنبه ۱۹ آبان ۱۳۸۸ که توسط دانشجویان آذربایجانی این دانشگاه ترتیب داده شده بود با قطع برق سالن محل برگزاری مراسم از اجرای کنسرت موسیقی آذربایجانی ممانعت کردند.

بدنبال قطع برق سالن محل برگزاری مراسم سیصد نفر از دانشجویان آذربایجانی و شرکت کنندگان در مراسم نسبت به ممانعت مسئولین دانشگاه از برگزاری این مراسم فرهنگی اعتراض کردند. اعتراضات دانشجویان چندین به ساعت به طول انجامید و در نهایت با حضور رئیس دانشگاه و عذرخواهی وی و تقبل برگزاری مراسمی دیگر با هزینه دانشگاه پایان یافت.

در سالهای اخیر ممانعت از برگزاری مراسمات فرهنگی آذربایجانی به نحو فزاینده ای افزایش یافته است به گونه ای که برگزار کنندگان و شرکت کنندگان در مراسمات فرهنگی همچون مراسم بزرگداشت سنارخان، روز جهانی زبان مادری و مراسمات جشن و عروسی با نمادهای آذربایجانی تحت فشار قرار گرفته و بازداشت می شوند و حکومت ایران از برگزاری چنین مراسماتی ممانعت می کند.

ممانعت از برگزاری مراسمات فرهنگی ترکی آذربایجانی در حالی صورت می گیرد که اصل پانزدهم قانون اساسی ایران بر برابری شهروندان بدون توجه به زبان فرهنگ دین و رنگ و نژاد تاکید کرده است.

### کردها زیر چوپه دار

گفتگو با وکیل زندانی کرد محکوم به اعدام

### ناگهان نوبت شیرکو شد



در حالی که تنها چند روز از اعدام احسان فتاحیان زندانی سیاسی کرد می گذرد، خبرها حاکی از آن است که شیرکو معارفی به بند قرنطینه ی زندان سفر انتقال یافته تا حکم اعدام وی نیز اجرا شود. در مورد وضعیت این زندانی کرد گفت و گویی با احمد سعید شیخی وکیل او انجام داده ایم.

وکیل مدافع شیرکو در گفتگو با روز در خصوص احتمال اجرای حکم موکلش می گوید: "اگر قرار باشد این حکم اجرا شود می بایست طبق قانون، پیش از اجرای حکم، دادگاه این موضوع را به وکیل ابلاغ نماید. اجرای حکم نیز باید بصورتی باشد که امکان حضور وکیل در محل اجرای حکم فراهم شود. تا دیروز 5 شنبه هیچ ابلاغ و حکمی در مورد اجرایی شدن حکم به من اعلام نشده است."

احمد سعید شیخی در عین حال می افزاید: "اما از آن جا که لایحه ی تجدید نظر ما مورد قبول دادگاه قرار نگرفته و لایحه ی اعاده ی دادرسی نیز از سوی دیوان عالی کشور رد شده است، امکان اجرای شدن حکم اعدام موکل کاملاً وجود دارد."

آقای شیخی با بیان اینکه اتهام موکلش شرکت در جنگ مسلحانه است تصریح می کند: "شیرکو در حال جنگ مسلحانه بازداشت نشده است. برای ادعای خود نیز استنادنامه ای از مردم همان روستا تهیه کرده ایم که به امضای 25 نفر از اهالی روستا رسیده و مردم شهادت داده اند که شیرکو در حالی که فرصت فرار یا درگیری را داشته است، اما از هرگونه اقدام خشونت آمیزی خودداری کرده و درخواست امان نیز کرده است."

وکیل شیرکو معارفی در ادامه یادآور می شود: "شیرکو در هیچ جنگ مسلحانه ای علیه جمهوری اسلامی شرکت نداشته است. او از چندین سال پیش در کردستان عراق مشغول کار بوده که مدارک اشتغال شیرکو در آنجا، به تایید حکومت فدرال کردستان عراق رسیده است. همه ی این مدارک در اختیار دادگاه تجدید نظر و دیوان عالی کشور قرار گرفته. اما متأسفانه استنادات حقوقی و فقهی و نیز مدارک و اسناد موجود به تایید دادگاه تجدید نظر و دیوان عالی کشور نرسیده است."

احمد سعید شیخی در خاتمه با اشاره به اخبار حاکی از احتمال اجرای قریب الوقوع حکم اعدام موکلش می گوید: "ما از کمیته عفو و بخشودگی نیز برای آقای معارفی درخواست بخشش کرده بودیم که این درخواست چند وقت پیش به تهران ارسال شده است و همچنین در حال تنظیم لایحه و نامه ای بوده ایم مبنی بر درخواست اعاده دادرسی به دستور رییس قوه ی قضاییه که فردا خانواده اش آن را به دفتر ایشان ببرند. اما در چنین شرایطی ناگهان چنین اخباری منتشر شده و این خبر همه ی ما را نگران کرده است."

شهابالدین شیخی

### واکنش فعالان حقوق بشر به حکم شیرکو

#### معارفی

تنها سه روز بعد از اعدام احسان فتاحیان، فعال سیاسی کرد، برخی اخبار از احتمال اعدام شیرکو معارفی حکایت دارد.

شیرکو معارفی از فعالان سیاسی و مدنی کرد است که سال گذشته در شهرستان سقز دستگیر و در دادگاه به اعدام محکوم شد. این فعال سیاسی، اهل بانه است و 30 سال سن دارد. او که به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و محاربه با خدا به اعدام محکوم شده است از نهم مهرماه سال ۱۳۸۷ تاکنون در بازداشت اداره اطلاعات و زندان شهر سقز است.





## راههای سبز

### نامه سرگشاده پدر و مادر شیرکو معارفی نگذارید فرزند ما را اعدام کنند

شیرکوه معارفی، در خطر اعدام قرار دارد. این خبری است که از دو روز پیش بارها و بارها از رسانه های گوناگون پخش شده و نگرانی ما اعضای خانواده معارفی را صد چندان کرده است.

هم چنین بر اساس آخرین خبرهایی که به ما رسیده، ماموران زندان سقز از روز پنجشنبه شیرکوه را به سلول انفرادی بند اجرای احکام منتقل کرده اند. بنا بر این ما از این خبرها و دیگر اخباری که از باقی ماندن تیم اعدام در سنندج و سفر قریب الوقوع رییس کل دادگستری استان کردستان به شهرستان سقز حکایت دارد چه نتیجه ای می توانیم بگیریم به جر اینکه همه چیز دست به دست هم داده است تا شیرکوه را به چوبه ی دار بسپارند؟

بر همین اساس و نیز بر مبنای آنچه که وکلای زبردست ایرانی بر آن اتفاق نظر دارند، شیرکوه تنها به اتهام هواداری از حزبی که که سالهاست از مبارزه مسلحانه علیه حکومت جمهوری اسلامی دست کشیده و وارد فاز تبلیغاتی و فرهنگی شده، محکوم به محاربه با جمهوری اسلامی شده و حکم اعدام وی نیز در یک دادگاه چند دقیقه ای صادر شده است. هم چنین تقاضای تجدید نظر در حکم که از سوی وکیل شیرکوه مطرح شد نیز راه به جایی نبرد و بدتر از آن حکم در دیوان عالی کشور ایران هم به تایید رسید!

لذا ما به عنوان اعضای خانواده و نزدیکان شیرکوه معارفی از تمامی مجامع بین المللی و حقوق بشری تقاضا داریم تا ضمن دفاع از حقوق اولیه و ابتدایی یک زندانی سیاسی، نسبت به اعدام شیرکوه با حکومت جمهوری اسلامی وارد مذاکره شده و مسوولان این حکومت را که داعیه مذهبی بودن دارد را متقاعد کنند که این حکم اجرا نشود. ما اعضای خانواده معارفی بر این باوریم که اگر شیرکوه مرتکب اعمالی شده است که از نظر قوانین جمهوری اسلامی جرم محسوب می شوند نیز بر اساس همان قوانین اسلامی می توان به او فرصت داد، فرصت دوباره زیستن و دوباره بودن را.

و در آخر اینکه اعدام مطابق قوانین مجازات اسلامی در ایران اشد مجازاتی است که دستگاه قضایی برای یک متهم در نظر می گیرد، در حالی که رافت و مهربانی نیز از بارزترین ویژگی های تمام ادیان آسمانی، به خصوص اسلام به شمار می آید و ما انتظار داریم تا جوانان این آب و خاک بر مبنای همین مهربانی ها مورد قضاوت قرار گیرند. آیا این انتظار توقع زیادی است که یک پدر پیر و مادر دل شکسته دارند؟

۱۳۸۸/۸/۲۳

**خانواده معارفی**

شهرستان بائه - ایران

است، سازمان عفو بین الملل، اعدام احسان فتحاحیان که روز چهارشنبه صورت گرفت و دو حکم اعدام دیگر را به انتقام از ترورها و تلاش ها برای ترور مقامات استان کردستان مربوط دانسته است.

#### شبیه در اعدام احسان فتحاحیان

احسان فتحاحیان که روز چهارشنبه اعدام شد، 28 سال سن داشت و در شهرستان کامیاران در استان کردستان به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در احزاب اپوزیسیون مسلح" (حزب کومله) دستگیر شده بود. او در دادگاه به ده سال زندان محکوم شده بود اما دادگاه تجدید نظر حکم او را به اعدام تغییر داد و حکم اعدام این فعال سیاسی به صورتی شتابزده به اجرا درآمد. بر اساس گزارش "خبرگزاری دیده بان حقوق بشر کردستان" جنازه آقای فتحاحیان روز پنجشنبه "به شرط برگزاری بی سر و صدای مراسم تدفین" به خانواده او تحویل داده شد و پس از انتقال به کرمانشاه در گورستان باغ فردوس این شهر دفن گردید. شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل، سرعت روند دفن احسان فتحاحیان را باعث "شک بیشتر" دانسته و به بی بی سی گفته است: "بسیار غیر معمول است که بخوانند کسی را به این فوریت اعدام بکنند، حتی اجازه ندهند که شب آخر خانواده اش را ببیند، ... این یک شیوه بسیار غیر معمولی است که شک را در مورد اینکه اساسا علت مرگ چه بوده بیشتر می کند".

به گفته خانم عبادی، "با توجه به رفتار نامناسبی که در زندان های ایران متأسفانه باب شده، خصوصا با زندانیان سیاسی" می توان تردید درباره علت مرگ احسان فتحاحیان را جایز دانست". از سوی دیگر عبدالکریم لاهیجی، نایب رئیس فدراسیون بین المللی حقوق بشر در خصوص روند اعدام آقای فتحاحیان به رادیو فردا گفته است "ما تردید نداریم که قتل این جوان در اثر شکنجه بوده و برای پنهان کردن آثار شکنجه او را به صورت ظاهری اعدام کردند و یا او را اعدام کردند چون می دانستند عمر او به روزهای آخر رسیده و با این اعدام صوری خواسته اند جنایات خود را مخفی کنند". وی افزوده است: "نحوه محکومیت او برای ما شگفت آور بود، چون در مرحله تجدید نظر یا همان مجازات مرحله بدوی تایید می شود و یا در بسیاری مواقع در این مجازات تخفیف داده می شود. این که یکبار مجازات ۱۰ سال حبس را به اعدام تبدیل کنند برای ما بسیار تعجب آور بود، به خصوص این که از همان مجرا به ما خبر رسیده بود که در زندان هم این جوان را تحت فشار شدید و شکنجه قرار داده بودند تا جلوی دوربین تلویزیون اظهار ندامت کرده و حزب کومله را محکوم کند".

در حال حاضر، زینب جلالیان، حبیب لطیفی، رمضان احمد، فرهاد چالش، رستم ارکیاء، فصیح یاسمنی، رشید آخ کندی، علی حیدریان، فرهاد وکیلی، حسین خزری و فرزاد کمانگر، ۱۲ زندانی کرد دیگر هستند که با حکم اعدام در زندان هستند و نگرانی ها از احتمال اجرای حکم آنان، شدت گرفته است.

**فرشته قاضی**

### استمداد خانواده معارفی از مجامع بین المللی

خانواده شیرکو معارفی با انتشار نامه ای سرگشاده خطاب به مجامع بین المللی و سازمان های حقوق بشری اعلام کرده اند که فرزندشان در خطر اعدام قرار دارد.

این خانواده با ابراز نگرانی شدید از وضعیت فرزندشان نوشته اند: بر اساس آخرین خبرهایی که به ما رسیده، ماموران زندان سقز از روز پنجشنبه شیرکو را به سلول انفرادی بند اجرای احکام منتقل کرده اند. بنا بر این ما از این خبرها و دیگر اخباری که از باقی ماندن تیم اعدام در سنندج و سفر قریب الوقوع رییس کل دادگستری استان کردستان به شهرستان سقز حکایت دارد چه نتیجه ای می توانیم بگیریم به جر اینکه همه چیز دست به دست هم داده است تا شیرکو را به چوبه دار بسپارند؟

در این نامه تصریح شده است: ما به عنوان اعضای خانواده و نزدیکان شیرکو معارفی از تمامی مجامع بین المللی و حقوق بشری تقاضا داریم تا ضمن دفاع از حقوق اولیه و ابتدایی یک زندانی سیاسی، نسبت به اعدام شیرکو با حکومت جمهوری اسلامی وارد مذاکره شده و مسوولان این حکومت را که داعیه مذهبی بودن دارد را متقاعد کنند که این حکم اجرا نشود.

#### برهم زدن آرامش کردستان

همزمان آقای بهرامیان، وکیل آقای معارفی با بیان اینکه مولکش عضو کومله نبوده و فقط هوادار این حزب بوده است اعلام کرده که "بنا به شهادتنامه ای که اهالی روستا امضا کرده اند، وقتی پاسدارها برای دستگیری شیرکو آمده بودند، وی اسلحه اش را تحویل داده و خود را تسلیم کرده و بر این اساس، اتهام محاربه در این پرونده صدق نمی کند". او تاکید کرده است: "استنباط من این است که جریان تندروانه ای در منطقه کردستان در پی نوعی انتقامجویی، چپروی و یا ماجراجویی است که آرامشی را که در کردستان وجود دارد، بر هم بزند که خواناخواه، برهم خوردن این آرامش به نفع کشور ما نیست".

این وکیل دادگستری، قضات را متهم به تندروی کرده و به رادیو زمانه گفته است که "آقایان قضات تابع دستورات مقامات امنیتی هستند و این صحیح نیست. اگر قرار بود مقامات امنیتی رأی صادر کنند، بهتر می بود که اصلا دادگاهی تشکیل نمی شد؛ آن ها خودشان می گرفتند، خودشان متر می کردند، خودشان می دوختند و خودشان اجرا می کردند".

#### هشدار عفو بین الملل

از سوی دیگر، روز گذشته سازمان عفو بین الملل با صدور بیانیه ای از مقامات ایرانی خواست که حکم اعدام این جوان کرد ایرانی را متوقف کنند. عفو بین الملل همچنین هشدار داده است که یک کرد ایرانی دیگر به نام حبیب الله لطیفی نیز در معرض اعدام قرار دارد.

در حالیکه هیچ گروهی مسولیت ترورهای شهریور ماه گذشته در کردستان را که طی آنها رئیس شورای شهر سنندج و نماینده کردستان در مجلس خبرگان کشته و دو قاضی زخمی شدند را بر عهده نگرفته



## راههای سبز

حتی با توجه به گذشت بیش از یک ماه از تکمیل تحقیقات کمیته های ویژه مجلس درباره این حوادث و بنا بر برخی فشارهای صورت گرفته، تاکنون این گزارش ها نیز در مجلس قرائت نشده و به اطلاع عموم نرسیده است. در همین باره سه هفته پیش "پرویز سروری" رییس کمیته ویژه بررسی وضعیت بازداشت شدگان حوادث اخیر درباره علت این تاخیرهای چندباره تنها اظهار داشت: "باتوجه به در دستور کار بودن لایحه هدفمندکردن یارانه ها قرائت این گزارش به پس از بررسی این لایحه موکول شده است."

این درحالی است که پیش از این، کاظم جلالی یکی از اعضای کمیته بررسی وضعیت بازداشت شدگان حوادث اخیر پس از افزایش قتل و شکنجه بازداشت شدگان در بازداشتگاه هابی نظیر کهریزک و درحالی که برخی از چهره های نظامی و سیاسی حامی دولت در مقابل طرح این حقایق موضع گیری کرده بودند، گفته بود: "متاسفم از اینکه اعلام نمایم دستهایی در کار است تا همه مسائل در بسته ابهام و اجمال بماند و تلاش می نمایند تا از همه ظرفیت های نظام برای رفع این مسائل استفاده نشود." همچنین حمیدرضا کاتوزیان یکی از اعضای کمیته حقیقت یاب مجلس نیز در همین باره اعلام کرده بود که "این کمیته نباید تسلیم فشارهای موجود شود و باید گزارش جامعی برای ارائه به مجلس تهیه کند."

با این حال اما همچنان ارایه گزارش این کمیته ها و همچنین معرفی آمران و عاملان سرکوب و قتل و شکنجه معترضان به نتیجه انتخابات تاکنون به تعویق افتاده است و آخرین خبر در این مورد به اظهارات روز گذشته فرهاد تجری باز می گردد که گفت: "به احتمال 90 درصد این گزارش در جلسه علنی مجلس قرائت می شود." به عبارتی به گفته او باز هم زمان دقیق اعلام و قرائت این گزارش ها مشخص نیست.

این عضو کمیته ویژه مجلس در توجیه این همه تاخیر برای ارایه و قرائت گزارش این کمیته ها نیز بی اعتنا به حساسات افکار عمومی درباره معرفی آمران و عاملان جنایات صورت گرفته در حوادث اخیر اظهار داشت: "یکی از دلایل تاخیر قرائت گزارش این بود که ما منتظر زمانی بودیم که برنامه کاری مجلس مقداری سبک شود به عبارت دیگر مجلس در زمانی که به فراق بال رسیده باشد این گزارش را قرائت می کند تا این گزارش تحت الشعاع برنامه های مجلس قرار نگیرد."

### آمران و عاملان اصلی

در اظهار نظری جداگانه، چند هفته پیش "پرویز سروری" رییس کمیته ویژه مجلس برای پیگیری وضعیت بازداشت شدگان حوادث اخیر گفت وگویی با هفته نامه پنجره با اشاره به این که "با توجه به دستورات رییس قوه قضاییه هیچکس بدون اجازه دادستان نباید به کهریزک اعزام می شد" دادستان وقت تهران را به عنوان یکی از متخلفان بازداشتگاه کهریزک معرفی کرده بود. پرویز سروری درباره نقش "سعید مرتضوی" در این مساله گفته بود که "مسئله قاضی مربوطه در این پرونده دستور داده بود، اما قاضی طبیعتاً با دادستان باید هماهنگی می کرده است."

پیش از این رسول جلالی رییس کل دادگستری کهریزک نیز اظهار داشته بود که "از آنجایی که افرادی که بازداشت شدگان را به این بازداشتگاه معرفی کرده اند در تهران بوده اند و افراد دستگیر شده در درگیری ها و اغتشاشات نیز در تهران بوده اند موارد به دادگستری کهریزک مربوط نمی شود و ما از آن بی اطلاع هستیم."

از جمله کسان دیگری که بنا بر گفته و نوشته های برخی از بازداشت شدگان بازداشتگاه کهریزک خود در این بازداشتگاه حاضر شده و به بازجویی و ضرب و شتم بازداشت شدگان می پرداخت و یکی از عاملان اصلی تخلفات صورت گرفته در کهریزک به شمار می آید "احمدرضا رادان" جانشین فرمانده نیروی انتظامی است که تاکنون درباره نقش خود در این باره سکوت کرده است. همچنین بنا بر اظهارات برخی از نمایندگان مجلس یکی دیگر از آمران اصلی فجاجع روی داده در بازداشتگاه

## چرا پزشک بازداشتگاه کهریزک خودکشی کرد؟



درحالی که آمران کشتار و شکنجه بازداشت شدگان کهریزک با اعمال فشارهای سیاسی و مصونیت آهنین تاکنون از هرگونه پیگرد قضایی گریخته اند، روز گذشته برخی از وبسایت های اینترنتی از خودکشی پزشک بازداشتگاه کهریزک که در جریان رسیدگی به تخلفات صورت گرفته در این بازداشتگاه مورد بازخواست قضایی قرار گرفته بود، خبر دادند.

در همین باره وبسایت اینترنتی نوروز خبر داد که "دکتر رامین پورارزجانی، که دوران خدمت سربازی خود را به عنوان پزشک در بازداشتگاه کهریزک سپری می کرد در پی اتفاقاتی که بعد از آشکار شدن وقایع بازداشتگاه کهریزک به وقوع پیوست، خودکشی کرده است." این وبسایت اینترنتی وابسته به حزب مشارکت ایران اسلامی درباره علت خودکشی این پزشک جوان نیز خبر داد: "رامین پورارزجانی، پزشک 26 ساله، متهم می شود که در ماجرای شهادت زندانبان کهریزک مرتکب قصور پزشکی شده است و تهدید می گردد که پروانه پزشکی اش لغو و برای 5 سال راهی زندان خواهد شد." خبر خودکشی پزشک بازداشتگاه کهریزک

درحالی صورت می گیرد که پیش از این اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی کشور درباره رسیدگی به تخلفات صورت گرفته در بازداشتگاه کهریزک گفته بود: "یک مسوول حفاظتی و نظارتی که باید تخلفات را گزارش می کرد، به همراه مسوول اردوگاه برکنار و بازداشت شده اند."

همچنین فرهاد تجری عضو کمیته ویژه مجلس برای بررسی وضعیت بازداشت شدگان پس از انتخابات نیز در هفته پایانی مهرماه با تکذیب خبر آزادی برخی از مأموران بازداشت شده در رابطه با بازداشتگاه کهریزک، تعداد بازداشت شدگان این پرونده را 8 نفر اعلام کرده و گفته بود "این هشت نفر همچنان در بازداشت هستند." در جریان سرکوب و بازداشت های گسترده معترضان به نتیجه انتخابات، تعداد زیادی از بازداشت شدگان به کهریزک منتقل شده بودند که در این بازداشتگاه غیر قانونی، دست کم 3 تن از بازداشت شدگان؛ محسن روح الامینی، امیر جواد فر و محمد کامرانی جان باختند و بسیاری دیگر تحت شدیدترین شکنجه ها قرار گرفتند. در همین ارتباط به گفته محمداکرم بهرامی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح "بیش از 145 نفر در مرحله تحقیقات نهایی از متهمان این پرونده به عنوان شاکی حضور داشتند."

### فشار بر کمیته تحقیق مجلس

خبر خودکشی پزشک بازداشتگاه کهریزک درحالی روز گذشته توسط سایت های اینترنتی منتشر شد که با گذشت بیش از پنج ماه از انتخابات ریاست جمهوری و حوادث روی داده در کشور مانند بازداشت گسترده فعالان سیاسی و معترضان به نتیجه انتخابات، شکنجه و قتل برخی از بازداشت شدگان در بازداشتگاه ها و همچنین حمله نیروهای امنیتی و انتظامی به کوی دانشگاه تهران، همچنان دستگاه قضایی کشور از معرفی و محاکمه آمران و عاملان این حوادث خودداری کرده است.

این درحالی است که نمایندگان کمیته مشترک میرحسین موسوی و مهدی کروبی برای رسیدگی به این حوادث و جنایات از جمله علیرضا بهشتی، مرتضی الویری و ابراهیم امینی در طول ماه های گذشته بازداشت شدند و

## عفو بین الملل خواستار لغو حکم اعدام شرکو معارفی شد

سازمان عفو بین الملل در روز جمعه با انتشار بیانییه ای از جمهوری اسلامی خواسته است، هر چه زودتر حکم اعدام شرکو معارفی، شهروند کرد ایرانی، را که به محاربه متهم شده است، لغو کنند.

این شهروند کرد ایرانی به دلیل عضویت در یک گروه «غیرقانونی» از سوی دادگاهی در استان کردستان به اتهام «محاربه با خدا» به اعدام محکوم شده است.

در بیانییه سازمان حقوق بشری عفو بین الملل که مقر آن در لندن است آمده، شرکو معارفی پنجشنبه گذشته به بند انفرادی در زندان سقز منتقل شده و احتمال می رود حکم اعدام وی به زودی به اجرا گذاشته شود.

عفو بین الملل همچنین می افزاید، یک کرد ایرانی دیگر با نامه حبیب الله لطیفی نیز در معرض خطر اعدام قرار دارد.

مقام های قضایی جمهوری اسلامی چهارشنبه گذشته با نادیده گرفتن اعتراض های جهانی و درخواست های سازمان های طرفدار حقوق بشر یک زندانی سیاسی دیگر کرد به نام احسان فتاحیان را در زندان سنندج به اتهام محاربه اعدام کرده بودند.

به دنبال اعدام احسان فتاحیان، شهروند ۲۷ ساله کرد ایرانی، سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانییه ای این اقدام مقام های قضایی جمهوری اسلامی را به شدت محکوم کرده بود.

احسان فتاحیان در تیرماه سال ۱۳۸۷ در کامیاران دستگیر و در دادگاه بدوی به اتهام «عضویت در احزاب مسلح اپوزیسیون» به ۱۰ سال زندان محکوم شده بود، اما دادگاه تجدیدنظر، وی را به اتهام «محاربه»، به اعدام محکوم کرد.

هر چند اتهام عضویت در «احزاب مسلح اپوزیسیون» ناظر بر عضویت احسان فتاحیان در حزب کوموله کردستان است، اما یکی از اعضای خانواده وی به رادیو فردا گفته است، خانواده وی تا پیش از دستگیری اش از عضویت وی در این گروه اطلاع نداشته اند.

در بیانییه روز جمعه عفو بین الملل این گونه اعدام ها به عنوان اقدامی تلافی جویانه در قبال ترور شماری از کارکنان دولتی در استان کردستان در فاصله نهم تا نوزدهم سپتامبر سال جاری ارزیابی شده است.

بر اساس اعلام عفو بین الملل دست کم ۱۰ مرد و یک زن کرد، به اتهام عضویت در سازمان ها و گروه های کرد و حمایت از آنها، در زندان های ایران در انتظار اجرای حکم اعدام هستند.

عفو بین الملل با تأکید بر لزوم لغو احکام صادر شده اعدام در ایران از این اقدام به عنوان گام نخست در راه لغو کامل مجازات اعدام در جمهوری اسلامی نام برده است



## راههای سبز

### رئیس دولت کودتا امضاء کرد قرارداد ترکمانچای با ترکیه

با پایان سفر محمود احمدی نژاد به ترکیه و دومین دیدار وی در ماه جاری با رجب طیب اردوغان، رسانه های ترکیه ای عیاد جدیدی از یک توافق نامه اقتصادی بی سابقه میان دولت کودتا و این کشور را منتشر کردند. این در حالیست که رسانه های دولتی پیش از این گزارش های مربوط به این باج دهی بی سابقه را «بی اساس» خوانده بودند.

دو هفته قبل که اردوغان به همراه «هیأت اقتصادی ۲۰۰ نفره» به تهران وارد شد، هیچ خبرگزاری داخلی ای، گزارشی از عقد این قرار داد بی سابقه در تاریخ تجاری ایران رانشر نکرد. حتی در آن زمان خبرگزاری نیمه دولتی ایسنا طرح چنین ادعایی از سوی مقامات ترک را «بی اساس» دانست، هر چند سه روز بعد از خروج اردوغان از ایران، همان گزارشی را که بی اساس دانسته بود، به عنوان یک «گزارش اختصاصی» منتشر کرد. بر اساس این توافق اقتصادی، ترکیه ۵۰ درصد سود خالص از فروش گاز ایران را برای بازاریابی در اروپا از آن خود کرده است.

یک کارشناس مسائل نفتی در مصاحبه با روز علت بی سابقه بودن این قرار داد را، صرف نظر کردن ایران از سهم مالکانه خود عنوان کرد و افزود: «تا پیش از این و بر اساس عرف بین المللی در حوزه میادلات اقتصادی، تمامی قراردادهای به شکل سهام ۴۹ درصد و ۵۱ درصد تنظیم می شد؛ ولی این برای اولین بار است که ایران به دلایل نامشخصی چنین امتیاز استثنائی ای را به طرف ترک اعطاء کرده است تا سودی ۵۰ درصدی از یک قرارداد ملی ایرانی به دست آورد».

به گفته این کارشناس یکی از دلایل اصلی اعطاء این امتیاز استثنائی به دولت ترکیه، واهمه ایران از زمان تعیین شده در قرار داد با این کشور در حوزه پارس جنوبی، پس از خروج شرکت توتال از کنسرسیوم پارس جنوبی است که فرصت عقد قرار داد با کشور های دیگر را به دلیل زمان قرارداد با ترکیه که ۱۵ سال است، از ایران می گیرد و در عوض فرصت را در اختیار قطر، برای برداشت مازاد از ذخایر مشترک دریایی پارس جنوبی قرار می دهد.

تلوویزیون دولتی ترکیه هم طی روزهای گذشته با برجسته سازی توافقات اقتصادی ایران و ترکیه، سفر احمدی نژاد برای شرکت در کنفرانس کشورهای اسلامی را فرصتی برای نهایی کردن این توافق نامه عنوان کرده بود.

روزنامه اصلاح طلب آفتاب یزد، پیش از سفر احمدی نژاد دبه ترکیه در سرمقاله ای از وی خواسته بود به شکلی شفاف درباره این توافق نامه اظهار نظر کند.

آفتاب یزد نوشته بود: «با توجه به اینکه طرح این ادعا توسط تلویزیون دولتی و به نقل از بالاترین مقام اجرایی ترکیه، به آن رسمیت بخشیده است اکنون احمدی نژاد می تواند با تکذیب این ادعا در پایتخت ترکیه پرونده موضوع را ببندد. ای کاش به جای خبرنگاران صدا و سیما که روش معمول آنها در مواجهه با احمدی نژاد، فراهم کردن بستر برای سخنرانی به جای طرح سوال چالشی است، تعدادی از خبرنگاران منتقد در سفر به ترکیه حضور

بحث هسته ای ایران نمی زند. با این حال وی، متحدانش و منصوبان وی صاحب نفوذ فوق العاده ای در شورایی عالی امنیت ملی کشور هستند که تحت نظارت رهبر عالی کشور فعالیت می کنند.

لحن و سخنان احمدی نژاد، حاکی از آن است که امکان توافق هنوز وجود دارد. مقامات صاحب نفوذ ایران و حتی مخالفان اصلاح طلب احمدی نژاد تأکید کرده اند که تبادل سوخت هسته ای در جهت منافع ملی ایران نیست و به این ترتیب مناظره بر سر قبول، رد یا تعدیل پیشنهاد یاد شده همچنان ادامه دارد.

در همین حال، مقامات ارشد و رهبران روسیه، قطر و ترکیه- کشورهایی که به روابط نزدیک خود با ایران ادامه می دهند- در تلاش برای متقاعد ساختن ایران به همکاری، با همتایان ایرانی خود دیدارهایی داشته اند.

احمدی نژاد گفت اکنون زمان آن رسیده است که ایران به دستاوردهای هسته ای خود پایبند بماند. وی گفت: «متوقف ساختن برنامه هسته ای ما، دیگر موضوع بحث نیست. ما به نقطه همکاری با قدرت های هسته ای از مجرای آژانس بین المللی انرژی هسته ای رسیده ایم».

برزو درآگاهی

### اعلام تسلیم سرلشگر فیروزآبادی به او با ما

48 ساعت پس از سخنرانی کوتاه او با ما درباره بی ثباتی سیاسی در ایران و نبودن یک مرکز با ثبات تصمیم گیرنده در باره فعالیت های اتمی ایران، سرلشگر فیروزآبادی رئیس ستاد مشترک نیروهای نظامی جمهوری اسلامی موافقت خود را با توافق ژنو اعلام کرد. او گفت از تبادل سوخت زیان نخواهیم کرد. ایران با به دست آوردن سوخت با غلظت 20 درصد مورد نیاز راکتور تحقیقاتی، هم «حقیقت خود را در فعالیت هسته ای صلح آمیز به کرسی می نشاند و هم یک میلیون نفر از مردم از امکانات ناشی از آن استفاده خواهند کرد».

سرلشگر فیروزآبادی با این سخن، اولاً نشان داد آنچه که احمدی نژاد در همین ارتباط در مشهد گفت، سخن فیروزآبادی و با حمایت او بود که جرات کرد بگوید و دوم این که سرلشگر فیروزآبادی خواست به آمریکا بگوید ثبات سیاسی در کجاست و سکندارارش کیست!

او با ما در سخنرانی خود به مناسبت ششمین سالگرد نظامی بدست یک سرگرد ارتش این کشور، به رد موافقت های اتمی ژنو که جلیلی دبیرشورای امنیت ملی جمهوری اسلامی آن را امضاء کرده است، گفت که در ایران ثبات سیاسی وجود ندارد و مرکز تصمیم گیری واحدی وجود ندارد.

سخنرانی سرلشگر فیروزآبادی که گفته می شود دولت احمدی نژاد زیر دست وی کار می کند و رهبری کودتای 22 خرداد نیز برعهده وی بوده است، در اظهار نظری که با تعجب خبرگزاریهای جهانی روبرو شد، توافق ژنو را پذیرفت. این توافق پیشتر توسط علی خامنه ای رد شده بود، که گفته می شود دلیل آن اعلام مخالفت موسوی با مفاد این توافق و جبهه گیری های جدید در میان فرماندهان سپاه بوده است.

سرلشگر فیروزآبادی، درکنار این اظهار نظر، از روسیه نیز به این دلیل که موشک های S300 را به جمهوری اسلامی تحویل نداده انتقاد کرد. تحویل این موشک ها مطابق توافق صورت گرفته 6 ماه پیش باید انجام می شد. از پیشرفته ترین موشک های S300 موشک های 300 ضدهوایی در جهان است که می تواند 100 هدف را در آسمان دریایی کند و جمهوری اسلامی آنها را برای ایجاد سپری دفاعی برای تأسیسات اتمی خود نیازمند است.

کهریزک، اسماعیل احمدی مقدم باجناق محمود احمدی نژاد و فرمانده نیروی انتظامی کشور است. به گفته جمشید انصاری رییس کمیته سیاسی فراکسیون اقلیت مجلس «در اولین اقدام با توجه به مسئولیت مستقیم سرتیپ احمدی مقدم در حوادث اخیر باید نسبت به برکناری وی اقدام شود». تمام این واکنش ها در شرایطی صورت گرفته که به اعتقاد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران از جمله احزاب اصلاح طلب در کشور «مسئول نهایی و پاسخگوی اصلی حوادث این زندان که زیر نظر نیروی انتظامی اداره می شده است، شخص آقای احمدی نژاد به عنوان رئیس شورایی عالی امنیت ملی و آقای محسولی به عنوان وزیر کشور و رئیس شورای امنیت کشور است»؛ چرا که به باور این سازمان: «این دو تن مسئول تمام تخلفات و رفتارهای غیر قانونی و اسفناک» در حوادث اخیر کشور «از جمله در زندان کهریزک علیه شهروندان هستند».

بهرام رفیعی

### سیاست خارجی

#### لوس آنجلس تایمز:

### درخواست احمدی نژاد برای همکاری

رئیس جمهور ایران در یک برنامه تلویزیونی شامگاهی با لحنی سازش طلب، خواستار همکاری بین المللی در زمینه فن آوری هسته ای شد. موضع وی در تضاد آشکار با سخنان سرسختانه مقامات ارشد جمهوری اسلامی در قبال پیشنهاد اخیر سازمان ملل بود.

هرچند محمود احمدی نژاد مستقیماً از طرح آژانس بین المللی انرژی هسته ای مینی بر انتقال اورانیوم غنی شده ایران به یک کشور دیگر و دریافت سوخت هسته ای برای استفاده در راکتور تولید محصولات پزشکی حمایت نکرد، اما گفت ایران به اندازه کافی قدرتمند و مطمئن است که می تواند همکاری با سایر کشورها و نهاد ناظر هسته ای سازمان ملل برای توسعه برنامه هسته ای خود را در دستور کار قرار دهد.

وی گفت: «امروز، شرایط هسته ای ایران باثبات است و ما اکنون وارد مرحله همکاری و مبادله هسته ای شده ایم. مسئله مهم امروز، همکاری بین المللی هسته ای برای تأسیس نیروگاه های هسته ای، راکتورها و حتی مشارکت ایران در بانک جهانی سوخت است. ما اقلام و دانش فنی مورد نیاز را در اختیار داریم... اما همواره جا برای بده بستان، همکاری و سرمایه گذاری وجود دارد».

دولت او با ما، متحدان اروپایی آمریکا و نهادهای نظارتی بین المللی در انتظار دریافت پاسخ روشن ایران به این سؤال هستند که آیا این کشور 70 درصد از اورانیوم غنی شده خود را برای فرآوری بیشتر و تبدیل آن به میله های سوختی قابل استفاده در راکتور پزشکی به روسیه و فرانسه خواهد فرستاد یا خیر؟ این توافق در جهت کاستن نگرانی بین المللی از قابلیت ایران در انحراف به سوی تولید تسلیحات هسته ای و نیز احتمال پایه گذاری یک توافق جامع تر در آینده تنظیم شده است.

**احمدی نژاد که سعی می کند پس از انتخاب مجدد بحث انگیز خود در خرداد ماه گذشته و ناآرامی های متعاقب آن در کشور، برای خود اعتبار بین المللی و محبوبیت داخلی کسب کند، حرف آخر را در زمینه**





## راههای سبز

پیشنهاد کمک قطر را پذیرفتیم چون می خواهیم صلح برقرار شود بگذریم که قربانی های این جنگ هم همه از مردم یمن هستند. اما نتیجه این شد که شورش های فکر کردند قوی هستند و به هیچ یک از موارد توافق صورت گرفته احترام نگذاشتند". البته این چیزی است که شورشیان یمن تکذیب می کنند. عانسی در ادامه می افزاید: "الآن آن ها مایلند که مسئله صورت بین المللی به خود بگیرد چون به نفع شان است اما ما میانجیگری دیگری را قبول نخواهیم کرد".

از آقای عانسی علت ادامه جنگ را جویا می شویم. می گوید: "ما مرتکب اشتباهاتی شدیم اما اشتباهاتمان را جبران کردیم و مردم از ما برای حل این مسئله حمایت می کنند".

حکومت پادشاهی عربستان نگران از وجود بی ثباتی در مرزهای شمالی خود به کمک علی عبدالله صالح شتافته است اما یمن پیشنهاد کمک ایران را که از سوی وزیر امور خارجه این کشور، منوچهر متکی اعلام شده رد کرده است. عانسی صراحتاً ایران را متهم می کند که در ادامه جنگ نقش دارد و اظهار می دارد که تهران، به رغم تکذیب مقامات ایران، از شورشیان حمایت می کند. وی با اطمینان می گوید: "رسانه های رسمی ایران آشکارا از آن ها حمایت می کنند" ضمن آنکه فعالیت های دیپلمات های ایرانی مستقر در یمن را زیر سوال می برد. وی می گوید مدارک به دست آمده در صحنه های جنگ حاکی از حمایت بعضی از این دیپلمات ها از شورشیان است و می افزاید: "حوتی ها از گروه های شیعه بحرین و کویت و امارات کمک دریافت می کنند اما حمایت ایرانی ها از آن ها از قدیم وجود داشته و تاریخچه اش به پیش از آغاز جنگ برمی گردد. حسین علی حوتی و پدرش بدر الدین در دهه 80 [ میلادی ] در قم ساکن بودند و از آن به بعد بود که شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل در میان طرفداران ایشان رایج شد. با وجود همه این ها فکر قطع رابطه با برادران ایرانی به مغزمان هم خطور نکرده است".

به گفته گروه های سیاسی مخالف جنگ شمال باعث سخت تر شدن مواضع حکومت شده که بازتاب آن را بیش از همه می توان در تشکیل پرونده در محاکم قضائی برای مطبوعات کشور دید. اما رئیس دفتر عبدالله صالح ضمن رد اتهام فرد گرانی که از جانب مخالفان به حکومت وارد می شود معتقد است که مخالفان حکومت متشکل از سوسیالیست های سابق جنوب و ناصری ها و اسلامگرایان حزب اصلاح "خودشان هم نمی دانند چه می خواهند". به گفته وی آخرین انتخاباتی که برگزار شد "محدوده نفوذ آن ها را مشخص کرد". از طرف دیگر گروه های مخالف می گویند که حزب رئیس جمهور از تمام امکاناتی که در اختیار دارد برای سلطه بر نهادهای قانونی کشور استفاده می کند.

آقای عانسی در مورد گفته های مخالفان در مورد احتمال جانشینی احمد علی صالح، پسر بزرگ رئیس جمهور به جای پدر قاطعانه اظهار می دارد که "این خواست رئیس جمهور نیست".

ضمن ارایه جزییات و نحوه و دلیل ورود این مبلغ کلان از سوی تاجر ایرانی به ترکیه از جانب وکیل وی اعلام کرده بود که اسماعیل صفاریان نسب متعهد شده که در صورت رفع توقیف از این نقدینگی همه این سرمایه را در ترکیه سرمایه گذاری کند. «ت.آرت» نیز این خبر را منتشر کردند. نکته قابل توجه در این خبر، مجموع نقدینگی توقیف شده شامل ۷ و نیم میلیارد دلار پول نقد و ۲۰ تن شمش طلا است که مجموع ارزش آن به ۱۸ و نیم میلیارد دلار بالغ می شود، اما احمدی نژاد با وانمود کردن این که کل محموله ۱۸ و نیم میلیارد دلار اسکناس بوده است، انتقال آن را در یک کامیون دور از عقل قلمداد کرد. همچنین وی میزان طلای مندرج در اصل خبر را که ۲۰ تن بود، به محموله طلا به ارزش هشت و نیم میلیارد دلار تغییر داد و با استناد به رقم مجعولی که ساخته بود، وقوع چنین امری را امکان پذیر ندانست.

۳۴۰۷۹ دلار است. یعنی هر تن طلا برابر است با ۳۴ میلیون دلار.

۸،۵ میلیارد دلار برابر با ۲۵۰ تن طلا می باشد. هر متر مکعب طلا ۱۹،۳ تن معادل ۱۹۳۰۰ کیلو است. با این حساب ۲۵۰ تن طلا حدود ۱۳ مترمکعب جا برای جاسازی لازم دارد. هر کانتینر ۴۰ فوت هم ۶۷ مترمکعب گنجایش دارد. پس با این حساب در آن کانتینر می شود ۸،۵ میلیارد طلا را جاسازی کرد و ۵۴ مترمکعب دیگر هم برای جاسازی دلارها باقی می ماند.

بعد از افشای خبر، عزت الله سبحانی، عضو شورای انقلاب، وزیر مشاور و رئیس اسبق سازمان برنامه و بودجه در کابینه بازرگان، احمد صدر حاج سیدجواد و وزیر دادگستری دولت بازرگان و ابراهیم یزدی معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه دولت بازرگان طی نامه ای به نخست وزیر ترکیه خواستار بازگرداندن این محموله به خزانه کشور شدند.

### لوموند :

### حمایت ایران از شورشیان یمن

طول و عرض اتاق کار علی عانسی، رئیس دفتر علی عبدالله صالح رئیس جمهور یمن، حکایت از اهمیت جایگاه او در نظام سیاسی یمن دارد، نظامی که تمرکز گرایی بیش از حد آن آماج انتقاد مخالفانش قرار دارد.

سخنان آقای عانسی با وجود آنکه عاری از درشت گوئی های رئیس جمهور یمن است برای کسانی که نسبت به پی آمدهای جنگ شمال نگرانند پیامی قاطع دربردارد.

جنگ در شمال یمن پس از پنج سال تداوم پرفراز و نشیب و به رغم امکانات قابل توجهی که از جانب حاکمیت به کار گرفته شده هنوز پایان نیافته است. به گفته منابع رسمی یمن جنگ حاکمیت علیه هواداران زیدی مسلک (شاخه ای از شیعه) عدیل ملک حوتی هزینه های نظامی کشور را سه برابر کرده است آن هم در شرایطی که کاهش درآمد نفت که ناشی از ته کشیدن ذخایر سوختی است تأمین هزینه های عمومی کشور را با دشواری مواجه ساخته است.

یک سال پس از تلاش بی حاصل قطر برای میانجیگری، رئیس دفتر رئیس جمهور یمن صراحتاً می گوید: "این مسئله یک مسئله داخلی است. ما

داشتند تا در مرکز سیاسی آن کشور، همین سوال را مطرح و در صورت وجود پاسخ قاطع، این پاسخ را به سراسر جهان مخابره می کردند".

اما چنین نشد و همانطور که آفتاب یزد پیش بینی کرده بود، احمدی نژاد در سفر به استانبول با پرسشی درباره این قرار داد جنجالی مواجه نشد و در عوض با عدم تکذیب خبر عقد این قرار داد، رسمیت آن را در صدر اخبار ترکیه در دو روز گذشته قرار داد. با این حال سایت تابناک، پایگاه رسانه ای نزدیک به محسن رضایی در گزارشی درباره ناگفته های سفر اردوغان به تهران نوشت: "تمام هیأت های بازرگانی ای که با دولت ترکیه به ایران آمده اند، قراردادهای سه یا چهار ساله با ایران بسته اند. آن ها علی رغم امتیازات بسیار قابل توجهی که ایران حاضر بود در اختیارشان بگذارد، از بستن قراردادهای بیش از چهار ساله، اکراه نشان داده اند. این موضوع نشان دهنده ایفای ریسک محدودی است که ترکیه نسبت به ایران دارد و این که از نظر آن ها ریسک سرمایه گذاری در ایران بالا است".

در مقابل روزنامه جمهوریت در گزارشی که روز گذشته منتشر کرد ابعاد تازه ای از فواید این قرار داد برای استانبول را افشاء کرد و نوشت: "با امضای این قرارداد، بحث مربوط به چگونگی تأمین منابع گاز نابوکو نیز خاتمه خواهد یافت، زیرا بخش اعظم گازی که توسط ترکیه بازاریابی خواهد شد، از طریق نابوکو به اروپا انتقال خواهد یافت".

گفتنی است ناباکو عنوان قراردادی چند ملیتی برای انتقال گاز به اروپا است که ایران به علت تحریم های اقتصادی، حتی در اجلاس دو روزه بهمن ماه گذشته آن در بوداپست هم شرکت داده نشد؛ اما اکنون با "میانجی گری" و "بازاریابی" ترکیه و به بهای نادیده گرفتن "سهم مالکانه" خود از طرح بهره برداری گاز پارس جنوبی، در تأمین گاز اروپا به طور غیر مستقیم شرکت داده می شود.

نازنین کامدار

### پیگیری 3 وزیر دولت بازرگان

### ۱۸.۵ میلیارد دلار چه شد

سایت خبری "میزان" ماجرای 18 میلیارد دلار را پیگیری کرده و نوشت:

در جریان کنفرانس خبری محمود احمدی نژاد در شهر استانبول، وی در پاسخ به پرسش مخبر تلویزیون فارسی بی بی سی در باره توقیف محموله طلا و نقدینگی یک تاجر ایرانی در گمرک ترکیه، بدون تأیید و تکذیب واقعه ارقام و معادلات ساختگی ارائه کرد و این جریان را ساخته رسانه ها دانست. رسانه های ترکیه در مردادماه سال جاری خبری منتشر کردند که بر اساس آن، نقدینگی یک تاجر ایرانی به نام «اسماعیل صفاریان نسب» شامل ۷/۵ میلیارد دلار وجه نقد و یک تریلی حامل بیست تن شمش طلا که به قصد سرمایه گذاری در ترکیه، از ایران به این کشور انتقال داده شده بود، به دلایل نامعلوم از سوی گمرک ترکیه، توقیف شده و وکیل ترک این تاجر ایرانی در ترکیه، به دنبال استرداد آن از ترکیه است.

کانال «دی» از مهمترین کانال های تلویزیونی ترکیه،



## راههای سبز

### فراخوان خانواده های قربانیان سیاسی و جمعی از فعالین حقوق بشر در کردستان

ما مجموعه ای از فعالان حقوق بشر و خانواده زندانیان و قربانیان سیاسی در کردستان از تمامی مردم آزادیخواه دنیا می‌خواهیم که در حمایت از حقوق اولیه و انسانی ما که همان حیان در بستری آزاد و انسانی است در روز دوشنبه شانزدهم نوامبر برابر با 25 آبان 88 در سر اسر دنیا و در مقابل سفارتهای جمهوری اسلامی به میدان آمده و اعتراض خود را نشان دهند. خلق ستمدیده کردستان سالهاست تحت شدیدترین فشارهای سیاسی و اجتماعی قرار دارند و با بهانه های غیر انسانی کشتار میشوند. حق تعیین سرنوشت و داشتن آزادیهای مدنی از حقوق پایه ای شهروندان کردستان است که روزانه از جانب حکومت جمهوری اسلامی نقض و سرکوب میشود. مردم کردستان با درک بالائی از مبارزه برای آزادی و برابری از روزهای اولیه انقلاب 57 علیه جمهوری اسلامی ایستاده اند و اعلام کرده اند این حکومت نه تنها خواستهای آنها را نمایندگی نمیکند بلکه از ابتدای به قدرت رسیدن در سرکوب و نسل کشی آنها کوشیده است. موج جدید اعدامهای قرون وسطائی برای مردم کردستان یادآور کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت و بیش از سه دهه مبارزه علیه مردمی شریف و آگاه است. در حال حاضر تعداد زیادی از زندانیان سیاسی در کردستان محکوم به اعدام هستند و هر لحظه بیم آن می‌رود که در کنج زندانهای جمهوری اسلامی اعدام شوند. ما اجازه نخواهیم داد جمهوری اسلامی با کشتار زندانیان سیاسی در کردستان پایه های خود را برای دوره ای دیگر تثبیت کند. از این رو از تمامی مردم آزادیخواه دنیا، سازمانهای مدافع حقوق انسانی و احزاب سیاسی تقاضا داریم در محکومیت اعدامهای گسترده در کردستان به میدان بیایند و وسیعاً اعتراض خود را علیه نقض آشکار حقوق بشر اعلام کنند. به امید آزادی

### عبدالله مؤمنی به ۸ سال زندان محکوم شد

همسر عبدالله مؤمنی می گوید که او به دلیل فعالیت های گذشته و همچنین شرکت در تجمعات پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران، به تحمل ۸ سال حبس تعزیری محکوم شده است. فاطمه آیینه وند در گفت و گو با بی بی سی فارسی گفت که همسرش صبح روز شنبه ۲۳ آبان (۱۴) نوامبر) در تماسی تلفنی از زندان، خبر داده است که دادگاه او را به دلیل فعالیت های گذشته اش به ۲ سال و به دلیل شرکت در تجمعات پس از انتخابات به ۶ سال حبس محکوم کرده است. عبدالله مؤمنی، فعال دانشجویی و سخنگوی سازمان دانش آموختگان ایران اسلامی (ادوار دفتر تحکیم) حدود ۱۰ روز پس از انتخابات اخیر ریاست جمهوری ایران بازداشت شد و از آن زمان در زندان به سر می برد. او روز ۲۳ شهریور به همراه تعداد دیگری از بازداشت شدگان حوادث پس از انتخابات، در دادگاهی علنی ظاهر شد و علیه اقدامات گذشته خود سخن گفت.

ارزش چهار میلیارد دلار امضا شود. به گزارش خبرنگار «تابناک»، سیستم های دفاع موشکی و ناوهای دریایی و همچنین هواپیماهای شکاری جزو اصلی این معاملات را تشکیل می دهند. شاهزاده «ترکی الفیصل»، رئیس اطلاعات سعودی از سال 1997 تا 2001 و برادر وزیر امور خارجه سعودی می گوید: ایران از نقطه نظر ژئوگرافیکی همسایه ماست و ما در این زمینه ملاحظاتی داریم. بنا بر این گزارش، عربستان سعودی، درخواست خرید هواپیماهای شکاری - جنگنده «بورو فایتر»، متعلق به کمپانی «جکفولدرزونگ» آلمان، شامل کنسرسیومی از کشور انگلستان (کمپانی «بریتیش ایرواسپیس»)، کمپانی ایتالیایی «فینمکانیسا اس.پی.ای» و کمپانی آلمانی «فرانسوس ایروپین ایرونوتیک» را دارد و این در حالی است که هم اکنون عربستان سعودی، 72 فروند از هواپیماهای «بورو فایتر تیغون» به ارزش 7.2 میلیارد دلار را در اختیار دارد. کشور عربستان سعودی قصد دارد شش فروند ناوچه دریایی چند منظوره ایتالیایی «فینکانتری» به ارزش 2.2 میلیارد دلار را از کمپانی ایتالیایی کشتی سازی فینکانتری خریداری کند. همچنین کشور امارات متحده عربی نیز قصد خرید شصت فروند هواپیماهای جنگنده «رافائل»، ساخت کمپانی فرانسوی «داسولت» را دارد. بنا بر این گزارش، سارکوزی اعلام کرده است که ارزش این معامله، هشت میلیارد دلار است و فروش هواپیماهای جنگنده «رافائل» را همزمان با راه اندازی پایگاه هوایی فرانسه در امارات متحده عربی آغاز خواهد کرد. این گزارش می افزاید، امارات متحده عربی قصد دارد که سیستم دفاع موشکی به ارزش هفت میلیارد دلار را از کمپانی لاکهید مارتین به نام «بستنا» خریداری کند؛ معامله ای که پنتاگون تأیید آن را از کنگره آمریکا گرفته است. این گزارش خاطر نشان می کند، کمپانی «بوئینگ» که مرکز آن در شهر شیکاگو آمریکاست و دومین سازنده هواپیماهای مسافربری در دنیاست، می خواهد چهار فروند هواپیما «سی - 17» لجستیکی - نظامی را به همراه تجهیزات روترکرافت برای ثبت بال های هواپیما خریداری کند. لازم به یادآوری است که سه کمپانی «بریتیش ایرو اسپیس» و «لاکهید مارتین» و «بوئینگ»، سه کمپانی اصلی طرف معامله با شش کشور عربی حاشیه خلیج فارس هستند. بنا بر آمار انستیتو تحقیقات صلح بین المللی استکهلم، امارات متحده عربی از سال 2004 تا 2008 پس از دو کشور پرجمعیت چین و هندوستان، بزرگترین خریدار سلاح در دنیاست. این کشور هم اکنون معامله 3.3 میلیارد دلاری برای خرید سیستم دفاع موشکی پاتریوت را با کمپانی آمریکایی لاکهید مارتین به انجام رسانیده است. در همین حال، روسیه نیز اعلام کرده است که قصد انجام معامله دو میلیارد دلاری با عربستان سعودی برای فروش سیستم دفاع موشکی «اس - 400» و همچنین تعدادی تانک و بالگرد را با این کشور دارد. گفتنی است، «رابرت گیتس»، وزیر دفاع آمریکا در ماه سپتامبر به شبکه الجزیره گفته بود: کشورهای خلیج فارس باید توان نظامی خود را در برابر ایران افزایش دهند، زیرا ایرانیان از حرکت نمی ایستند و همواره در حال افزایش توان نظامی خود هستند

منبع: سایت تابناک

### نیویورک تایمز:

### رژیم ایران و بازی های خشن و بی فایده

به نظر می رسد دولت تحت هدایت ملاها در ایران، عزم خود را برای برقرار نگه داشتن تنش با ایالات متحده و بقیه دنیا جزم کرده است. آنها با وجود دریافت پیشنهاد مذاکره باراک اوباما، همچنان راه را بر گفتگوهای جدی بر سر برنامه هسته ای و سایر مسائل بسته اند. این دولت زیر توافق خود برای انتقال اورانیوم غنی شده به یک کشور ثالث زده و به تهدید و ارعاب شهروندانی مشغول شده که جرأت سخن گفتن در داخل کشور را به خود داده اند. جدیدترین اقدام وقیحانه حکومت وارد کردن اتهام جاسوسی به سه کوهنورد آمریکایی است که از بیش از سه ماه پیش در بازداشت به سر می برند. این سه نفر که شین بوئر، جاشوا فیتل و سارا شورد نام دارند، به گفته اعضای خانواده شان، مشغول کوهنوردی در منطقه کردستان عراق بودند و به طور تصادفی از مرز ایران گذر کرده اند. این افراد پس از بازداشت درماه ژوئیه گذشته، هم اکنون در زندان مخوف اوین به سر می برند. این زندان، محلی است که معمولاً زندانیان سیاسی را در آن نگهداری می کنند و رفتار بسیار زننده ای با آنها دارند. هنوز ابهاماتی در این زمینه وجود دارد که آیا دولت ایران رسماً اتهامی علیه این سه نفر وارده کرده است یا فعلاً فقط به تهدید کردن مشغول است. ما امیدواریم اتهامی وارد نشده باشد و درآینده هم وارد نشود. در این صورت امکان برون رفت از این شرایط، برای مقامات ایرانی بسیار ساده تر خواهد بود. قضیه کوهنوردان آمریکایی، تنها نمونه کوچکی از سوء استفاده و بازیچه قرار گرفتن قضائیه ایران برای دستیابی به اهداف سیاسی است. تعداد زیادی از معترضان و روزنامه نگاران ایرانی پس از تظاهرات بزرگ متعاقب انتخابات بحث انگیز ریاست جمهوری در آن کشور دستگیر شدند. یک دادگاه ایرانی در ماه گذشته، کیان تاجبخش محقق ایرانی-آمریکایی را در تحریک به اغتشاشات ضد دولتی مجرم شناخت و وی را به 15 سال حبس محکوم کرد. رابرت لوینسون مأمور سابق اف-بی-آی آمریکا نیز که برای یک سفر تجاری وارد ایران شده بود، از سال 2007 تا کنون مفقود شده است. ایران این حق مشروع را دارد که افراد مجرم را پس از محاکمه عادلانه، زندانی کند. اما بعید به نظر می رسد دنیا با وجود نمایی که در ایران برای به دادگاه فرستادن سه کوهنورد آمریکایی به راه افتاده، احترام مورد انتظار ایران را برای دولت آن کشور قائل شود. دولت ایران موظف است سه کوهنورد آمریکایی، آقای تاجبخش و آقای لوینسون را همین حالا آزاد کند.

### برای مقابله با خطر ایران

### بزرگترین معامله اسحله به ارزش

### چهل میلیارد دلار

قرار است در این هفته، بزرگترین معامله تسلیحاتی کشورهای عربستان سعودی و امارات، در نمایشگاه هوایی در دبی با دو کمپانی بزرگ آمریکایی «لاکهید مارتین» و کمپانی انگلیسی «بریتیش ایرواسپیس» به



## راههای سبز

کاخ کرملین اعمال دور تازه‌ای از تحریم‌ها علیه تهران را مد نظر قرار می‌دهد.

### کوشنر: پاسخ ایران به پیشنهاد وین منفی است

وزیر امور خارجه فرانسه می‌گوید، پاسخ ایران به پیشنهاد ارسال اورانیوم غنی‌شده این کشور به روسیه و فرانسه برای تبدیل آن به سوخت رآکتور تهران منفی است و پیشنهاد متقابل ایران نیز برای کشورهای غربی قابل پذیرش نیست.

به گزارش خبرگزاری رویترز، برنار کوشنر وزیر امور خارجه فرانسه روز یکشنبه در گفت‌وگو با روزنامه اسرائیلی پدیعتو آخرونوت با اشاره به پیشنهاد ژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران در باره ارسال اورانیوم غنی شده این کشور به روسیه و فرانسه گفته است، به نظر می‌رسد، ایران در صدد رد این پیشنهاد است.

در این میان وزیر امور خارجه فرانسه در پاسخ به این پرسش که آیا پاسخ نهایی ایران به پیشنهاد کشورهای غربی و ژانس بین‌المللی انرژی اتمی در راه است، گفته است: «شما می‌توانید هر عبارتی را به کار ببرید، اما واقعیت آن است که ایران پاسخ خود را به این پیشنهاد داده است و این پاسخ منفی است. این خیلی خیلی خیلی شرم‌آور است.»

برنارد کوشنر که به اسرائیل سفر کرده بود، افزود: «ما خواستار دریافت بخش عمده‌ای از اورانیوم کمتر غنی‌شده (ایران) بودیم، برای اینکه نمی‌خواهیم در حالی که مشغول غنی‌سازی اورانیوم برای ایرانی‌ها هستیم، آنها به غنی‌سازی اورانیوم که روزی ممکن است برای ساخت جنگ‌افزارهای هسته‌ای به کار رود، ادامه دهند.»

وزیر امور خارجه فرانسه همچنین با بیان این که تاکنون هیچ یک از مذاکرات میان ایران و کشورهای عضو گروه پنج به علاوه یک موفقیت‌آمیز نبوده است، اظهار داشت: «ما در حال انتظار به سر می‌بریم و این خوب نیست و خیلی خطرناک است.»



درباره سیاست‌های باراک اوباما اظهار داشت:

«واقعاً فضااحت‌آور است که بعد از یک سال سخنرانی و شعارهای توخالی، رفتارهای این رئیس‌جمهور در صحنه عمل چیزی کمتر از سلف خود نیست، فرق این دو در ادبیات بی‌حساب و کتاب بوش خلاصه می‌شود.»

باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا پس از روی کار آمدن در ماه ژانویه از رویکرد گفت‌وگوی مستقیم با ایران سخن گفته و در این چارچوب گفت‌وگوهایی نیز میان دو کشور بر سر برنامه اتمی جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

با این حال علی لاریجانی اوباما را متهم به دخالت در امور داخلی ایران کرده و گفته است: «اختصاص بودجه برای اقدامات رسانه‌ای علیه ایران و دخالت‌های کودیکانه پس از انتخابات در مسائل داخلی ایران و اقدامات اخیر این کشور و ارائه پیشنهادات سبک و غیرمعقول در بحث اتمی ایران، همگی حکایت از آن دارد که تغییرات ادعایی جز نمادهای گول‌زننده برای ساده‌لوحان سیاست چیزی نبوده است و می‌توان گفت که در دراز مدت در این سیاست‌ها شیطنت بیشتری نهفته است.»

این در حالی است که به دنبال آغاز اعتراض‌ها نسبت به نتایج انتخابات در ایران و سرکوب شدید معترضان توسط نیروهای امنیتی، مقام‌های آمریکایی صرفاً خواستار پایان خشونت‌ها در ایران شده و در مقایسه با موضع سایر کشورهای غربی در حمایت از معترضان، رویکرد خویشتندارانه‌ای اتخاذ کرده‌اند.

## ناخرسندی اوباما و مدودف از عدم

### پاسخ ایران به پیشنهاد اتمی

باراک اوباما، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، در حاشیه نشست "آسیا-اقیانوسیه" در سنگاپور، در دیدار با همتای روس خود دمیتری مدودف گفت که فرصت تهران برای پذیرفتن پیشنهادهای مذاکره‌کنندگان بین‌المللی درباره برنامه هسته‌ای‌اش در حال به سر رسیدن است و رئیس‌جمهوری روسیه نیز از رویکرد ایران در مذاکرات هسته‌ای ابراز نارضایتی کرد.

اوباما در این دیدار گفت: «متأسفانه، به نظر می‌رسد دست کم تاکنون، ایران قادر به بله گفتن به آنچه که به تصدیق همه، رویکردی خلاقانه و سازنده‌ای است، نبوده است.»

با گذشت نزدیک به یک ماه از نشست وین، ایران همچنان از ارائه پاسخ قطعی به پیش‌نویس وین که از سوی ژانس بین‌المللی انرژی اتمی حمایت می‌شود، خودداری کرده است.

دمیتری مدودف، رئیس‌جمهوری روسیه، نیز در این دیدار گفت که مسکو از روند مذاکرات در باره برنامه هسته‌ای ایران «رضایت» ندارد.

مدودف، در عین اینکه ابراز امیدواری کرد ایران به پیشنهادها مطرح شده پاسخ مثبت دهد، تصریح کرد که «گزینه‌های دیگر همچنان بر روی میز است تا این فرآیند را به پیش ببرد.»

رئیس‌جمهوری روسیه پیش از این اعلام کرده بود که اگر ایران به پیشنهادها مطرح شده از سوی کشورهای طرف مذاکره با ایران پاسخ مثبت ندهد،

خانم آیینه وند با اشاره به اینکه آقای مومنی در جریان محاکمه وکیل نداشته و گفته است که نیازی به وکیل ندارد، گفت: "فکر می‌کنم که او تحت فشار است که وکیل نداشته باشد".

سازمان دانش‌آموختگان ایران اسلامی اخبار اعلام کرد که مشکلات کلیوی و قلبی آقای مومنی در زندان تشدید شده و وضع "روحي و جسمی" او "وخیم" است.

همسر آقای مومنی گفت که در تماس روز شنبه با او فرصت گفت و گو در مورد وضعیت سلامتی‌اش پیدا نشد و ارتباط تلفنی پس از حدود یک دقیقه قطع شد.

## رئیس پلیس تصاویر ۱۳ آبان را تکذیب کرد!



سرتیپ علیرضا علیپور رئیس پلیس امنیت تهران برخورد‌های پلیس در روز 13 آبان را قانونی خوانده و گفته است تصاویر پخش شده از این روز در رسانه‌های خارجی کذب محض است.

سرتیپ علیپور با اشاره به برخورد‌های پلیس با تظاهرکنندگان در روز 13 آبان گفته است: «گزارشی از تخلف پلیس در روز 13 آبان نداشته‌ایم».

هم‌زمان با برگزاری مراسم دولتی روز 13 آبان، که با حضور تعدادی از مقامات و دانش‌آموزان مدارس در برابر سفارت سابق آمریکا در تهران برگزار شد، مخالفان دولت هم در نقاط مختلف شهر تهران و همچنین شمار دیگری از شهرهای ایران دست به تظاهرات زدند.

خبر این تظاهرات در رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی انعکاس چندانی نداشت و خبرنگاران خارجی هم که مجوز پوشش خبری مراسم 13 آبان را داشتند ظاهراً اجازه نیافتند از تظاهرات مردم در نقاط دیگر شهر تهران دیدن کنند. با اینهمه، گزارش‌های خبری و تصویری متعددی که توسط شهروندان از این گردهمایی‌ها، شعارهای مردم و برخورد نیروهای دولتی، به خصوص با زنان، تهیه شده بود از طریق سایت‌های اینترنتی در دسترس قرار گرفت و به طور گسترده از شبکه‌های خبری جهان پخش شد. فیلم‌های ویدیویی صحنه‌هایی از برخورد خشونت‌آمیز پلیس با مخالفان دولت و بازداشت تظاهرکنندگان را نشان می‌داد.

اما رئیس پلیس امنیت تهران در پاسخ به خبرنگاری که در باره تصاویر پخش شده از روز 13 آبان سؤال کرد، گفت: "امطمئن نباشید که این تصاویر مربوط به 13 آبان باشد".

## علی لاریجانی: اوباما همان بوش است

رئیس مجلس شورای اسلامی با انتقاد از سیاست‌های باراک اوباما در قبال ایران می‌گوید که رئیس‌جمهور جدید آمریکا در عمل همانند جورج بوش، رئیس‌جمهور پیشین این کشور، است.

علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی که در ابتدای جلسه علنی روز یکشنبه مجلس سخن می‌گفت،



## گلایه‌های بشار اسد در پاریس رضا تقی زاده

هم‌زمان با سفر آسیایی رئیس جمهوری آمریکا، رهبر فرانسه در پاریس عهده دار میزبانی رئیس دولت اسرائیل، و روسای جمهوری سوریه و عراق است. گلایه‌های روز گذشته بشار اسد که در حضور نیکولا سرکوزی مطرح شد، حاکی از این است که کشورهای مسلمان منطقه اشتیاق شنیدن «رهنمود» را از دست داده و چشم به راه اقدامات عملی غرب برای آشتی و سازش نشسته‌اند.

پیش از دیدار بشر از پاریس، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، میهمان نیکولا سرکوزی رئیس جمهور فرانسه بود. بر خلاف بشار اسد که بیشتر از هر موضوع دیگری، در تلاش دست یافتن به راه سازی است که بازگرداندن ارتفاعات جولان را به سوریه ممکن سازد، نتانیاهو در پاریس بیشتر به بارگیری برای خنثی کردن آنچه «خطر ایران اتمی» می‌نامد فکر می‌کرد.

تحویل پیامی از سوی نتانیاهو به سرکوزی، خطاب به بشار اسد دایر بر اعلام آمادگی برای دیدار با او در هر زمان، و مذاکره «بدون پیش شرط» پیرامون رفع اختلاف مابین دو کشور نیز از دشواری شرایط جاری در خاورمیانه عربی کم نکرد. چنانکه رئیس جمهور سوریه با رد دعوت نخست وزیر اسرائیل به انجام دیدار در سطح سران دولت، متقابلاً پیشنهاد داد که ابتدا کارشناسان دو کشور با میانجیگری ترکیه پیرامون راه‌های حل اختلاف به گفت‌وگو بنشینند.

حضور اسد در پاریس که دومین دیدار او از پایتخت فرانسه پس از سفر سال ۲۰۰۸ به شمار می‌رود، نشانه آمادگی او برای رسیدن به توافق با اسرائیل و همچنین پذیرفتن نقش میانجیگری فرانسه و ترکیه در این زمینه است.

در عین حال، اصرار او بر ضرورت آغاز گفت‌وگوهای دو کشور در سطح کارشناسی و با حضور و میانجیگری ترکیه، حاکی از بی اعتمادی او به جدی بودن اسرائیل برای دست یافتن به توافق با سوریه و همچنین باور شخصی اسد به این نکته است که کشورها و قدرت‌های منطقه‌ای و محلی (مانند ترکیه) می‌توانند تأثیر بیشتری در پیشبرد روند گفت‌وگوها و کاهش بحران‌های منطقه داشته باشند تا قدرت‌های غربی همپیمان و دوست اسرائیل.

اظهارات اسد در پاریس نشان می‌دهد که پس از ایراد سخنان امیدوار کننده و شیرین اوباما در قاهره و همچنین استانبول دایر بر آمادگی آمریکا و غرب برای احترام به جهان اسلام و آشتی با مسلمانان، اینک به‌خصوص کشورهای عرب خاورمیانه در انتظار اقدامات عملی غرب بسر می‌برند.

از نگاه خاورمیانه مسلمان، بخش روابط عمومی تغییر چهره دیپلماسی آمریکا و غرب انجام گرفته و با موفقیت طی شده ولی در زمینه رسیدن به نتایج عملی، تاکنون تغییر مثبت و ملموسی مشاهده نشده است.

به جز موضوع تغییر مناسبات اسرائیل با سوریه که همچنین موکل به عودت و یا حفظ ارتفاعات جولان از سوی اسرائیل است، در ساحل غربی و نوار غزه نیز مشکلات همچنان به‌شکل سابق باقی است.

تهدید محمود عباس رئیس دولت خود گردان فلسطین به کناره گیری تا ماه ژانویه آینده و عدم شرکت در انتخابات بعدی، یک حرکت مشخص اعتراضی

است. بی‌تردید محمود عباس بجز نارضایتی شخصی از انعطاف‌ناپذیری اسرائیل، از درون جنبش الفتح و پاره ای از چهره‌ها و شاخه‌های سازمانی آن برای ایستادگی بیشتر و اعلام اعتراض تحت فشار قرار دارد. کنار رفتن او احتمالی او نیز می‌تواند به خشن‌تر شدن برخورد دولت بعدی فلسطین با اسرائیل و تشدید خشونت بیانجامد.

در حال حاضر دولت کنونی اسرائیل نه تنها علاقه‌ای به قبول عدم توسعه شهرک‌های یهودی‌نشین در سرزمین‌های اشغالی نشان نمی‌دهد که حتی توقف عملیات جاری شهرک سازی را، که پیش شرط محمود عباس برای از سرگیری گفت‌وگو با دولت نتانیاهو است نمی‌پذیرد.

دولت اسرائیل علیرغم توصیه هیلاری کلینتون، وزیر خارجه آمریکا، در مورد توقف شهرک سازی اسرائیلی‌ها در سرزمین‌های فلسطینی و همچنین ابراز مخالفت آشکار دولت فرانسه با آن، تاکنون کمترین نشانه‌ای از انعطاف پذیری بروز ندهاده است. کشورهای عرب بر این باورند که اسرائیل به این منظور تاکنون از جانب آمریکا و غرب به‌صورت جدی تحت فشار قرار نگرفته است.

وجود همین نگاه و نظر از سوی کشورهای عرب خاورمیانه، به تشدید تردیدها پیرامون قصد واقعی غرب برای آشتی با آن‌ها افزوده است. اظهارات اسد در پاریس و محمود عباس در ساحل غربی نشانه درک جهان عرب از وجود اختلاف چشمگیر بین گفته‌های تبلیغاتی و آمادگی واقعی غرب برای رسیدن به سازش با آن‌ها است.

به نظر می‌رسد که روابط خارجی آمریکا و غرب، پس از تغییر دولت در واشنگتن، تنها به ادامه یک مرحله انتقالی و تکرار بخش تبلیغاتی آن در جهت ترویج شعار آشتی با مسلمانان بسنده کرده و هنوز آماده پرداختن هزینه‌های سنگین‌تر نشده است.

در پاریس نیکلا سرکوزی پذیرائی از نتانیاهو و بشار اسد (و روز دوشنبه جلال طالبانی رئیس جمهوری عراق) را بیشتر با هدف توسعه روابط عمومی جامعه اروپا دنبال می‌کند تا دست یافتن به یک راه حل عملی صلح در خاورمیانه. دست کم این باوری است که بشار اسد در پاریس از ابراز آن خود داری نکرد.

## سیاست اقتدارگرایان در برابر جنبش سبز مرتضی کاظمیان

اقتدار گرایان برای مقابله با جنبش سبز چه سیاست‌هایی را پی‌گرفته‌اند؟ آگاهی نسبی از پاسخ‌های محتمل به این پرسش، می‌تواند موجب تقویت جنبش اعتراضی مردم ایران، و افزایش احتمال توفیق آن شود. پیش از پاسخ به پرسش یاد شده، ذکر سه نکته‌ی زیر خالی از فایده نیست:

نخست؛ از آنجا که اطلاع دقیق و مستندی از استراتژی و سیاست اقتدارگرایان برای مقابله با جنبش سبز وجود ندارد، لذا گریزی جز اتکا به تحلیل و ارزیابی عمومی نیست.

دیگر؛ هیچ پاسخی به پرسش مهم ابتدای یادداشت و هیچ توضیحی به‌عنوان جواب مسئله، کامل نیست. باید از زوایا و منظرهای گوناگون به موضوع پرداخت و با همفکری، مجموعه‌ای کامل را به‌عنوان پاسخ گرد آورد.

آخر؛ آغازیدن این یادداشت با نقطه عزیمت مشترک و تعاریف مورد توافق، مفیدتر به‌نظر می‌رسد. مفروض این نوشتار آن است که "استراتژی اقتدارگرایان، منفعل و متوقف ساختن جنبش سبز، و نیز تثبیت و بسط اقتدار تمامیت‌خواهان در حکومت و جامعه است". منظور از "استراتژی" (یا راهبرد) "طریق و یا راه تحقق اهداف و رسالت کلان سازمان" یا "طرح عملیاتی درازمدتی است که به‌منظور دستیابی به هدف مشخص طراحی شده است".

ذیل یک "استراتژی"، "سیاست"‌هایی اتخاذ می‌شود که محور مشخص این یادداشت و منظور نظر این نوشتار است. "سیاست" (Policy) مجموعه تدابیری محسوب می‌شود که یک سازمان برای عملی‌ساختن استراتژی، رفع موانع و محدودیت‌ها، و نائل شدن به توفیق، نیازمند آن است.

با توضیحات و تعاریف ذکر شده، به‌نظر می‌رسد که اقتدارگرایان برای تحقق استراتژی خود (منفعل و متوقف ساختن جنبش سبز، و نیز تثبیت و بسط اقتدار خود در حکومت و در جامعه)، تدبیرهای چهارگانه‌ی زیر را اتخاذ کرده و عملیاتی می‌کنند:

### الف. اعمال خشونت

اتکاء اقتدارگرایان به خشونت، سیاست و اقدام جدیدی نیست. آنها سال‌هاست که برای پیشبرد اهداف و راهبردهای خود، به اشکال گوناگونی از خشونت دست می‌یازند. در چند ماه اخیر نیز خشونت‌ورزی در سطوح مختلف مورد تمسک قرار گرفته است. اراعب، تهدید، احضار و بازداشت، بدرقتاری و خشونت عربیان در جریان بازداشت، سرکوب خشن و خونین، همه و همه به طرق متفاوت و با شدت و ضعف، در مراحل و مقاطع مختلف جنبش اعتراضی مورد استفاده قرار گرفته است. چوب و باتوم لباس شخصی‌ها همان سیاستی را پی‌می‌گیرد که گلوله‌های مشقی و گاز اشک‌آور و لباس‌های عجیب و غریب نیروهای امنیتی و انتظامی، و تحقیر و توهین و تهدیدهای مختلف در خیابان و بازداشتگاه و روزنامه‌ها و رسانه‌های اقتدارگرایان وجه عملیاتی شده‌ی همان سیاستی است که سرکوب‌خشن تجمعات مدنی تعقیب می‌کند.

### ب. ناامید ساختن

تلاش برای القاء یأس و ناامیدی در میان حامیان و اعضای متکثر جنبش سبز، یکی از مهمترین سیاست‌های اقتدارگرایان برای تحقق استراتژی و نائل شدن به اهداف مورد نظرشان محسوب می‌شود. سایت‌ها و خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها و تریبون‌های در اختیار اینان (از صدا و سیما گرفته تا فارس و کیهان و ایرنا و...) از هیچ تلاشی برای پراکندن تخم ناامیدی و مدیوس ساختن بدنه‌ی اجتماعی حامی جنبش اعتراضی، فروگذار نمی‌کنند. بازوهای تبلیغاتی‌ای که این سیاست را پی گرفته‌اند، روز و شب در کاراند که از افت تعداد افرادی که در چند ماه اخیر همراه جنبش بوده‌اند، سخن بگویند. اینان با تکیه بر تحریف حقیقت و با استفاده از امکان‌های گسترده و دستگاه‌ها و سازمان‌های عریض و طویلی که در اختیار دارند، می‌کوشند افرون بر القاء ترس در دل‌ها، بر این طبل بکوبند که: "معترضان روز به‌روز کمتر شده‌اند و بی‌حاصلی‌پیکیری مطالبات بیش از پیش آشکار شده است".



### پ. دامن زدن به اختلاف نظرها

"تفرقه بیانداز و حکومت کن"، این توصیه، سیاستی گمنام و نامشهور نیست. چنین است که اقتدارگرایان با استفاده از تمامی امکانات و ابزارهای در اختیار می‌کشند اختلاف نظرهای جزئی میان حامیان و اعضای جنبش سبز را برجسته و عمده و تشدید کنند. درج اظهارنظری از فرزند شیخ مهدی کربوبی علیه میرحسین موسوی، فردای 13 آبان در ایرنا، یا درج مصاحبه‌ای مجعول با الهه کولایی در فارس، تنها دو نمونه‌ی در دسترس و جدید اخیر هستند. تلاش اقتدارگرایان برای دامن زدن به اختلاف نظرها (صرف نظر از میزان توفیق آن، و مستقل از تحقق خواب خوشی که دیده‌اند) از موسوی و کربوبی و خاتمی شروع می‌شود و به لایه‌های گوناگون اجتماعی حامی جنبش اعتراضی و دیدگاه‌های متنوع و متکثری که ذیل جنبش سبز تنفس می‌کنند و پیگیر مطالبات مدنی مردم ایران هستند، بسط می‌یابد.

### ت. بسیج توده‌ای

رویکردها و سیاست‌های پوپولیستی (توده‌گرایانه) و بهره جستن از بسیج توده‌ای نیروهای وفادار و هم‌فکر و لایه‌های اجتماعی بی‌اطلاع یا کم‌اطلاع و به‌ویژه افشار فرودست جامعه، از جمله سیاست‌هایی است که هر چند همواره مورد توجه اقتدارگرایان بوده، اما به‌گونه‌ای مشهودتر و برجسته‌تر از قبل، به‌مثابه‌ی ابزاری مورد بهره‌برداری سیاست‌گذاران راست افراطی قرار گرفته است. فرار دادن "جامعه‌ی توده‌ای" در برابر "جامعه‌ی مدنی" و تقویت و بسط اولی در برابر دومی، سیاستی بس غیرملمی و ماکیاویلی می‌شود که طراحان پروژه‌ی تمامیت‌خواهی، آن را به‌شکلی محسوس مورد سوءاستفاده قرار داده‌اند. این چنین، می‌کشند برای تداوم و تثبیت اقتدار خویش در بلوک قدرت، لایه‌هایی از جامعه را به‌گونه‌ای ابزاری به‌کار گیرند و در برابر خواسته‌های مدنی و قانونی و انسانی شهروندان معترض، جلوه‌گر سازند و به‌کار بندند. سیاست و تدابیر اقتدارگرایان برای مقابله با جنبش اعتراضی مردم ایران، چنان‌که در ابتدای یادداشت ذکر شد، محتمل شامل موارد دیگری نیز می‌شود؛ اما موارد چهارگانه‌ی ذکر شده، عمده‌ترین اقداماتی هستند که در چند ماه اخیر مورد توجه قرار گرفته و عملیاتی شده‌اند. آگاهی از این سیاست‌ها و اقدامات، گام نخست برای مقابله‌ی دقیق با آن‌هاست. علاقه‌مندان و حامیان و فعالان جنبش سبز باید به سیاست‌ها و اقداماتی بیاندیشند که به شکلی عینی و عملیاتی، مانع تحقق و توفیق سیاست‌های فوق شود. صبوری، خویش‌نماری و پایداری در برابر خشونت و سرکوب و ارباب و تهدید، و خودداری از افتادن در سیکل معیوب و حوزه‌ی پرخطر نفرت و خشونت؛ بسط امید و پرهیز از یأس و اجتناب از ناامیدی؛ اجتناب از دامن زدن به اختلافات درونی و دوری از افتادن در دام تفرقه‌اندازی‌های اقتدارگرایان؛ و نیز آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی به توده‌ی ناآگاه یا کم‌اطلاع، و تبیین مستمر حقیقت، نخستین واکنش‌های بدیهی و اقدامات مفروض برای توفیق جنبش سبز و نیز مقابله با سیاست‌های اقتدارگرایان ارزیابی می‌شود.

### هشدار! بوی روزهای سخت می‌آید

#### علی کلانی

نمی‌دانم تا به حال بچه‌ها را دیده‌اید که سر لج بازی می‌افتند و هر چه منطقی و عقلانی در گوششان می‌خوانی به خرچشان نمی‌رود؟ اینان دقیقا به دلیل عدم حاکمیت عقل و تصمیم‌گیری بر اساس منافع کوتاه مدت خویش و به این دلیل که تا نوبت بینی خود را بیشتر نمی‌بینند دست به این کار می‌زنند.

جمعه صبحی در اردیبهشت 88 بود. تازه بیدار شده بودم که خبر اعدام دلارا دارابی را شنیدم. اعدام در صبحگاه روز جمعه و در زندان شهر رشت. عجیب بود. تا آن روز هر زمانی که فعالان حقوق بشر مسئله‌ای را دنبال می‌کردند و بر سر آن سخنی می‌رفت، در اکثر موارد آن حکم متوقف می‌شد. اما بر سر ماجرای دلارا یک لج و لج بازی بچگانه را از سوی حکومت شاهد بودیم. اعدامی در صبحگاه یک روز جمعه.

چند وقتی بود که دیگر کمتر از اعدام زندانی سیاسی سخن گفته می‌شد. حتی مرگ و میرهای درون زندان را به بیماری یا خودکشی خود زندانی نسبت می‌دادند. بر سر فوت امیرحسین حشمت‌ساران، امیررضا میرصیافی، ولی‌الله فیض‌مهدوی و عبدالرضا رجبی سخن از مرگ مشکوک بود. زندانی یا با اعلام خودکشی و یا بیماری از دنیا می‌رفت. گرچه دیگر این‌ها برای مردمان رنگی نداشت، اما باز هم به این حداقل راضی بودند که دیگر حاکمیت جسارت اعدام علنی یک زندانی سیاسی را ندارد.

اما انگار هر زمانی باید وجدان اجتماعی ایران و بر خواب رفتگان تلنگری بخورند. تلنگری که این مطلب مهم را به یاد بیآورد که اعتماد به ساختی که بر خلاف حقوق بشر رفتار می‌کند و به کارهای خلاف دست می‌زند، اگر امری ضد منطقی نباشد لاقابل غیرمنطقی است.

جوانکی که (سودای یافتن خویش و هویتی که از آن محروم شده) او را به پیشمرگی حزب کومله سوق داده است، جوانی از دیار مردستان کرد که ستم و محرومیت بسیاری را به جان خریده است. اینکه به چه دلیل احسان فتاحی به دامان حزب کومله افتاده است را نه از احسان که باید از حاکمیت ایران پرسید. باید پرسید چه شرایطی را فراهم آورده‌اید و با این قوم دیرپای ایرانی چه کرده‌اید که جوانانی کومله می‌روند؟ آیا زندگی و آسایش حق هر ایرانی هست یا نه؟ آیا در ایران امروز و نه امروز که در سده اخیر، یک اقلیت قومی ایران با بقیه قومیت ایران برابر بوده است؟ آیا در تمامی اوقات خویش از تمامی حقوق و کلیه آزادی‌هایی که توسط بشریت به رسمیت شناخته شده بهره‌مند بوده است؟ آیا حق زندگی و امنیت و آزادی شخصی داشته است؟ آیا در برابر قانون بدون تبعیض از حقوق مساوی برخوردار بوده است؟ این‌ها و هزاران آیه‌ی دیگر را قبل از اینکه بدانیم کومله کیست و چه کرده و بر سرش داد و بیداد کنیم باید از حاکمیت ایران پرسید.

اینهایی که پرسیده شد نه از سر بی‌منطقی که عینا مواد یکم، دوم، سوم، ششم و هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر بود. و البته این رشته پرسش‌ها سر دراز دارد. آقایانی که به راحتی حکم اعدام می‌دهند و از آن راحت‌تر آن را اجرا می‌کنند، ابتدا می‌بایستی در پیشگاه خدا و مردم به این سوالات پاسخ دهند که چه

کرده‌اند و در طول این سی ساله پس از پیروزی انقلاب بهمن 57 بر سر مردم کرد چه رفته است؟ یادمان نرفته که همین مردم کرد و پیشمرگان وطن پرست آن بودند که در برابر هجوم آن علفی متوهم ایستادند و از جان و مال و ناموس و خاک ایران دفاع کردند. حال چه شده که با این مردم اینگونه می‌کنند که جوانانی که روزهای اول انقلاب و مسائل و درگیری‌های آن را ندیده‌اند باز هم به همان راهی می‌روند که پس از سقوط رژیم ستم‌شاهی نسل دهه 50 کردستان رفت؟ اما سوال هنوز هم ادامه دارد. احسان را به ده سال زندان محکوم کردید. تجدید نظر خواهی صورت گرفت و بعد در تجدید نظر حکم مربوطه تبدیل به اعدام شد. سوال باز در ذهن جوانی می‌زند و خود را می‌نمایاند. به کدامین مجوز قانونی و شرعی و عقلی چنین کردید؟ مگر نه اینکه بر پایه‌ی ماده 258 قانون آیین دادرسی کیفری محاکم تجدید نظر تنها در صورتی مجاز به تشدید حکم بدوی می‌باشند که حکم صادره از حداقل مجازات مقرر در قانون کمتر باشد. خب! اتهام محاربه را اگر منطقی فرض کنیم که البته فرضی است محال (چرا که محاربه را خصوصاتی است که در احسان و امثال احسان به هیچ وجه این خصوصیات نیست) حداقل حکم برای محاربه یکسال در قانون تعیین شده است. حکم صادره توسط دادگاه بدوی هم ده سال تعیین شده است. این یعنی حکم صادره دادگاه بدوی از حکم حداقل بیشتر بوده است. پس قاضی دادگاه حتی به استناد ماده 258 آیین دادرسی کیفری حق افزایش حکم احسان را نداشته است.

اما خب! در ابتدای سخن گفتیم. دستگاه بی‌منطق مدعی قضای لج بازی که دختری را در صبحگاه یک روز جمعه به چوبه دار می‌سپرد را چه به قوانین و عقل انسانی. در صبحگاهی دوباره بر خلاف تمام قوانین عقلی و شرعی احسان فتاحیان به چوبه دار سپرده می‌شود. جان انسانی گرفته می‌شود تا آقایان نفسی چاق کنند و به ریش مردمان خنده بزنند که دیدید شما خواستید و نشد؟ و انگار کودکی است بی‌خرد که بر اشتباه و گناه خویش اصرار دارد تا جان را به لب پدر و مادر برساند و البته می‌داند وقتی جان به لب می‌رسد چه می‌شود. بماند که ایران لغو مجازات اعدام را امضا کرده است. بماند که قوانینی که حاکمیت آن را امضا می‌کند بر قوانین داخلی برتری دارد و حکومت ایران می‌بایست با لغو حکم اعدام بر عهد خویش به حکم قرآن استوار بماند که نمی‌ماند. بماند که امروز از روزهای سخت ایران است. از روزهایی که یاد روزهای میانه دهه 30 را در اذهان زنده می‌کند. بماند اما باز باید هشدار را به حقوق بشریها و مدعیان حمایتش داد. امروز بسیاری چه به عنوان متهم سیاسی - به قول آقایان امنیتی - و چه به عنوان زندانی عادی زیر حکم اعدام هستند. آن روز که افراد را به عنوان اراذل و اوباش به چوبه اعدام می‌سپردند تذکر داده شد و کسی وقعی ننهاد. امروز اما از آن روز بدتر است. بوی روزهای آن تابستان داغ و جگر سوز آن سالهای تلخ و سخت به مشام می‌رسد. نگذاریم که بار دیگر در یک کانال و در قبرستانی که نمی‌دانیم کجاست به دنبال فرزندان ایران بگردیم. باز کباب قناری است بر آتش سوسن و یاس باز قصابان اند بر گذرگاهها مستقر با کنده و ساتوری خون آلود خود مانیم. یا باز نور را پستوی خانه نهان می‌کنیم و یا ایران را نورباران. اما نه نوربارانی تنها با شور. نوربارانی با شور و شعور



## هذیان 5 آفتاب را به نام می خوانم اش... ناصر اطمینان

کابوس با رویا،  
نمی دانم.  
گویی،  
شعری،  
چندی است،  
در من است.  
آغازش، یک حادثه بود،  
زایشی شاید.  
متن اش، هم صدا با خیابان  
های تهران،  
شور انگیز و حماسی،  
نفس گیر و هذیانی.  
پایان اش،  
اسیر ذهن من،  
در گیر، در گردش قلم.  
زیبا و آهنگین می خواهم اش.  
متن اش رامی شویم،  
در آب روان.  
آبی که می گذرد- با نشاط- از  
پشت حیاط خانه ی امروزی ما.  
بی اختیاری از خود- قدم زنان  
- در مسیر کویر، پیش می روم.  
جایی که، کلبه ی مادری ام،  
بر پا ایستاده است، هنوز.  
بهمین در آغوش می گیردم.  
می خندم به روی اش.  
تازه می فهمم، که دل تنگ ام،  
برای او.  
می خوابد بر تخت، با لب خند  
گزنده ای بر لب.  
حرفی نمی زند.  
لبخندش اما، به راز می گوید:  
«سراغ ام آمدی؟ حالا؟» -  
مرده شور، کاسه ی آبی،  
روان می کند، بر روی اش.  
تلخ است لبخندش، هنوز.  
کبود می شود رنگ اش.  
خشکیده است، خون، بر کتف  
پیشانی اش.  
پنجه ای انگار، می فشارد، گلوی اش را.  
در پشت سرش، دریایی آب.  
آب راکد است.  
و سکوت.  
سکوت کشنده است.  
خز خر گلوی اش را، جز  
خود، کسی نمی شنود.  
دست هایش هم، از پشت،  
گرفتار است.  
من هم کاری نمی کنم!  
حتا، فریادی هم نمی کشم.  
از من کاری ساخته -  
به خود میگویم: «نیست»  
بر تخت خوابیده است.  
با همان لبخند، تلخ و گزنده.

نگاهم میکند و  
لبخند می زند، تلخ و گزنده.  
مرده شور، کاسه ی آبی،  
روان می کند، بر روی اش.  
یاد مادرم می افتم.  
مادرم با ««رو آب بخندی! -  
رو آب مرده شور خونه «عصبانیت میگفت: -  
«بخندی!»  
هنوز نمی فهمم، چه منظوری  
داشت!  
به خود می لرزم.  
به حق حق می افتم.  
می ««این چه زمانی است؟ -  
پرسم از خود:  
«کجا هستم من؟» -  
زیر لب شعری زمزمه می  
کنم:  
آغازش، یک حادثه بود. ...  
...زایشی شاید.  
پایان اش،  
اسیر ذهن من،  
در گیر، در گردش قلم.  
زیبا و آهنگین می خواهم اش.  
قدم زنان، در مسیر کویر،  
پیش می روم.  
دست نسیم را،  
در دست ابر های سربی  
می نشانم  
و فضیلت باران را  
در گوش هایشان  
می بارم.  
جاکاراندا\* را می گویم  
بنفشه برویاند  
بر شاخه های خود  
و رقصان بیارد  
بنفشه ها را  
بر آسفالته سیاه خیابان ها.  
اردک های مادر را بار دار  
میکنم  
و در طرفه العینی- آنطور که  
مادرم می گفت همیشه-  
جوجه اردک ها را  
روانه می کنم از پس شان.  
اردک های پدر  
کواک، کواک گویان  
هجوم می آورند بسویم،  
کواک، «دعوایم می کنند:-  
«کواک، فاصله بگیر از بچه هام، کواک، کواک  
می خندم و دستهایم را بالا می  
برم:  
«تسلیم ام، بیخشید، غلط -  
«کردم»  
کف پایم می سوزد.  
ضربه، پشت ضربه...  
«نماز نمی خوانی؟ -  
«می خواندم، چه لذتی هم -  
«داشت، اما...  
ضربه، پشت ضربه...  
مرتضی بر تخت می خوابد.  
خودش داوطلب است، انگار!

ضربه، ضربه، ضربه...  
لبخند میزند مرتضی.  
این لبخند گزنده و تلخ را  
من دیده ام پیشتر، گویی.  
و مرده شور کاسه ی آبی می  
ریزد، به روی اش.  
میپوتم.  
دل تنگ است برای اش.  
می پرسم تا در آغوش بگیرم  
اش...  
به خود می لرزم.  
به حق حق می افتم.  
می ««این چه زمانی است؟ -  
پرسم از خود:  
«کجا هستم من؟» -  
گلبرگ های جاکاراندا  
بر سرو صورتتم می بارند.  
زیر لب شعری زمزمه می  
کنم:  
آغازش، یک حادثه بود. ...  
...زایشی شاید  
...  
پایان اش،  
اسیر ذهن من،  
در گیر، در گردش قلم.  
زیبا و آهنگین می خواهم  
اش...  
آفتاب را به نام می خوانم  
اش...

جاکاراندا - نام درختی است که به تعداد زیادی در  
شهر سیدنی استرالیا یافت می شود در ماه نوامبر با  
گل های بنفشه خود زیبایی خاصی به این شهر می  
بخشد.

### عکس معروف آقایی

ابر: دوربین  
رعد و برق: فلاش  
باران: داروی ظهور  
و دل من هم: قلاب  
حالا تو ای سرزمینم  
لطفا برای لحظه ای  
لبخند بزن.





## یکی از ما

## شعری از شیرکو بیگس، تقدیم به خاطره احسان فتاحیان، برگردان: عبدالله مهدی



غروب وقتی بود  
خود به سختی جان به در برده بودیم.  
مثل بارانی که می بارید  
ما هم باید بی وقفه عمل می کردیم.  
رشته ای از اشک بودیم و به دنبال هم روان بودیم.  
ستون دودی در هم و برهم برخاسته از دهکده ای  
بودیم و از کوه بالا می خزیدیم.  
همه تا مغز استخوان خیس، آب از هفت بندمان  
جاری.  
بینی هایمان نواودان سرمان،  
ساق هایمان جویدار بدن هایمان بود.  
بچه هامان: به پرستو،  
زنهامان: به درخت های پائیزی  
و پیرهایمان: به اسب های خسته  
می مانستند.

همه تا مغز استخوان خیس، آب از هفت بندمان  
جاری.  
در این میان تنها یکی از ما  
زیر چتر خود  
حتی قطره ای باران به خود ندید  
و از همه نیز آرام تر بود.  
او کودک من بود  
که در زیر چتری از پوست شکم مادرش به سر می  
برد

## در باره شیرکو بیگس شاعر نامدار معاصر کرد

شیرکو بیگس (Sherko Bekas)، شاعر نامدار معاصر کرد، اهل سلیمانیه در کردستان عراق و خود فرزند فائق بیگس شاعر معروف نیمه قرن بیستم است. شیرکو در این شعر کوتاه که در سال ۱۹۸۸ سروده است، فرار دسته جمعی اهالی یک روستای کرد را از دست بمباران بعثیها به نحوه زنده ای به تصویر می کشد.

تراژدی در تاریخ کردها کم نیست و جنایات رژیم عراق در قبال این ملت نیز بسیار فراوان و سخت دردناک است. اما سال ۱۹۸۸ در کردستان عراق سال دردناکترین تراژدیها است، سال «انفال» است، سال بمبارانهای شیمیایی، سال ژنوساید بی سروصدای کردها در درون جامعه عراق است. سالی است که صدام، همچون هیتلر که برای نابودی نهائی یهودیان «راه حل نهائی» را تهیه دید، برای پایان دادن به موجودیت کردها و همچنین پایان بخشیدن به هرگونه امید آنها به حیات و به آینده، امواجی از حملات شیمیایی به روستاها و مردم بی دفاع را به راه انداخت و این حملات را با عاریت گرفتن از کلام قرآن و جنگهای صدر اسلام با کفار «انفال» نامید. وجه دیگر انفال و مکمل حملات شیمیایی به مردم غیرنظامی، سیاست «امحای کرد» بود که در مناطق وسیعی از کردستان عراق به آن دست یازیدند. در این پروژه شکار انسانی، اهالی مدنی شهرها و روستاها را، مردان و زنان

و بویژه جوانان را، بدون اینکه به دنبال هیچ نام مشخصی باشند بلکه به صرف کرد بودن، دستگیر کرده به زور در کامیونهای ارتشی چپاندند و در لب گودالهایی که در نقاط مختلف عراق حفر شده بود به رگبار بسته و با بولدوزر خاک بر رویشان ریختند و دفن کردند و به این ترتیب صدها گور دسته جمعی در این کشور آفریدند. پس از سقوط صدام دهها گور دسته جمعی از این نوع در نقاط گوناگون عراق توسط متخصصان کشف و خاکبرداری شد که هویت کردی قربانیان از لباسها و کارتهای شناسائی آنها احراز می شد. به گفته آگاهان در این حملات بیش از صدوهشتاد هزار نفر جان خود را از دست دادند. زخم این تراژدی هنوز هم عمیقترین لایه های روح کردها را آزار می دهد و دهها هزار بیوه انفال و یتیمان انفال امروزه بازماندگان این بربریت مدرن هستند.

باری، قصد فقط آشنا کردن مختصر خواننده با زمان و مکانی بود که شعر در آن سروده شده است. در شعر کوتاه «تنها یکی از ما»، شیرکو بیگس فرار دسته جمعی شبانه مردم یک روستا را که شتابان از برابر بمباران می گریزند تصویر می کند. در آن اشک هست، دود هست، فرار از برابر دشمن مسلح غدار هست، کوفتن باران و سختی راه و فرسایش طاقتها هست، همه اینها هم بدون کوچکترین شعار و تکلف و در قالب تصویرهای شعری گویایی تجسم می شود که در آن انسان و رویدادهای پیرامونش به سادگی در هم آمیخته اند. اما در ژرفنای این مصیبت بی پناهانه و بی فریادرس، امید و آینده نیز با ظرافت تمام و با رنگی از شیطنت در هیأت نوزاد متولد نشده ای که نمادی از تداوم موجودیت و آینده این ملت است سرک می کشد، چنانکه در عمق احساس تلخی که از تصویر این همه محنت و رنج به شما دست داده است، بی اختیار آهی از سر آسودگی خاطر می کشید و لبخندی بر لبانتان نقش می بندد.

من این شعر را در سال ۱۹۹۳ از جلد اول دیوان اشعار شیرکو بیگس، صفحه ۶۹۲، ترجمه کرده بودم اما هیچ وقت آن را در جایی انتشار نداده بودم و اینک در حالت روحی و عاطفی خاصی آن را به خاطره عزیز جانباخته احسان فتاحیان تقدیم می کنم تا بدانیم که به قول شاملو «مرگ پایان نیست».

سیاست خروس  
کژال احمد

بیرون من  
می خواند خروسی.  
حقیقت،  
گوش به سپیده ی صدایش نمی سپارد و  
رگبار ناسزا  
بر او فرو می بارد.  
می خواند رگباری دیگر.  
می خواند...  
می خواند...  
می خواند...  
چقدر این خروس ایله است.  
چرا برای خودش نمی خواند،  
من مرغ  
این خروس برابم بسیار مسخره است.

مصدق در لاهه  
مجید نفیسی

اگر به هلند میروی  
از دادگاه لاهه دیدن کن  
در یک شب بارانی  
پشت در بسته اش بایست  
و از لابلای میله ها نگاه کن:  
آنجا، در آن عمارت پر نور  
کنار درخت های باران خورده  
بیش از نیم قرن پیش  
مردی کهنسال ایستاد  
که از سرزمین ما آمده بود  
تا از بیداد غارتگران نفت  
با جهان سخن گوید.  
او هیچ کس را به گروگان نگرفت  
و تنها چند قدم برداشت  
تا به پشت میز خطابه رسید  
گوش کن، گوش کن  
حتی سالها پس از آن مرداد خونین  
هنوز هم میتوان صدایش را شنید  
که به زبان زیبایی فرانسه میگوید:  
"Mesdames et Messieurs!  
خانمها! آقایان!"

شماره  
لطیف هلمت

به هم که می رسیم  
سه نفریم  
من و تو و بوسه  
از هم که جدا می شویم  
چهار نفریم  
تو و تنهایی  
من و عذاب